



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

آشنایی با افق



تألیف: آیه امیرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با فقه شافعی

نویسنده:

نصیب الله عمراف

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۵	آشنایی با فقه شافعی
۲۵	مشخصات کتاب
۲۵	اشاره
۲۹	سخن ناشر
۳۱	فهرست
۵۳	پیشگفتار
۵۷	درس اول: جایگاه احکام در اسلام
۵۷	اشاره
۵۸	علم فقه
۵۹	امام شافعی رحمه الله در یک نگاه
۶۰	چکیده مطالب
۶۰	پرسش ها
۶۱	درس دوم: اقسام حکم و راه به دست آوردن آن
۶۱	اشاره
۶۱	تقسیم احکام
۶۲	راه بدست آوردن احکام
۶۲	تقلید
۶۳	شرایط اجتهاد
۶۶	چکیده مطالب
۶۶	پرسش ها
۶۸	درس سوم: شرایط مجتهد و مسائل تکلیف
۶۸	اشاره
۶۸	شرایط عمومی

۶۹	شرائط اساسی
۷۱	شرائط تکمیلی
۷۳	مکلف کیست ؟
۷۴	سن بلوغ
۷۵	چکیده مطالب
۷۵	پرسش ها
۷۶	درس چهارم: طهارت
۷۶	اشاره
۷۶	درآمد
۷۶	طهارت
۷۷	نجاسات
۷۷	احکام ادرار و مدفوع
۷۸	مذی و ودی
۷۸	احکام خون
۸۰	چکیده مطالب
۸۰	پرسش ها
۸۱	درس پنجم: احکام نجاست
۸۱	اشاره
۸۱	مردار
۸۲	قیء، قیح، آب قروح و علقه
۸۲	خمر و نیبذ
۸۲	سگ و خوک
۸۲	شیر حیوانات
۸۳	چگونه چیز پاکى نجس مى شود؟
۸۴	چکیده مطالب
۸۴	پرسش ها

۸۵	درس ششم:مطهرات(۱)
۸۵	اشاره
۸۵	اقسام مطهرات
۸۵	اقسام آب
۸۶	انواع آب مطلق
۸۶	انواع آب طاهر غیر مطهر
۸۶	انواع آب غیر طاهر
۸۸	چکیده مطالب
۸۸	پرسش ها
۸۹	درس هفتم:مطهرات(۲)
۸۹	اشاره
۸۹	وسيله دوم:خاک
۹۰	وسيله سوم:استحاله
۹۰	وسيله چهارم:سنگ
۹۱	چکیده مطالب
۹۱	پرسش ها
۹۲	درس هشتم:اقسام نجاست
۹۲	اشاره
۹۲	اقسام نجاست
۹۳	کیفیت از بین بردن نجاست
۹۳	حکم تطهیر نجاست
۹۳	تقسیم دیگر
۹۴	چکیده مطالب
۹۴	پرسش ها
۹۵	درس نهم:استنجا و آداب آن
۹۵	اشاره

۹۵	درآمد
۹۵	احکام استنجا
۹۶	مستحب [سنت]:
۹۶	مکروه:
۹۷	چکیده مطالب
۹۷	پرسش ها
۹۸	درس دهم: وضو (۱)
۹۸	اشاره
۹۸	درآمد
۹۹	شرائط صحت وضو
۹۹	فرض های وضو
۱۰۱	چکیده مطالب
۱۰۱	پرسش ها
۱۰۲	درس یازدهم: وضو (۲)
۱۰۲	اشاره
۱۰۲	سنت های وضو
۱۰۳	مکروهات وضو
۱۰۴	چکیده مطالب
۱۰۴	پرسش ها
۱۰۵	درس دوازدهم: وضو (۳)
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	نواقض وضو
۱۰۶	کارهای ممنوعه برای شخص بی وضو
۱۰۷	چکیده مطالب
۱۰۷	پرسش ها
۱۰۸	درس سیزدهم: غسل (۱)

۱۰۸	اشاره
۱۰۸	درآمد
۱۰۸	اقسام غسل
۱۰۹	غسل جنابت
۱۱۱	چکیده مطالب
۱۱۱	پرسش ها
۱۱۲	درس چهاردهم: غسل (۲)
۱۱۲	اشاره
۱۱۲	انجام غسل
۱۱۳	واجبات غسل
۱۱۳	سنت های غسل
۱۱۵	چکیده مطالب
۱۱۵	پرسش ها
۱۱۶	درس پانزدهم: غسل (۳)
۱۱۶	اشاره
۱۱۶	مکروهات غسل
۱۱۶	کارهای ممنوعه برای شخص جُنُب
۱۱۷	غسل های مستحب
۱۱۹	چکیده مطالب
۱۱۹	پرسش ها
۱۲۰	درس شانزدهم: تیمم (۱)
۱۲۰	اشاره
۱۲۰	درآمد
۱۲۰	موجبات تیمم
۱۲۱	احکام نبود آب
۱۲۲	تیمم به سبب مریضی

- ۱۲۳ چکیده مطالب
- ۱۲۳ پرسش ها
- ۱۲۴ درس هفدهم: تیمم (۲)
- ۱۲۴ اشاره
- ۱۲۴ شرائط صحت تیمم
- ۱۲۵ فرائض تیمم
- ۱۲۶ چکیده مطالب
- ۱۲۶ پرسش ها
- ۱۲۷ درس هجدهم: تیمم (۳)
- ۱۲۷ اشاره
- ۱۲۷ سنت های تیمم
- ۱۲۸ مکروهات تیمم
- ۱۲۸ باطل کننده های تیمم
- ۱۲۸ برخی از احکام تیمم
- ۱۳۱ چکیده مطالب
- ۱۳۱ پرسش ها
- ۱۳۲ درس نوزدهم: مسح بر خفین
- ۱۳۲ اشاره
- ۱۳۲ درآمد
- ۱۳۳ شرائط صحت مسح
- ۱۳۳ کیفیت مسح
- ۱۳۳ مدت مسح
- ۱۳۴ باطل کننده های مسح
- ۱۳۵ چکیده مطالب
- ۱۳۵ پرسش ها
- ۱۳۶ درس بیستم: نماز (۱)

- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۶ معنای نماز
- ۱۳۶ اهمیت نماز
- ۱۳۷ حکمت و اسرار نماز
- ۱۳۸ اقسام نماز
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۸ ۱. نمازهای واجبه:
- ۱۳۸ ۲. نمازهای نافله:
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۸ نمازهای واجبه، دو دسته اند:
- ۱۳۸ ۱. نمازهای یومیه:
- ۱۳۸ ۲. نماز مشروط:
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۸ نمازهای نافله نیز دو دسته اند:
- ۱۳۸ ۱. نمازهای نافله ای که بدون جماعت خوانده می شوند:
- ۱۳۸ ۲. نمازهایی که با جماعت خواندن آنها مسنون است:
- ۱۳۹ نمودار ۱: اقسام نمازهای واجبه
- ۱۴۰ نمودار ۲: اقسام نمازهای نافله
- ۱۴۱ چکیده مطالب
- ۱۴۱ پرسش ها
- ۱۴۲ درس بیست و یکم: نماز (۲)
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۲ نماز برای چه کسانی واجب است؟
- ۱۴۲ وقت نمازهای یومیه
- ۱۴۲ وقت نماز صبح
- ۱۴۲ وقت نماز ظهر

۱۴۳	وقت نماز عصر
۱۴۳	وقت نماز مغرب
۱۴۴	وقت نماز عشاء
۱۴۴	برخی احکام وقت نماز
۱۴۴	وقت های مکروهه
۱۴۴	اداء، قضاء و اعاده
۱۴۶	چکیده مطالب
۱۴۷	پرسش ها
۱۴۸	درس بیست و دوم: لباس نمازگزار
۱۴۸	اشاره
۱۴۸	حکم پوشش و مقدار آن
۱۴۸	۱. پوشیدن عورت در نماز که اصطلاحاً به آن «ستر عورت» گویند
۱۴۸	۲. مقدار پوشش در نماز:
۱۴۹	۳. شرایط لباس نمازگزار:
۱۴۹	برخی احکام لباس نمازگزار
۱۵۰	چکیده مطالب
۱۵۰	پرسش ها
۱۵۱	درس بیست و سوم: قبله و مکان نمازگزار
۱۵۱	اشاره
۱۵۱	قبله
۱۵۲	مکان نمازگزار
۱۵۴	چکیده مطالب
۱۵۴	پرسش ها
۱۵۵	درس بیست و چهارم: اذان و اقامه
۱۵۵	اشاره
۱۵۵	احکام اذان

۱۵۸	احکام اقامه
۱۶۰	چکیده مطالب
۱۶۰	پرسش ها
۱۶۱	درس بیست و پنجم: واجبات نماز (۱)
۱۶۱	اشاره
۱۶۱	احکام واجبات نماز
۱۶۱	اشاره
۱۶۴	نیت
۱۶۴	قیام
۱۶۴	تکبیره الاحرام
۱۶۵	خواندن سوره حمد
۱۶۶	چکیده مطالب
۱۶۷	پرسش ها
۱۶۸	درس بیست و ششم: واجبات نماز (۲)
۱۶۸	اشاره
۱۶۸	رکوع
۱۶۹	سجود
۱۷۱	نشستن بین دو سجده
۱۷۴	چکیده مطالب
۱۷۴	پرسش ها
۱۷۵	درس بیست و هفتم: واجبات نماز (۳)
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	نشستن پایانی (قعه آخر)
۱۷۵	تشهد
۱۷۶	صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر
۱۷۸	سلام دادن

۱۷۹	ترتیب
۱۸۰	چکیده مطالب
۱۸۰	پرسش ها
۱۸۲	درس بیست و هشتم:مبطلات نماز
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	احکام مبطلات نماز
۱۸۴	بی وضویی در نماز
۱۸۴	مکروهات نماز
۱۸۵	چکیده مطالب
۱۸۵	پرسش ها
۱۸۶	درس بیست و نهم:قضای نماز و سجده سهو
۱۸۶	اشاره
۱۸۶	قضای نمازهای فوت شده
۱۸۷	سجده سهو
۱۹۰	چکیده مطالب
۱۹۰	پرسش ها
۱۹۱	پیوست درس ۱۰
۱۹۲	درس سی ام:سجده تلاوت و سجده شکر
۱۹۲	اشاره
۱۹۲	سجده تلاوت
۱۹۳	سجده شکر
۱۹۴	چکیده مطالب
۱۹۴	پرسش ها
۱۹۵	درس سی و یکم:نماز جماعت(۱)
۱۹۵	اشاره
۱۹۵	حکم نماز جماعت

۱۹۵	نیت نماز جماعت
۱۹۶	اولویت در امامت
۱۹۶	صف و مکان نماز جماعت
۱۹۷	چکیده مطالب
۱۹۷	پرسش ها
۱۹۸	درس سی و دوم: نماز جماعت (۲)
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	اقتدا و احکام آن
۱۹۹	اقتدای صحیح
۲۰۰	اقتدای غیر صحیح
۲۰۱	چکیده مطالب
۲۰۲	پرسش ها
۲۰۳	درس سی و سوم: نماز جمعه
۲۰۳	اشاره
۲۰۳	حکم نماز جمعه
۲۰۴	شرائط نماز جمعه
۲۰۴	اشاره
۲۰۴	شرط اول: آبادی
۲۰۴	شرط دوم: جماعت
۲۰۵	شرط سوم: وقت
۲۰۵	شرط چهارم: خطبه
۲۰۶	سنت های نماز جمعه
۲۰۶	سنت های روز جمعه
۲۰۸	چکیده مطالب
۲۰۸	پرسش ها
۲۱۰	درس سی و چهارم: نماز مریض و مسافر

۲۱۰	اشاره
۲۱۰	نماز مریض
۲۱۱	نماز مسافر
۲۱۱	جمع صلاتین
۲۱۳	چکیده مطالب
۲۱۳	پرسش ها
۲۱۵	درس سی و پنجم: نمازهای مستحب
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	نمازهای تطوع
۲۱۶	نمازهای سنت یومیه
۲۱۶	نماز وتر
۲۱۸	برخی نمازهای سنت راتبه و غیر راتبه
۲۲۰	چکیده مطالب
۲۲۰	پرسش ها
۲۲۱	درس سی و ششم: نماز عیدین
۲۲۱	اشاره
۲۲۱	حکم نماز عیدین
۲۲۲	کیفیت خواندن نماز عیدین
۲۲۲	اشاره
۲۲۳	تکبیرات عیدین
۲۲۵	چکیده مطالب
۲۲۵	پرسش ها
۲۲۶	درس سی و هفتم: جنازه و احکام آن (۱)
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	احکام کلی
۲۲۶	غسل میت و احکام آن

۲۲۸	تکفین و احکام آن
۲۳۱	چکیده مطالب
۲۳۲	پرسش ها
۲۳۳	درس سی و هشتم: جنازه و احکام آن (۲)
۲۳۳	اشاره
۲۳۳	احکام تشییع جنازه
۲۳۳	احکام نماز میت
۲۳۵	دفن میت
۲۳۵	احکام شهید
۲۳۷	چکیده مطالب
۲۳۸	پرسش ها
۲۳۹	درس سی و نهم: روزه (۱)
۲۳۹	اشاره
۲۳۹	تعریف روزه
۲۳۹	اقسام روزه
۲۴۰	روزه های واجب
۲۴۰	روزه های مستحب
۲۴۰	روزه های مکروه
۲۴۱	برخی از روزه های حرام
۲۴۱	نیت روزه
۲۴۲	چکیده مطالب
۲۴۲	پرسش ها
۲۴۳	درس چهارم: روزه (۲)
۲۴۳	اشاره
۲۴۳	مبطلات روزه
۲۴۴	احکام مبطلات روزه

- ۲۴۴ خوردن آشامیدن
- ۲۴۵ قی کردن
- ۲۴۵ آمیزش
- ۲۴۵ استمناء
- ۲۴۵ حیض و نفاس
- ۲۴۶ جنون ارتداد
- ۲۴۶ چند نکته
- ۲۴۷ چکیده مطالب
- ۲۴۸ پرسش ها
- ۲۴۹ درس چهل و یکم:روزه(۳)
- ۲۴۹ اشاره
- ۲۴۹ آداب روزه
- ۲۴۹ تعجیل افطار
- ۲۴۹ سحری نمودن
- ۲۵۰ تأخیر سحری
- ۲۵۰ ترک سخنان ناپسند
- ۲۵۰ غسل جنابت قبل از طلوع فجر
- ۲۵۰ دعای هنگام افطار
- ۲۵۰ افطاری دادن
- ۲۵۱ صدقه دادن
- ۲۵۱ تلاوت قرآن
- ۲۵۱ اعتکاف
- ۲۵۱ مکروهات روزه
- ۲۵۲ چکیده مطالب
- ۲۵۲ پرسش ها
- ۲۵۳ درس چهل و دوم:روزه(۴)

- ۲۵۳ اشاره
- ۲۵۳ قضا و كفاره
- ۲۵۳ روزه قضا
- ۲۵۳ كفاره روزه
- ۲۵۴ موجب كفاره
- ۲۵۴ كفاره به چه كسى واجب مى شود؟
- ۲۵۴ احكام قضا
- ۲۵۵ روزه مسافر
- ۲۵۵ زكات فطره
- ۲۵۶ مقدار زكات فطره
- ۲۵۶ جنس زكات فطره
- ۲۵۶ وقت پرداخت زكات فطره
- ۲۵۷ چكیده مطالب
- ۲۵۸ پرسش ها
- ۲۵۹ درس چهل و سوم: زكات
- ۲۵۹ اشاره
- ۲۵۹ معنای زكات و حكم آن
- ۲۶۰ انواع زكات
- ۲۶۲ شرایط وجوب پرداخت زكات
- ۲۶۳ چكیده مطالب
- ۲۶۴ پرسش ها
- ۲۶۵ درس چهل و چهارم: نصاب زكات (۱)
- ۲۶۵ اشاره
- ۲۶۵ نصاب چیست ؟
- ۲۶۵ نصاب چهارپایان
- ۲۶۵ نصاب شتر

- ۲۶۷ نصاب گاو
- ۲۶۸ نصاب گوسفند
- ۲۶۸ اشاره
- ۲۶۸ برخی احکام زکات چهارپایان
- ۲۶۹ چکیده مطالب
- ۲۶۹ پرسش ها
- ۲۷۰ درس چهل و پنجم: نصاب زکات (۲)
- ۲۷۰ اشاره
- ۲۷۰ نصاب طلا و نقره
- ۲۷۱ نصاب حبوبات و دانه ها
- ۲۷۱ نصاب میوه ها
- ۲۷۲ نصاب کالاهای تجاری
- ۲۷۴ نصاب معدن و رکاز
- ۲۷۵ چکیده مطالب
- ۲۷۶ پرسش ها
- ۲۷۷ درس چهل و ششم: مصرف کنندگان زکات
- ۲۷۷ اشاره
- ۲۷۷ مستحقین زکات
- ۲۷۷ فقیر
- ۲۷۸ مسکین
- ۲۷۸ عامل زکات
- ۲۷۸ مؤلفه القلوب
- ۲۷۸ مکاتب
- ۲۷۹ غارم
- ۲۷۹ سیبیل الله
- ۲۷۹ ابن سیبیل

۲۷۹	نکته مهم
۲۸۰	کیفیت توزیع زکات
۲۸۱	چکیده مطالب
۲۸۲	پرسش ها
۲۸۳	درس چهل و هفتم: امر به معروف و نهی از منکر (۱)
۲۸۳	اشاره
۲۸۳	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۴	تعریف معروف و منکر
۲۸۵	ارکان امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۵	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۵	شرایط محتسب
۲۸۶	شرایط محتسب علیه
۲۸۶	شرایط محتسب فیه
۲۸۶	شرایط احتساب
۲۸۷	چکیده مطالب
۲۸۷	پرسش ها
۲۸۹	درس چهل و هشتم: امر به معروف و نهی از منکر (۲)
۲۸۹	اشاره
۲۸۹	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۹	اشاره
۲۸۹	مرتب اول: شناخت منکر
۲۹۰	مرتب دوم: شناساندن منکر
۲۹۰	مرتب سوم: موعظه، نصیحت و انذار
۲۹۰	مرتب چهارم: امر و نهی خشن
۲۹۰	مرتب پنجم: اقدام عملی و تغییر فیزیکی
۲۹۱	آداب امر به معروف و نهی از منکر

۲۹۱	برخی احکام امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۳	چکیده مطالب
۲۹۳	پرسش ها
۲۹۴	درس چهل ونهم: جهاد و دفاع
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	جهاد
۲۹۵	دفاع
۲۹۵	اقسام دفاع
۲۹۵	اشاره
۲۹۵	دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی
۲۹۶	دفاع از جان و حقوق شخصی
۲۹۷	چکیده مطالب
۲۹۷	پرسش ها
۲۹۸	درس پنجاهم: احکام خوردن و آشامیدن (۱)
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	درآمد
۲۹۹	انواع خوراکی ها
۲۹۹	احکام خوراکی ها
۲۹۹	حیوانات حلال گوشت
۳۰۰	حیوانات حرام گوشت
۳۰۱	چکیده مطالب
۳۰۱	پرسش ها
۳۰۲	درس پنجاه و یکم: احکام خوردن و آشامیدن (۲)
۳۰۲	اشاره
۳۰۲	انواع آشامیدنی ها
۳۰۳	احکام آشامیدن مسکرات

- ۳۰۴ ----- برخی استثناءات
- ۳۰۵ ----- چکیده مطالب
- ۳۰۵ ----- پرسش ها
- ۳۰۶ ----- درس پنجاه و دوم: احکام خوردن و آشامیدن (۳)
- ۳۰۶ ----- اشاره
- ۳۰۶ ----- آداب غذا خوردن
- ۳۰۶ ----- مستحبات غذا خوردن
- ۳۰۷ ----- آداب آب نوشیدن
- ۳۰۷ ----- مستحبات آب نوشیدن
- ۳۰۹ ----- مکروهات آب نوشیدن
- ۳۱۰ ----- چکیده مطالب
- ۳۱۰ ----- پرسش ها
- ۳۱۱ ----- درس پنجاه و سوم: محرم و نامحرم
- ۳۱۱ ----- اشاره
- ۳۱۱ ----- درآمد
- ۳۱۱ ----- محرم و نامحرم
- ۳۱۲ ----- افرادی که بر پسرها و مردان محرمند
- ۳۱۳ ----- افرادی که بر دخترها و زنان محرمند
- ۳۱۵ ----- نگاه به دیگران و احکام آن
- ۳۱۶ ----- چکیده مطالب
- ۳۱۶ ----- پرسش ها
- ۳۱۷ ----- درس پنجاه و چهارم: احکام ازدواج
- ۳۱۷ ----- اشاره
- ۳۱۷ ----- درآمد
- ۳۱۸ ----- حکم ازدواج
- ۳۱۸ ----- همسر شایسته

۳۱۹	همسر ناشایسته
۳۱۹	ارکان ازدواج
۳۱۹	عقد ازدواج
۳۲۲	چکیده مطالب
۳۲۲	پرسش ها
۳۲۴	منابع و مأخذ
۳۲۶	درباره مرکز

سرشناسه: عمراف، نصیب الله، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: آشنایی با فقه شافعی / نصیب الله عمراف

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۷۰ ص.

فروست: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)؛ ۷۹۹. مجتمع عالی مذاهب واحد گرگان.

شابک: ۱۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۸۷۷-۲؛ ۱۳۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۱۳۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۴.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۹۵.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۹]-۲۷۰.

موضوع: فقه شافعی -- رساله عملیه

موضوع: فقه شافعی -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: BP۱۷۷/۸: ۱۳۹۳ ۵۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۴۰۹۸

ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

آشنایی با فقه شافعی

نصیب الله عمراف

ص: ۳

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدیدآمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت چهره‌های متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر، حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

«جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای نصیب الله عمراف مؤلف کتاب آشنایی با فقه شافعی و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

فهرست

پیشگفتار ۷

درس اول: جایگاه احکام در اسلام ۷

درآمد ۷

علم فقه ۷

امام شافعی رحمه الله در یک نگاه ۷

درس دوم: اقسام حکم و راه به دست آوردن آن ۷

تقسیم احکام ۷

راه بدست آوردن احکام ۷

تقلید ۷

شرایط اجتهاد ۷

درس سوم: شرایط مجتهد و مسائل تکلیف ۷

شرایط عمومی ۷

شرایط اساسی ۷

شرایط تکمیلی ۷

مکلف کیست؟ ۷

سنّ بلوغ ۷

درس چهارم: طهارت ۷

درآمد ۷

ص: ۷

طهارت ۷

نجاسات ۷

احکام ادرار و مدفوع ۷

مذی و ودی ۷

احکام خون ۷

درس پنجم: احکام نجاست ۷

مردار ۷

قیء، قیح، آب قروح و علقه ۷

خمر و نبیذ ۷

سگ و خوک ۷

شیر حیوانات ۷

چگونه چیز پاکی نجس می شود؟ ۷

درس ششم: مطهرات (۱) ۷

اقسام مطهرات ۷

اقسام آب ۷

انواع آب مطلق ۷

انواع آب طاهر غیر مطهر ۷

انواع آب غیر طاهر ۷

درس هفتم: مطهرات (۲) ۷

وسیله دوم: خاک ۷

وسيله سوم: استحاله ۷

وسيله چهارم: سنگ ۷

درس هشتم: اقسام نجاست ۷

اقسام نجاست ۷

كيفيت از بين بردن نجاست ۷

حكم تطهير نجاست ۷

تقسيم ديگر ۷

ص: ۸

درس نهم: استنجا و آداب آن ۷

درآمد ۷

احکام استنجا ۷

درس دهم: وضو (۱) ۷

درآمد ۷

شرائط صحت وضو ۷

فرض های وضو ۷

درس یازدهم: وضو (۲) ۷

سنت های وضو ۷

مکروهات وضو ۷

درس دوازدهم: وضو (۳) ۷

نواقض وضو ۷

کارهای ممنوعه برای شخص بی وضو ۷

درس سیزدهم: غسل (۱) ۷

درآمد ۷

اقسام غسل ۷

غسل جنابت ۷

درس چهاردهم: غسل (۲) ۷

انجام غسل ۷

واجبات غسل ۷

سنت های غسل ۷

درس پانزدهم: غسل (۳) ۷

مکروهات غسل ۷

کارهای ممنوعه برای شخص جُنب ۷

غسل های مستحب ۷

درس شانزدهم: تیمم (۱) ۷

درآمد ۷

ص: ۹

موجبات تیمم ۷

احکام نبود آب ۷

تیمم به سبب مریضی ۷

درس هفدهم: تیمم (۲) ۷

شرایط صحت تیمم ۷

فرائض تیمم ۷

درس هجدهم: تیمم (۳) ۷

سنت های تیمم ۷

مکروهات تیمم ۷

باطل کننده های تیمم ۷

برخی از احکام تیمم ۷

درس نوزدهم: مسح بر خفین ۷

درآمد ۷

شرایط صحت مسح ۷

کیفیت مسح ۷

مدت مسح ۷

باطل کننده های مسح ۷

درس بیستم: نماز (۱) ۷

معنای نماز ۷

اهمیت نماز ۷

حکمت و اسرار نماز ۷

اقسام نماز ۷

نمودار ۱: اقسام نمازهای واجبه ۷

نمودار ۲: اقسام نمازهای نافله ۷

درس بیست و یکم: نماز (۲) ۷

نماز برای چه کسانی واجب است؟ ۷

وقت نمازهای یومیه ۷

ص: ۱۰

وقت نماز صبح ۷

وقت نماز ظهر ۷

وقت نماز عصر ۷

وقت نماز مغرب ۷

وقت نماز عشاء ۷

برخی احکام وقت نماز ۷

وقت های مکروهه ۷

اداء، قضاء و اعاده ۷

درس بیست و دوم: لباس نماز گزار ۷

حکم پوشش و مقدار آن ۷

برخی احکام لباس نماز گزار ۷

درس بیست و سوم: قبله و مکان نماز گزار ۷

قبله ۷

مکان نماز گزار ۷

درس بیست و چهارم: اذان و اقامه ۷

احکام اذان ۷

احکام اقامه ۷

درس بیست و پنجم: واجبات نماز (۱) ۷

احکام واجبات نماز ۷

قیام ۷

نیت ۱۲۱

تکبیره الاحرام ۷

خواندن سوره حمد ۷

درس بیست و ششم: واجبات نماز (۲) ۷

رکوع ۷

سجود ۷

نشستن بین دو سجده ۷

ص: ۱۱

درس بیست و هفتم: واجبات نماز (۳) ۷

نشستن پایانی (قعه آخر) ۷

تشهد ۷

صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر ۷

سلام دادن ۷

ترتیب ۷

درس بیست و هشتم: مبطلات نماز ۷

احکام مبطلات نماز ۷

بی وضویی در نماز ۷

مکروهات نماز ۷

درس بیست و نهم: قضای نماز و سجده سهو ۷

قضای نمازهای فوت شده ۷

سجده سهو ۷

درس سی ام: سجده تلاوت و سجده شکر ۷

سجده تلاوت ۷

سجده شکر ۷

درس سی و یکم: نماز جماعت (۱) ۷

حکم نماز جماعت ۷

نیت نماز جماعت ۷

اولویت در امامت ۷

صف و مکان نماز جماعت ۷

درس سی و دوم: نماز جماعت (۲) ۷

اقتدا و احکام آن ۷

اقتدای صحیح ۷

اقتدای غیر صحیح ۷

درس سی و سوم: نماز جمعه ۷

حکم نماز جمعه ۷

ص: ۱۲

شرائط نماز جمعه ۷

شرط اول: آبادی. ۷.

شرط دوم: جماعت. ۷.

شرط سوم: وقت ۷

شرط چهارم: خطبه ۷

سنت های نماز جمعه ۷

سنت های روز جمعه ۷

درس سی و چهارم: نماز مریض و مسافر ۷

نماز مریض ۷

نماز مسافر ۷

جمع صلاتین ۷

درس سی و پنجم: نمازهای مستحب ۷

نمازهای تطوع ۷

نمازهای سنت یومیه ۷

نماز وتر ۷

برخی نمازهای سنت راتبه و غیر راتبه ۷

درس سی و ششم: نماز عیدین ۷

حکم نماز عیدین ۷

کیفیت خواندن نماز عیدین ۷

تکبیرات عیدین ۷

درس سی و هفتم: جنازه و احکام آن (۱) ۷

احکام کلی ۷

غسل میت و احکام آن ۷

تکفین و احکام آن ۷

درس سی و هشتم: جنازه و احکام آن (۲) ۷

احکام تشییع جنازه ۷

احکام نماز میت ۷

ص: ۱۳

دفن میت ۷

احکام شهید ۷

درس سی و نهم: روزه (۱) ۷

تعریف روزه ۷

اقسام روزه ۷

روزه های واجب ۷

روزه های مستحب ۷

روزه های مکروه ۷

برخی از روزه های حرام ۷

نیت روزه ۷

درس چهلم: روزه (۲) ۷

مبطلات روزه ۷

احکام مبطلات روزه ۷

خوردن آشامیدن ۷

قی کردن ۷

آمیزش ۷

استمناء ۷

حیض و نفاس ۷

جنون ارتداد ۷

چند نکته ۷

درس چهل و یکم: روزه (۳) ۷

آداب روزه ۷

تعجيل افطار ۷

سحری نمودن ۷

تأخير سحری ۷

ترك سخنان ناپسند ۷

غسل جنابت قبل از طلوع فجر ۷

ص: ۱۴

دعای هنگام افطار ۷

افطاری دادن ۷

صدقه دادن ۷

مکروهات روزه ۷

درس چهل و دوم: روزه (۴) ۷

قضا و کفاره ۷

روزه قضا ۷

کفاره روزه ۷

موجب کفاره ۷

کفاره به چه کسی واجب می شود؟ ۷

احکام قضا ۷

روزه مسافر ۷

زکات فطره ۷

مقدار زکات فطره ۷

جنس زکات فطره ۷

وقت پرداخت زکات فطره ۷

درس چهل و سوم: زکات ۷

معنای زکات و حکم آن ۷

انواع زکات ۷

شرایط وجوب پرداخت زکات ۷

درس چهل و چهارم: نصاب زکات (۱) ۷

نصاب چیست؟ ۷

نصاب چهارپایان ۷

نصاب شتر ۷

نصاب گاو ۷

نصاب گوسفند ۷

برخی احکام زکات چهارپایان ۷

ص: ۱۵

درس چهل و پنجم: نصاب زکات (۲) ۷

نصاب طلا و نقره ۷

نصاب حیوانات و دانه ها ۷

نصاب میوه ها ۷

نصاب کالاهای تجاری ۷

نصاب معدن و رکاز ۷

درس چهل و ششم: مصرف کنندگان زکات ۷

مستحقین زکات ۷

فقیر ۷

مسکین ۷

عامل زکات ۷

مؤلفه القلوب ۷

مکاتب ۷

غارم ۷

سبیل الله ۷

ابن سبیل ۷

نکته مهم ۷

کیفیت توزیع زکات ۷

درس چهل و هفتم: امر به معروف و نهی از منکر (۱) ۷

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر ۷

تعریف معروف و منکر ۷

ارکان امر به معروف و نهی از منکر ۷

شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۷

شرایط محتسب ۷

شرایط محتسب علیه ۷

شرایط محتسب فیه ۷

شرایط احتساب ۷

ص: ۱۶

درس چهل و هشتم: امر به معروف و نهی از منکر (۲) ۷

مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۷

مرتبۀ اول: شناخت منکر ۷

مرتبۀ دوم: شناساندن منکر ۷

مرتبۀ سوم: موعظه، نصیحت و انذار ۷

مرتبۀ چهارم: امر و نهی خشن ۷

مرتبۀ پنجم: اقدام عملی و تغییر فیزیکی ۷

آداب امر به معروف و نهی از منکر ۷

برخی احکام امر به معروف و نهی از منکر ۷

درس چهل و نهم: جهاد و دفاع ۷

جهاد ۷

دفاع ۷

اقسام دفاع ۷

درس پنجاهم: احکام خوردن و آشامیدن (۱) ۷

درآمد ۷

انواع خوراکی ها ۷

احکام خوراکی ها ۷

حیوانات حلال گوشت ۷

حیوانات حرام گوشت ۷

درس پنجاه و یکم: احکام خوردن و آشامیدن (۲) ۷

انواع آشامیدنی ها ۷

احکام آشامیدن مسکرات ۷

برخی استثناءات ۷

درس پنجاه و دوم: احکام خوردن و آشامیدن (۳) ۷

آداب غذا خوردن ۷

مستحبات غذا خوردن ۷

مکروهات غذا خوردن ۷

ص: ۱۷

آداب آب نوشیدن ۷

مستحبات آب نوشیدن ۷

مکروهات آب نوشیدن ۷

درس پنجاه و سوم: محرم و نامحرم ۷

درآمد ۷

محرم و نامحرم ۷

افرادی که بر پسرها و مردان محرمند ۷

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند ۷

نگاه به دیگران و احکام آن ۷

درس پنجاه و چهارم: احکام ازدواج ۷

درآمد ۷

حکم ازدواج ۷

همسر شایسته ۷

همسر ناشایسته ۷

ارکان ازدواج ۷

عقد ازدواج ۷

منابع و مآخذ ۷

ص: ۱۸

دانش فقه از مهم ترین و اصیل ترین دانش های معارف اسلامی است که نخستین ظهور این علم همزمان با ظهور اسلام می باشد. موضوع این علم که احکام شرعی است در زندگی هر مسلمانی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که هیچ عملی از اعمال انسان بدون حکم شرعی نیست و بنابر این، در معارف اسلامی که بر مبنای گزاره های وحیانی و سماوی شکل گرفته است، در مورد هر گونه عمل انسان در هر زمینه نظر خاصی ارائه شده است.

با توجه به تاریخ دانش فقه و دوره ها و مراحل شکل گیری این علم -چه در بعد استخراج اصول و قواعد فقهی و چه در بعد استخراج فروع و مسائل فقهی- که فقهای مذاهب مختلف اسلامی در حقیقت نقش بی بدیل داشته اند و در پی ریزی تمدن بزرگ اسلامی سهم به سزایی ایفا نموده اند، از ابتدا مسائل و فروع فقهی را در محور های خاص و جداگانه قرار داده، برای جامعه اسلامی این علم را در بسته های منظم و مشخصی تقدیم نموده اند.

مسائل عبادی که تحت عنوان «فقه عبادات» یاد می شود، یکی از محورهای مهم و مورد توجه هر فرد مسلمان بوده و هست. دانستن مسایل مربوط به عبادات از آن جا اهمیت بیشتر پیدا می کند، که مضافاً بر ضرورت انجام صحیح عبادات و مراعات تمام شرائط و لوازمات آن، در تحکیم باورها و اعتقادات انسان

تأثیر مستقیم داشته و همزمان در رشد ملکات اخلاقی و تثبیت رفتارهای ارزشی نقش بی بدیل دارد. این جاست که در حوزه های علوم دینی از دوران قدیم تا به امروز درس فقه اسلامی از جایگاه ارزنده ای برخوردار بوده و برای هر دانش پژوه علوم اسلامی لازم و ضروری است که در این زمینه مراحل و پایه های مشخص و تعریف شده را بگذراند تا برای خویش و برای دیگران در صحیح انجام دادن امور عبادی نقش تربیتی و آموزشی داشته باشد.

کتاب «آشنایی با فقه شافعی» که برای دانش پژوهان دوره تمهیدی مجتمع عالی مذاهب واحد گرگان تهیه و تدوین شده است، به عنوان نخستین متن آموزشی در زمینه فقه اسلامی با گرایش مذهب فقهی شافعی برای فراگیران شافعی مذهب می باشد.

مطالب این نوشتار از منابع معتبر فقه مذهب شافعی همچون «الرسائل» امام شافعی، «الوجیز فی الفقه الشافعی» و «احیاء علوم الدین» امام محمد غزالی، «الفقه المنهجي» دکتر مصطفی الخن و دیگران و یا منابع فقه مقارن مثل «بدایه المجتهد» امام ابن رشد قرطبی، «الفقه علی المذاهب الأربعة» شیخ عبدالرحمن الجزیری، «فقه السنه» سید سابق بر گرفته و تنظیم شده است.

با توجه به سرفصل های دوره تمهیدی در این کتاب سعی بر آن بوده است که بیشتر مسائل اولیه و به اصطلاح «احکام مبتلی» به ارائه شود. از این رو این نوشتار ضمن پنجاه و پنج درس حاوی ابواب زیر می باشد:

۱. مباحث کلی علم فقه

۲. احکام طهارت و نجاست

۳. وضوء، غسل و تیمم

۴. نماز

۵. روزه

۶. زکات

ص: ۲۰

۷. امر به معروف و نهی از منکر

۸. جهاد و دفاع

۹. احکام خوردن و آشامیدن

۱۰. احکام ازدواج

لازم به ذکر است جهت سهولت فراگیری مطالب این کتاب درس بندی شده و در پایان هر درس چکیده و خلاصه درس ارائه و همچنین سؤالات و پرسش هایی جهت تسهیل فرایند یادگیری طرح شده است.

در پایان چند نکته لازم را به اساتید محترم این درس که این کتاب را تدریس خواهند کرد، یادآور می شوم:

-مسائلی که در این نوشتار مطرح شده است، بیشتر موارد مبتلی به و روزمره فرد مسلمان مد نظر بوده است و در حقیقت محتوای این کتاب نخستین گام در آشنایی با فقه شافعی برای دانش پژوه محسوب می شود.

-در تفهیم برخی از اصطلاحات حتما از فرهنگ اصطلاحات فقهی بهره برداری شود.

-برای دروسی که بیشتر جنبه عملی دارند، حد اقل دو برابر ساعت نظری، ساعت عملی منظور گردد.

در پایان از همه عزیزان فرهیخته که جهت تکمیل و ارتقای این کتاب از رهنمودهای سازنده خویش این جانب را بهرمنند خواهند نمود، پیشاپیش تقدیر و تشکر دارم.

والحمد لله رب العالمین...

نصیب الله عمراف

گرگان/اول رجب ۱۴۳۴

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲

ص: ۲۱

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (سوره مجادله/۱۱)

خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [برحسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

درآمد

اسلام، آخرین و کامل ترین دینی است که همه برنامه های آن، مطابق فطرت و مصلحت انسان هاست. سعادت انسان ها زمانی تأمین خواهد شد که برنامه های اسلام درست و به طور کامل اجرا گردد. جامعه ای که در آن قوانین اسلام اجرا شود، جامعه ایده آل خواهد بود.

«احکام» یکی از پایه های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان ساز اسلام است، زیرا برنامه های عالییه اسلام عبارت است از:

معارف اعتقادی که آن را «اصول دین» گویند؛

دستورات عملی که «فروع دین» یا «احکام» نامیده می شود؛

مسائل روانی و رفتاری که «اخلاق» نام دارد.

اصول دین: برنامه هایی است مربوط به سالم سازی فکر و اعتقاد انسان، که

باید آنها را از روی دلیل (اگرچه دلیل ساده باشد!) پذیرفته و معتقد باشد. و چون این دسته از برنامه های اسلام، امور اعتقادی است و محتاج به یقین می باشد، پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد.

فروع دین یا احکام: برنامه های عملی است که وظیفه انسان ها را نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند، مشخص می کند.

اخلاق: برنامه هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که روش و متمدن تقویت صفات پسندیده-مانند عدالت، سخاوت، شجاعت، عزت و...-در نهاد انسان ها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت-مانند حسد، بخل، نفاق و...-را بیان می کند.

موضوع این نوشتار، احکام می باشد که مسائل مورد نیاز اولیه مطابق با فقه شافعی، طرح و بررسی شده است.

علم فقه

با توجه به اهمیت احکام و جایگاه ممتاز آن در برنامه های انسان ساز دین مبین اسلام، علم مخصوصی برای آن تعلق گرفته است که به آن «علم فقه» گویند. این علم از جمله گسترده ترین علوم اسلامی به شمار می رود و از جهت تاریخی، قدیمی ترین علم اسلامی شناخته شده است. این علم همواره مورد توجه مسلمانان بوده و در طول دوازده قرن تا کنون بدون هیچ توقفی حوزه های تدریسی فقهی برقرار بوده و هست. از این رو، فقهاء و دانشمندان بی شماری در این علم پدید آمده اند و کتاب های فراوانی در این زمینه نوشته شده است.

مسائلی که در علم فقه طرح و بررسی شده اند، شامل همه شئون زندگی بشر می شوند. به عبارت دیگر، کلیه مسائلی که امروز در جهان تحت عنوان «حقوق» طرح می شوند-همچون حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق خانوادگی، حقوق جزایی، حقوق اداری، حقوق سیاسی و...-در باب های مختلف فقه اسلامی تحت عنوان های گوناگون

و پراکنده طرح و بررسی شده اند. البته، علاوه بر این مسائل، مسائل عبادی نیز در فقه اسلامی جای داده شده است، که در علوم حقوقی معاصر این مسائل مطرح نشده اند.

امام شافعی رحمه الله در یک نگاه

از آنجا که در این نوشتار، مسائل اولیه فقهی مورد نیاز را طبق مذهب شافعی

طرح و بررسی خواهیم کرد، لازم دانستیم که در باره شخصیت امام شافعی رحمه الله به طور اجمال معلوماتی را ارائه نماییم.

نام او «محمد» و نام پدرش «ادریس بن عباس» و نام مادرش «فاطمه» بود. او در ۳۰ رجب سال ۱۵۰ هجری قمری در حوالی شهر «غزه» فلسطین به دنیا آمد.

خانواده او چند سال قبل از تولد او از شهر خویش «مکه» برای کسب و تجارت به دیار فلسطین کوچ کرده بودند و پس از فوت پدر، محمد همراه مادرش به مکه بازگشت.

ایشان از دوران کودکی به تحصیل علوم و فراگیری فنون زمان خویش پرداخت و حدوداً پس از سی سال تلاش و کوشش فراوان و مسافرت های زیاد، توانست به مرحله عالی فقاقت که همان اجتهاد مطلق باشد، دست یابد و در تاریخ فقه و معارف اسلامی نام ایشان در شمار از شخصیت های کم نظیر ثبت شود.

مهم ترین اساتید ایشان عبارتند از:

مسلم بن خالد زنجی (در شهر مکه)؛ امام مالک (ره) (در شهر مدینه)؛ حیی بن حسان (در یمن)؛ حمد بن حسن (در بغداد)؛ کعب بن جراح (در کوفه).

برخی از شاگردان برجسته و معروف ایشان:

امام احمد بن حنبل (ره)؛ شیخ ابوبکر حمیدی؛ حسن صابغ زعفرانی؛ اسماعیل بن یحیی مزنی.

از جمله آثار مهمه ایشان می توان به کتاب «الأمم» در فقه و کتاب «الرساله» در علم اصول فقه اشاره نمود.

ایشان در سال ۲۰۴ ه.ق. در منطقه قراهه مصر از دنیا درگذشت.

چکیده مطالب

۱. «احکام» یکی از پایه های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان ساز اسلام است.
۲. برنامه های عالیله اسلام عبارت است از: اصول دین، فروع دین و اخلاق.
۳. بنا بر اهمیت احکام و جایگاه ممتاز آن در برنامه های انسان ساز اسلام، علم مخصوصی برای آن تعلق گرفته است که به آن «علم فقه» گویند.
۴. مسائلی که در علم فقه طرح و بررسی شده اند، شامل همه شئون زندگی بشر می شوند.
۵. پیشوای بزرگ مذهب شافعی، امام محمد بن ادریس شافعی (رحمه الله) سال ۱۵۰ ه.ق. در حوالی شهر غزه فلسطین متولد شد و پس از گذراندن عمر پربرکت خویش، سال ۲۰۴ ه.ق. در کشور مصر دیده از جهان بست.

پرسش ها

۱. برنامه های اسلام بر چند دسته تقسیم شده است؟
۲. چه نوع برنامه هایی در اصول دین گنجانده شده است؟
۳. برنامه های عملی اسلام را چه می نامند؟
۴. پنج نمونه از برنامه های عملی اسلام را نام ببرید.
۵. اخلاق در چه زمینه ای گفتگو می کند؟
۶. علمی که مربوط به احکام اسلامی می شود چه نام دارد؟ چرا این علم پدید آمده است؟
۷. علم فقه در خود چه مسائلی را جای داده است؟
۸. شرح حال امام شافعی (ره) را اجمالاً بیان کنید.

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (سوره توبه/۱۲۲)

و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا [دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را-وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند- باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

تقسیم احکام

هر کاری که انسان انجام می دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است که عبارت است از:

۱. واجب: عملی که انجام آن لازم است و ترک آن عذاب دارد؛ مانند نماز و روزه.
۲. حرام: عملی که ترک آن لازم است و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ و ظلم.
۳. مستحب: عملی که انجام آن نیکو است و ثواب دارد، ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند نماز شب و صدقه.
۴. مکروه: عملی که ترک آن نیکو است و ثواب دارد، ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.

۵. مباح: عملی که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن. (۱)

راه بدست آوردن احکام

معمولاً برای آگاهی از حکمی و قبول آن، دو راه وجود دارد:

۱. تقلید: شنیدن از کسی یا دیدن در کتاب کسی و قبول آن بدون درخواست دلیل؛ مانند عامه مردم که به محض شنیدن از اهل فن و علمای اهل فتوا که به محض دیدن مطالبی در کتب معتبر، آن را قبول می نمایند و دلیلی درخواست نمی کنند.

۲. اجتهاد: بکارگیری نهایت تلاش و کوشش مجتهد در راه بدست آوردن احکام شرعی از طریق استنباط.

تقلید

تقلید به معنای «پیروی کردن و دنباله روی» است و در اصطلاح فقهی عبارت است از پیروی مجتهد در مسائل فقهی بدون درخواست دلیل و حجت.

کسی که مجتهد نیست و احکام الهی را از منابع شرعی نمی تواند استخراج نماید، باید از مجتهد تقلید و پیروی کند. (۲)

وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است، چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام اجتهاد کنند. (۳)

مجتهد کسی است که توانایی استخراج احکام از منابع آن را دارد.

مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، باید دارای شرایط عمومی، اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد. (۴)

ص: ۲۸

۱- (۱). الإحکام، ج ۱، ص ۷۱.

۲- (۲). الإحکام، ج ۴، ص ۳۵۱.

۳- (۳). الإحکام، ج ۴، ص ۳۵۱.

۴- (۴). ر.ک. به «اجتهاد و سیر تاریخی آن»؛ ص ۱۲۰-۱۶۶.

شرایط اجتهاد

شرایط عمومی اجتهاد: و آن عبارت است از:

۱. بلوغ؛

۲. عقل؛

۳. تیزهوشی «فطانت»؛

۴. ایمان.

شرایط اساسی اجتهاد: عبارتند از شرائطی که باید جهت استنباط احکام در مجتهد تحقق یابد به نحوی که با نبود و فقدان یکی از آنها، مجتهد از اهلیت اجتهاد ساقط گردد. این شرائط عبارتند از:

۱. معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب؛

۲. معرفت و آگاهی به قرآن کریم؛

۳. معرفت و آگاهی به سنت نبوی؛

۴. معرفت و آگاهی به علم اصول فقه؛

۵. فهم مقاصد شارع؛

۶. آشنایی با قواعد فقهی؛

۷. وجود استعداد ذاتی.

شرایط تکمیلی اجتهاد: شرائطی هستند که وجود ملکه اجتهاد بستگی به آنها ندارد و شخص می تواند بدون آنها به درجه اجتهاد برسد، ولی به جهت اینکه مجتهد در استنباط احکام به کمال برسد، وجود این شرائط لازم است:

۱. مورد اجتهاد فاقد دلیل قطعی باشد؛

۲. آگاهی به موارد اختلاف فقها؛

۳. آشنایی با عرف جاری؛

۴. آشنایی با اصل براءت؛

۵. آشنایی با علم منطق؛

ص: ۲۹

۶. عدالت و صلاحیت؛

۷. ورع و تقوا؛

۸. احساس نیاز به درگاه خداوند در طلب الهام صواب؛

۹. اعتماد به نفس؛

۱۰. موافقت عمل با علم و گفتار.

ص: ۳۰

۱. احکام دین عبارت است از: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح.

۲. راههای به دست آوردن احکام دین، اجتهاد و تقلید است.

۳. تقلید عبارت است از پیروی مجتهد در مسائل فقهی بدون درخواست دلیل و حجت.

۴. مجتهد کسی است که توانایی استخراج احکام از منابع آن را دارد.

۵. مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، باید دارای شرایط عمومی، اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد.

۶. شرایط عمومی اجتهاد عبارت است از: بلوغ، عقل، فطانت و ایمان.

۷. شرایط اساسی اجتهاد عبارتند از شرایط هفتگانه ای که باید جهت استنباط احکام در مجتهد تحقق یابد به نحوی که با نبود و فقدان یکی از آنها، مجتهد از اهلیت اجتهاد ساقط گردد.

۸. شرایط اساسی اجتهاد شرائطی هستند که وجود ملکه اجتهاد بستگی به آنها ندارد و شخص می تواند بدون آنها به درجه اجتهاد برسد، ولی به جهت اینکه مجتهد در استنباط احکام به کمال برسد، وجود این شرایط لازم است و تعداد آنها را تا ده شرط برشمرده اند.

پرسش ها

۱. اقسام احکام را نام ببرید.

۲. تفاوت حکم مستحب و حکم مباح در چیست؟

۳. تقلید در فقه به چه معناست؟

۴. اجتهاد را تعریف نمایید.

۵. وظیفه اکثر مردم در احکام دین چیست؟ علتش را نیز توضیح دهید.

۶. چه کسی را مجتهد گویند؟

۷. شرائط عمومی اجتهاد را نام ببرید.

۸. شرائط اساسی اجتهاد کدام است؟

۹. شرائط اساسی اجتهاد با شرائط تکمیلی آن چه تفاوتی دارد؟

ص: ۳۲

اشاره

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: عَرَضَ نَبِيُّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ أُحُدٍ فِي الْفِتَالِ وَأَنَا ابْنُ أَرْبَعِ عَشْرَةَ سِنَّةً فَلَمْ يَجِزْنِي وَعَرَضَ نَبِيُّ يَوْمَ الْخُنْدَقِ وَأَنَا ابْنُ خَمْسِ عَشْرَةَ سِنَّةً فَأَجَازَنِي. (صحيح مسلم/ ۳۴۷۳)

ابن عمر (رضی الله عنه) گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جنگ احد مرا که چهارده سال داشتم دید، اجازه نداد و در دوز جنگ خندق که پانزده سالم تمام شده بود، اجازه فرمود.

شرایط عمومی

شرایط عمومی اجتهاد عبارت است از: بلوغ، عقل، فطانت «تیزهوشی» و ایمان.

۱. بلوغ: کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، رأی و اجتهاد او صحیح و قابل اعتماد نیست. (۱)

۲. عقل: مراد از عقل در مبحث اجتهاد این است که مجتهد دارای ادراکات سالمی باشد، بتواند امور را درک کرده و منافع و مضار آن را تشخیص دهد و از عیوبی که با عقل منافات دارد از قبیل دیوانگی، گیجی و سفاهت مبرا باشد. (۲)

ص: ۳۳

۱- (۱). جمع الجوامع؛ ابن سبکی با حاشیه بنانی؛ ج ۲، ص ۳۸۲.

۲- (۲). الاجتهاد؛ دکتر سید موسی؛ ص ۱۶۲.

۳. فطانت «تیزهوشی»: فطانت به معنای ادراک ظرایف و نکات دقیق سخن و فهم مقاصد متکلم است و بار سنگین مجتهد در رابطه با استنباط احکام مربوط به همین شرط است.

۴. ایمان: مجتهد باید به ضروریات دین علم و آگاهی داشته باشد، هرچند علم و آگاهی به دقایق علم کلام شرط اجتهاد نیست.

(۱)

شرائط اساسی

معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب: از آنجا که نصوص شریعت به زبان عربی وارد شده است، مجتهد را لازم است که بتواند کلام عرب و اسلوب های بیان و دلالت های لغوی آن را بفهمد. بنابر این، باید به زبان و ادبیات عرب- از قبیل صرف، نحو، بلاغت، معانی مفردات و جملات و...- آشنایی داشته باشد. البته، لازم نیست که مجتهد تمام آن مطالب را در حفظ داشته باشد، بلکه کافی است که توان استخراج آنها را از تألیفات متخصصین- چون کتاب «مفردات القرآن» راغب اصفهانی و «النهایه فی غریب الحدیث و الأثر» ابن اثیر و امثال آنها- داشته باشد. (۲)

۱. معرفت و آگاهی به قرآن کریم: آگاهی به معنی قرآن از دو طریق حاصل می شود: یکی این که شخص در محیط عرب نشین پرورش یافته باشد؛ دوم اینکه با فراگیری صرف و نحو، معانی و بیان و سایر علوم بلاغت، معانی قرآن را دریابد. (۳) همچنین لازم است که مجتهد نسبت به علمی که با قرآن کریم ارتباط دارند- از قبیل علوم ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی، عام خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه و...- دارای اطلاع کافی باشد.

۲. معرفت و آگاهی به سنت نبوی: بر مجتهد لازم است که راجع به سنت نبوی

ص: ۳۴

۱- (۱). الإحکام فی أصول الأحکام؛ آمدی؛ ج ۴، ص ۱۱۱.

۲- (۲). ارشاد الفحول، شوکانی، ص ۲۲۱.

۳- (۳). اصول الفقه الاسلامی، دکتر زحیلی؛ ج ۲، ص ۱۰۴۴.

آنچه را که متعلق به احکام است از جهت لغت و تشریح، علم و آگاهی داشته باشد؛ هر چند حفظ آن احادیث از شرایط اجتهاد محسوب نشود. همچنین بر مجتهد لازم است که به علم حدیث آگاهی داشته باشد، تا به وسیله آن، احادیث متواتر، مشهور، آحاد و غیره را از هم بازشناسد و به اسباب ورود حدیث، درجات و مراتب آنها از لحاظ صحت و قوت، آگاهی داشته باشد و به هنگام تعارض، با استفاده از قواعد مقرر، به شناخت راجح از مرجوح نایل شود و از حال راویان، میزان عدالت، ضبط و فقاقت آنها اطلاعات لازم را کسب نماید. (۱)

۳. آگاهی به علم اصول فقه: این آگاهی، اساس و پایه اجتهاد است (۲) و مجتهد به وسیله این علم، کیفیت استنباط احکام شرعی از مدارک آن را بازمی شناسد. (۳)

۴. فهم و ادراک مقاصد شارع: مجتهد را لازم و ضروری است که به اسرار شریعت و اهداف کلی شارع در تشریح احکام، معرفت و آگاهی داشته باشد، چون دلالت الفاظ بر معانی گاهی احتمال چند وجه را دارد و در این صورت مجتهد باید از روی ملاحظه قصد و هدف شارع، یکی از آن وجوه را بر دیگری ترجیح دهد. (۴)

۵. شناخت قواعد کلی فقه: برای مجتهد لازم است که به قواعد مهم فقهی - همانند قواعد «الضرر یزال»، «الیقین لا یزول بالشک»، «الامور بمقاصدها» و... - آشنایی داشته باشد، تا با استفاده از آن حکم هر حادثه ای که نصّ خاصی راجع به آن وجود نداشته باشد، استخراج نماید.

۶. استعداد ذاتی: مجتهد باید دارای خصوصیات و ویژگی هایی باشد که بتواند او را در شناخت و حلّ مسائل مستحدثه، کمک و یاری نماید، که به آن «استعداد

ص: ۳۵

۱- (۱). المستصفی، غزالی، ج ۲، ص ۳۵۳ ۳۵۲.

۲- (۲). المستصفی، غزالی، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳- (۳). جمع الجوامع، ابن سبکی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۴- (۴). ارشاد الفحول، شوکانی، ص ۲۲۲؛ اصول الفقه الاسلامی، دکتر زحیلی، ج ۲، ص ۱۰۴۸.

ذاتی» می‌گویند و آن عبارت است از: تیزهوشی و باریک بینی، قدرت انتقال ذهنی، حسن ادراک مسائل، صفای ذهن و نفوذ بصیرت که در صورت نبود این استعداد فطری، فقیه با وجود سایر شرائط اجتهاد عملاً نمی‌تواند به اجتهاد و استنباط احکام بپردازد.

شرائط تکمیلی

مورد اجتهاد، فاقد دلیل قطعی باشد: مجتهد نسبت به مسئله و یا واقعه مورد اجتهاد، هیچ‌گونه دلیل قطعی ای از نصوص قرآن، سنت و اجماع در دست نداشته باشد. (۱)

۱. آگاهی به موارد اختلاف فقها: مجتهد باید در کنار آشنایی به موارد اجماع، به موارد اختلاف هم آگاهی داشته باشد، تا در مسائلی که اجماع بر حکم آن صادر شده، به اجتهاد نپردازد. بنابر این، مجتهد می‌تواند در مسائل مورد اختلاف فقها و یا در مسائلی که هنوز در باره آن حکمی صادر نشده، اقدام به اجتهاد نماید. (۲)

۲. آشنایی با عرف جاری: عرف یعنی آنچه در میان مردم متعارف گشته، و مورد پذیرش طبع سلیم آنان قرار گرفته، استعمال آن شایع و تکرار یافته باشد. فقیه را چه در مرحله استنباط اصل حکم و چه در تطبیق آن بر مصادیق، لازم است که به موارد عرف جاری منطقه و دیار آشنایی داشته باشد، چرا که اختلاف عرفی تأثیر زیادی در اختلاف حکم دارد. بنابر این، بر مجتهد واجب است که عرف شهر و مملکت خود را بداند، بویژه در رابطه با الفاظی که معنی و مدلول آنها از شهری به شهر دیگر به جهت اختلافات عرفی تفاوت کند. (۳)

۳. آشنایی با اصل براءت: اصل براءت بدین معنی است که هیچ چیزی بر ما

ص: ۳۶

۱- (۱). ر.ک. به «المستصفی»، غزالی؛ ج ۲، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۲- (۲). ر.ک. به «عقد الجید فی احکام الاجتهاد و التقليد»، دهلوی، ص ۸.

۳- (۳). اجتهاد و سیر تاریخی آن، نعمتی، ص ۱۵۲-۱۵۳.

حرام نیست، مگر آنچه که از روی ادله شارع حرام شده باشد. پس مجتهد باید در هر مسئله ای به اصل براءت تمسک جوید، چرا که این حکم، ثابت و غیر قابل تغییر است، مگر اینکه از طریق شارع حکم آن بیان گردد. (۱)

۴. آشنایی با علم منطق: برخی از اصولیون-مانند امام غزالی، بیضاوی و...- آشنایی با مباحث حدّ و برهان و چگونگی ترتیب مقدمات قیاس و روش استدلال را شرط اجتهاد دانسته اند. (۲) و نظر بسیاری از فقهای متأخر بر این است که آگاهی به علم منطق برای مجتهد یک امر مهمی است، هر چند شرط اساسی اجتهاد نباشد. (۳)

۵. عدالت و صلاحیت: وجود ملکه اجتهاد متوقف بر عدالت و صالح بودن مجتهد نیست، اما قبول فتوای مجتهد و اطمینان به اینکه او از روی هوای نفس سخن نمی گوید، بلکه مطابق ادله شرعی فتوا می دهد، و در راه اجتهاد کوتاهی و تقصیر نمی ورزد، همه این امور متوقف بر عدالت و تقوای مجتهد است. اما در تعریف عدالت آمده است: «عدالت عبارت است از اینکه شخص بر انجام واجبات، مندوبات و راستگویی و همچنین بر ترک محرمات، مکروهات و دروغ همواره استمرار داشته باشد، مروّت و شخصیت خود را حفظ و از مواضع شک و تهمت دوری نماید». (۴)

۶. ورع و تقوا: برای کسی که به امر عظیم اجتهاد اقدام نماید، شایسته است که خود را به صفت ورع و تقوا آراسته گرداند و راجع به عصیان و نافرمانی او امر خداوند، نصوص و عید و تهدید را نصب العین خود قرار دهد؛ به آنچه در دست مردم است، عقیف و زاهد باشد؛ از صفات دنائت و خست جدّاً دوری گزیند و

ص: ۳۷

۱- (۱). ر. ک. به «المستصفی»، غزالی؛ ج ۲، ص ۳۵۱.

۲- (۲). المنهاج مع شرح الاسنوی و البدخشی، ج ۳، ص ۲۰۰.

۳- (۳). المدخل الی مذهب الامام احمد، ص ۲۸۳.

۴- (۴). صفه الفتوی و المفتی و المستفتی، ابن حمدان، ص ۱۳.

نهایت تلاش و کوشش خود را مبذول دارد در اینکه کسب و روزی او حلال، معاملات او با مردم بر طبق برنامه الهی و مقاصد شارع باشد. این شرط برای مجتهد و مفتی یکسان است. (۱)

۷. احساس نیاز به درگاه الهی در طلب ثواب: بر مجتهد لازم است که از ته قلب به درگاه خداوند احساس فقر و نیاز کند، تا اینکه خداوند اندیشه حق و صواب را به او الهام نماید و او را در جهت نیکو و افتای صحیح و واقعی موفق گرداند. مطلب دیگری که شایان توجه می باشد این است که مجتهد نباید اهمیت شورا و مشاوره را از دست دهد. اگر او کسی را یافت که علم و دیانتش قابل اعتماد است، باید با او مشورت کند و از روی خودخواهی و تفاخر، به تنهایی به استنباط احکام نپردازد، زیرا خداوند متعال مؤمنان را به چنین وصف بارزی توصیف می نماید که... **وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...** (۲)

۸. اعتماد به نفس: مجتهد باید به خود اعتماد داشته باشد و صاحب نظران در مورد اهلیت ایشان نسبت به اجتهاد گواهی دهند. (۳)

۹. موافقت عمل با علم و گفتار: در زمینه اجتهاد و فتوا، مطابقت قول و عمل مجتهد یک اصل اساسی است، زیرا چنین شیوه ای موجب صداقت ایشان در فتوا و نفوذ کلام در شنوندگان خواهد شد. (۴)

مکلف کیست؟

افراد عاقل و بالغ مکلفند؛ یعنی نسبت به احکام وظیفه دارند و باید آنها را به کار بندند. پس کودکان، مکلف نیستند.

ص: ۳۸

۱- (۱). الاجتهاد، دکتر سید موسی، ص ۲۰۴.

۲- (۲). شوری، آیه ۳۸.

۳- (۳). اجتهاد و سیر تاریخی آن، نعمتی، ص ۱۶۴.

۴- (۴). اجتهاد و سیر تاریخی آن، نعمتی، ص ۱۶۵.

پسرها پس از تمام شدن پانزده سال و دخترها، پس از نه سالگی بالغ می باشند و باید تمام وظایف شرعی را انجام دهند؛ گرچه، کودکان کمتر از این سنّ هم اگر کارهای نیک-مانند نماز-را به طور صحیح انجام دهند، پاداش و ثواب خواهند داشت. (۱)

باید توجه داشت که سنّ بلوغ، به سال قمری حساب می شود و چون هر سال قمری سیصد و پنجاه و چهار (۳۵۴) روز و شش ساعت است، ده روز و هیجده ساعت از سال شمسی کمتر می باشد؛ بنابراین، با کم کردن نود و شش (۹۶) روز و هیجده ساعت از نه سال شمسی، نه سال قمری بدست می آید و با کم کردن صد و شصت و یک (۱۶۱) روز و شش ساعت از پانزده سال شمسی، پانزده سال قمری معلوم خواهد شد.

ص: ۳۹

۱. شرائط عمومی اجتهاد عبارت است از: بلوغ، عقل، فطانت و ایمان.

۲. شرائط اساسی اجتهاد عبارت است از: معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب، معرفت و آگاهی به قرآن کریم، معرفت و آگاهی به سنت نبوی، آگاهی به علم اصول فقه، فهم و درک مقاصد شارع، شناخت قواعد کلی فقه و داشتن استعداد فطری.

۳. شرائط تکمیلی اجتهاد عبارت است از: فاقد دلیل قطعی بودن مورد اجتهاد، آگاهی به موارد اختلاف فقهاء، آشنایی با عرف جاری، آشنایی با اصل براءت، آشنایی با علم منطق، عدالت و صلاحیت، ورع و تقوا، احساس نیاز به درگاه الهی در طلب ثواب، اعتماد به نفس، موافقت عمل با علم و گفتار.

۴. افراد بالغ و عاقل، باید به احکام الهی عمل کنند.

۵. پسرها پس از تکمیل ۱۵ سال قمری و دخترها پس از تکمیل ۹ سال قمری بالغ می باشند.

پرسش ها

۱. شرائط عمومی اجتهاد را نام ببرید و یک مورد از آن را توضیح دهید.

۲. چرا معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب از شرائط اساسی اجتهاد محسوب می شود؟

۳. مراد از فهم و درک مقاصد شارع چیست؟

۴. چرا مورد اجتهاد باید فاقد دلیل قطعی باشد؟

۵. اصل براءت چیست؟

۶. آگاهی از علم منطق در اجتهاد چه تأثیری دارد؟

۷. چه کسانی باید به احکام الهی عمل کنند؟

۸. تفاوت سن بلوغ پسرها از سن بلوغ دخترها چه قدر است؟

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: الطهور شرط الإيمان. (صحيح مسلم/ح: ۳۵۴)

رسول خدا صلى الله عليه و آله: طهارت و پاکی نصف ایمان است.

درآمد

از جمله برنامه های عملی اسلام، واجبات است و «نماز» یکی از مهم ترین و اساسی ترین آنهاست.

مسائل مربوط به نماز را به سه دسته تقسیم می کنیم:

مقدمات نماز را نماز گزار باید قبل از نماز مراعات کند.

مقارنات نماز، مسائلی است مربوط به متن نماز از تکبیره الاحرام تا سلام.

مبطلات نماز، چیزهایی است که نماز را باطل می کند.

طهارت

از جمله مسائلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه نماز گزار قرار گیرد، طهارت و پاکی است.

نماز گزار باید بدن و لباس خود را از نجاسات (آلودگی ها) پاک کند و برای پاکی از نجاسات، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس نیز لازم است.

نجاست در لغت، عبارت است از آنچه که انسان از آن بدش بیاید و لو اینکه پاک هم باشد.

اما در شرع، چیز ناپاکی است که مانع از صحت نماز گردد. البته، در زمانی که به آب و خاک دسترسی و یا امکان استفاده از آنها را نداشته باشد، مانع صحت نماز نخواهد بود.

انواع نجاسات بسیار است که مهم ترین آنها:

۱. ادرار (بول)؛

۲. مدفوع (غائط)؛ ۳. قیء؛ ۴. مذی؛ ۵. ودی؛ ۶. منی حیوانات نجس و حرام گوشت (۱)؛ ۷. خون جاری؛ ۸. قیح؛ ۹. آب قروح؛ ۱۰. علقه؛ ۱۱. مردار؛ ۱۲. خمر؛ ۱۳. نیبذ؛ ۱۴. سگ؛ ۱۵. خوک؛ ۱۶. هر حیوانی که از سگ و خوک متولد شود. ۱۷. شیر حیوانات حرام گوشت. ۱۸. منی سگ و خوک و آنچه از آن دو متولد شود. «طهارت» غیر از «نظافت» است و ممکن است چیزی تمیز باشد، ولی از نظر احکام اسلام، پاک نباشد. خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی خود باشد، ولی اکنون سخن در باره طهارت و نجاست است.

احکام ادرار و مدفوع

۱. ادرار و مدفوع آدمی به طور مطلق نجس می باشد.

ص: ۴۲

۲. فضله حیوانات بنا بر یک قول مطلقاً (حلال گوشت یا حرام گوشت) نجس می باشد.

۳. بنا بر قول دیگر، فضله حیوانات حلال گوشت، طاهر می باشد. (۱)

مذی و ودی

۱. «مذی» آب سفید رقیقی است که از مردان و زنان به هنگام برانگیخته شدن شهوت بدون احساس لذت خاص خارج می شود.

۲. «ودی» آب سفید کدر غلیظی است که پس از ادرار خارج می شود.

۳. در نجس بودن مذی و ودی همه علمای مذهب اتفاق نظر دارند.

احکام خون

۱. بجز چهار مورد ذیل، هر نوع خون جاری ای نجس و ناپاک است:

شیر حیوان حلال گوشت که به رنگ خون خارج شود؛

منی آدمی و حیوان حلال گوشت که به رنگ خون درآید و از راه معمولی و معتاد خارج شود؛

تخم مرغی که به رنگ خون درآمده باشد؛

خون حیوان طاهری که به علقه و یا مضغه تبدیل شده باشد. (۲)

۲. خون غیر جاری-مانند خون کبد و طحال-پاک می باشد.

۳. خون حیواناتی که خون جهنده ندارند، به سه شرط قابل گذشت است:

بدون ضرورت با چیز دیگری مخلوط نشده باشد؛

در اثر فعل شخص نباشد؛

در لباس باشد؛ پس اگر در غیر آن باشد، از آن گذشت نمی شود. (۳)

ص: ۴۳

۱- (۱). فقه السنه؛ ص ۱۹.

۲- (۲). الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب أهل البيت، ج ۱، ص ۷۳.

۳- (۳). آیینہ احکام در فقہ امام شافعی، ص ۸۵، مسئلہ ۴۸۵.

چکیده مطالب

۱. مسائل مربوط به نماز به سه دسته تقسیم می شوند: مقدمات، مقارنات و مبطلات.
۲. برای خواندن نماز باید بدن و لباس نماز گزار پاک باشد.
۳. نجاست در شرع، چیز ناپاکی است که مانع از صحت نماز گردد.
۴. مهم ترین انواع نجاسات را، هیجده نوع برشمرده اند.

پرسی ها

۱. مقدمات، مقارنات و مبطلات نماز را معنا نمایید.
۲. نجاست را تعریف کنید.
۳. انواع نجاسات را نام ببرید.
۴. تفاوت مذی و ودی در چیست؟
۵. آیا هر نوع خونی نجس است؟

اشاره

قال الله تعالى:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُوقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقٌ (مائده/۳)

بر شما حرام شده است: مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد، و [حیوان حلال گوشت] خفه شده، و به چوب مرده، و از بلندی افتاده، و به ضرب شاخ مرده، و آنچه درنده از آن خورده باشد- مگر آنچه را [که زنده دریافته و خود] سر ببرید- و [همچنین] آنچه برای بتان سر بریده شده، و [نیز] قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه این [کارها همه] نافرمانی [خدا] است...

مردار

مردار آن است که به وسیله ذبح شرعی کشته نشده باشد.

همه مردارها بجز دو مورد زیر، نجس می باشد:

۱. مردار ماهی؛

۲. مردار ملخ؛

در مورد مرده آدمی دو قول وجود دارد:

ص: ۴۵

۱. مرده آدمی هم مثل مرده موجودات ذی روح دیگر، نجس می باشد؛

۲. مرده آدمی بنابر روایت وارده طاهر است. (۱)

قیء، قیح، آب قروح و علقه

قیء آن چیزی است که به طور یقینی از معده وارد دهان شود.

قیح، ماده سفیدرنگ چرکی است که از خون بوجود آید و بدبو باشد.

قروح جمع قرح و به معنی زخم اسلحه و یا دانه های چرکی که بر روی پوست بدن درآید، می باشد. پس آبی که از جای زخم و یا دانه های چرکی بیرون می آید، اگر بدبو باشد، نجس است.

علقه، خون بسته ای است که از رحم زن خارج شود و همانند خون حیض نجس باشد.

خمر و نبیذ

خمر [شراب] و هر مایع مست کننده نجس است.

نبیذ شرابی است که از انگور، خرما، جو، گندم، عسل و... گرفته می شود و خصوصیت مست کننده گی دارد و همانند خمر نجس است.

سگ و خوک

سگ و خوک نجس العین می باشند.

هر حیوانی که از این دو متولد می شود، نجس می باشد.

شیر حیوانات

شیر حیوانات حرام گوشت، نجس است.

ص: ۴۶

۱- (۱). «لا- تنجسوا موتاکم فإن المؤمن لا ینجس حیا و لا میتا» (المهذب، ج ۱، ص ۶۶). البته در روایت قید ایمان آمده است که ناظر بر طهارت مرده مؤمن است.

شیر آدمی، طاهر است.

شیر حیوانات حلال گوشت، طاهر است.

چگونه چیز پاک نجس می شود؟

چیزهای پاک ممکن است با برخورد با ناپاکی ها نجس شود، در صورتی که یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد.

ص: ۴۷

چکیده مطالب

۱. همه مردارها-بجز مردار ماهی، ملخ و آدمی [به یک قولی]-نجس می باشند.
۲. قیء، قیح، آب قروح و علقه از جمله نجاساتند.
۳. خمر و نیبذ از آنجا که هر دو مست کننده هستند، نجس می باشند.
۴. سگ و خوک هر دو نجس العین و هر حیوانی که از این دو به وجود می آید، نجس می باشد.
۵. شیر آدمی و حیوانات حلال گوشت، پاک و طاهر می باشد.
۶. زمانی چیز پاکی با برخورد با ناپاکی ها نجس می شود که یکی از آنها تر باشد و رطوبت آن به دیگری سرایت کند.

پرسش ها

۱. مردار را تعریف و انواع آن را بیان کنید.
۲. تفاوت قیح و آب قروح در چیست؟
۳. خمر و نیبذ چرا نجس می باشند؟
۴. لباس خشکی که با بدن خوک تماس داشته باشد، حکمش چیست؟

اشاره

قال الله تعالى:

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (فرقان/۴۸)

و اوست آن کس که بادهای نویدی پیشاپیش رحمت خویش [باران] فرستاد و از آسمان، آبی پاک فرود آوردیم.

اقسام مطهرات

وسایل طهارت چهار است:

۱. آب؛ در رفع بی وضویی یا پاک کردن نجاست.

۲. خاک؛ در تیمم واجب یا مستحب.

۳. استحاله؛ همچون تبدیل شدن شراب به سرکه.

۴. سنگ؛ در استنجاء.

اقسام آب

برترین وسیله از وسایل طهارت، آبی است که از آسمان می بارد یا از زمین می جوشد، به هر صفتی که از اصل آفرینش باشد.

آب بر سه نوع است:

ص: ۴۹

۱. آب مطلق؛

۲. آب طاهر غیر مطهر؛

۳. آب آلوده و غیر طاهر.

انواع آب مطلق

آب مطلق بر سه قسم است:

۱. آب مطلق که استعمالش در طهارت حرام باشد؛ همچون آب وقف و یا غصب شده.

۲. آب مطلق که استعمالش در طهارت مکروه باشد و آن بر دو نوع است: (۱) آبی که بر اثر تابش خورشید گرم شده باشد؛ (۲) آب بسیار داغ و یا بسیار سرد.

۳. آب مطلق که استعمالش در طهارت نه حرام باشد و نه مکروه [یعنی آب مباح].

انواع آب طاهر غیر مطهر

آب طاهر غیر مطهر بر سه نوع است:

۱. آبی که در شستن اعضای وضوء و یا غسل واجب به کار رفته باشد که آن را آب مستعمل نامند.

۲. آبی که در پاک کردن نجاست مورد استفاده قرار گرفته باشد.

۳. آبی که مزه یا رنگ یا بوی آن بطور یقینی بواسطه آغشته شدن با چیز پاکی (که آب از آن بی نیاز است)، چنان تغییر کند که نتوان بطور مطلق به آن آب گفت.

انواع آب غیر طاهر

آب غیر طاهر بر دو نوع است:

۱. آب قلیلی که چیز نجسی غیر قابل چشم پوشی در آن بیفتد (چه آب تغییر کند و چه تغییر نکند، هرچند آن چیز نجس کم باشد یا زیاد). مراد از اب قلیل، آبی است که از دو قله (کُر) کمتر باشد و مراد از نجس غیر قابل چشم پوشی،

مرداری است که ون جهنده ندارد و نجسی است که چشم آن را درك نمی کند.

۲. آب بسیاری [کثیری] که ضمن برخورد چیز نجسی با آن تغییر کرده باشد، هرچند آن تغییر اندک باشد. آب بسیار، آبی است که به میزان دو قله یا بیشتر از آن برسد (تقریباً یک صد و نود (۱۹۰) لیتر است).

ص: ۵۱

چکیده مطالب

۱. مطهرات چهار قسمند: آب، خاک، استحاله و سنگ.

۲. آب بر سه نوع است: مطلق، طاهر غیر مطهر و غیر طاهر.

۳. آب مطلق از جهت استعمال به نوع های حرام، مکروه و مباح جدا می شود.

۴. آب طاهر غیر مطهر بر سه نوع است: مستعمل در وضو و یا غسل واجب، مستعمل در تطهیر نجاست، تغییر یافته به سبب آغشته شدن با چیز پاکی.

۵. آب غیر طاهر به قلیل و کثیر تقسیم می شود.

پرسش ها

۱. اقسام مطهرات را نام برید.

۲. آب بر چند قسم است؟

۳. آب مطلق چیست و بر چند قسم است؟

۴. آب طاهر غیر مطهر را معنا کنید.

۵. آیا چایی را می توان آب مطلق گفت؟ چرا؟

۶. انواع آب غیر طاهر را توضیح دهید.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «إذا وطئ أحدكم بنعله الأذى فإن التراب له طهور» (سنن ابو داود/ح: ۳۸۵)

اگر کفش کسی از شما آلوده به نجاست شود بی شک خاک برای آن پاک کننده است.

وسیله دوم: خاک

خاک وسیله دوم از وسایل طهارت بوده و بر سه قسم است:

۱. خاک طهور (پاک کننده): خاکی است که نجس نباشد یا در اموری که الزامی (وجوبی) است، استفاده نشده باشد.

۲. خاک طاهر (پاک): خاکی که در تیمم و یا در تسبیح مورد استفاده قرار گرفته است.

۳. خاک آلوده: خاکی که با نجسی مخلوط شود.

مسئله ۱. خاک غصب شده یا خاک مسجد اگرچه طهور باشد، استعمالش حرام است.

مسئله ۲. خاک سرزمین هایی که اهلس مورد خشم خداوند واقع شده باشند همچون خاک سرزمین قوم لوط اگرچه طهور باشد، استعمالش مکروه است.

وسيله سوم: استحاله

وسيله سوم از وسايل طهارت، استحاله است که به معنی دگرگونی می باشد و مراد در این جا آن است که نجاستی بر اثر دگرگونی پاک شود؛ همچون تبدیل شدن خون آهو به مشک و یا تبدیل شدن خمر به سرکه.

وسيله چهارم: سنگ

وسيله چهارم از وسايل طهارت سنگ است که در استنجا استفاده می شود.

استنجا در اصطلاح شرعی همان پاک نمودن نجاست خارج شده از قبیل ادرار، مدفوع و نجاست های دیگر است.

مراد از سنگ از نظر شرع هر چیز خشک و جامد بی ارزشی است که از بین برنده نجاست باشد، همچون سنگریزه، قطعه چوب و دستمال کاغذی.

چکیده مطالب

۱. خاک بر سه قسم است: طهور (پاک کننده)، طاهر (پاک) و غیر طاهر (آلوده).

۲. استحاله به معنای دگرگونی می باشد و هر نجاستی که به سبب دگرگونی محکوم به پاکی شود، وسیله تطهیر آن استحاله خواهد بود.

۳. سنگی که در استنجا استفاده می شود، از وسایل طهارت محسوب می گردد.

پرسش ها

۱. وسیله دوم طهارت را با اقسامش نام ببرید.

۲. استعمال چه خاکی حرام است؟

۳. استحاله به چه معناست؟ چه زمانی وسیله تطهیر نجاست قرار می گیرد؟

۴. استنجا را معنا کنید.

۵. مراد از سنگ در شرع چیست؟

ص: ۵۵

اشاره

«عَنْ أُمِّ قَيْسٍ بِنْتِ مِحْصَنٍ أَنَّهَا أَتَتْ بِابْنٍ لَهَا صَغِيرٍ، لَمْ يَأْكُلِ الطَّعَامَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَجْلَسَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حِجْرِهِ، فَقَالَ عَلَى ثَوْبِهِ، فَدَعَا بِمَاءٍ فَنَضَحَهُ وَلَمْ يَغْسِلْهُ.» (صحيح بخاری/ح: ۲۲۳)

ام قیس دخت محصن پسر کوچکش را که غذایی (به جز شیر مادر) نمی خورد، حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آورد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله کودک را در دامان (زانوی) خود بنشانید که پس از چندی کودک بر لباس آن حضرت ادرار نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله آب درخواست نمود و بر موضع بول آب پاشید، ولی آن را نشست.

اقسام نجاست

نجاست بر سه قسم است: خفیف، متوسط و غلیظ.

نجاست خفیف، ادرار کودک است که تنها از شیر مادر تغذیه می کند.

نجاست غلیظ، نجاست سگ و خوک است.

نجاست متوسط، غیر از نجاست خفیف و غلیظ است.

هر یک از نجاست های سه گانه فوق به دو قسم تقسیم می شود:

۱. نجاست عینی؛ نجاستی است که دارای وزن، طعم، رنگ و بو است؛

۲. نجاست حکمی؛ نجاستی است که وزن، طعم، رنگ و بو نداشته باشد.

کیفیت از بین بردن نجاست

نجاست خفیف واجب نیست که شسته شود، بلکه باید پس از فشردن لباس اگر خیس یا خشک باشد، آب بر آن پاشیده شود، تا اینکه بدون جاری شدن همه آن را فرا گیرد، به شرط آنکه طعم، رنگ و بوی آن از بین برود.

اگر نجاست متوسط حکمی باشد، جاری شدن آب بر محل آلوده کفایت می کند، ولی اگر عینی باشد، شستن آن با آب تا اینکه وزن و سایر اوصافش از طعم و رنگ و بو از بین برود، واجب است.

برای برطرف کردن نجاست غلیظ، علاوه بر موارد مذکور در پاک کردن نجاست متوسط، «تسبیح» یعنی هفت بار شستن محل آلوده که باید یک بار آن با گِل [خاک] پاک کننده باشد، واجب است و بهتر آن است که یک بار گِل در اولین دفعه باشد.

حکم تطهیر نجاست

از بین بردن نجاست واجب فوری نیست، در صورتی که تأخیر، متضمن گناهی نباشد؛ مانند اینکه بدون ضرورت جایی از بدن را با آن چرب کند که واجب است فوراً آن را برطرف کند.

تقسیم دیگر

نجاست از لحاظ قابل گذشت و غیر قابل گذشت بودن، بر سه قسم است:

۱. نجاستی که مطلقاً غیر قابل گذشت است: خواه اندک باشد و یا بسیار؛ و آن نجاست غلیظ و نجاست از حد گذشته است.

۲. نجاستی که اندک آن قابل گذشت و بسیار آن غیر قابل گذشت است و آن خون و چرک باشد.

۳. نجاستی که به طور مطلق قابل گذشت است، چه اندک و یا بسیار باشد و مثال آن خون کک باشد.

۱. نجاست بر سه قسم است: خفیف، متوسط و غلیظ که هر یک از اینها یا عینی و یا حکمی است.
۲. برای از بین بردن نجاست خفیف، جاری شدن آب بر محل آلوده شرط نیست.
۳. برای از بین بردن نجاست متوسط حکمی، جاری شدن آب بر محل آلوده کفایت می کند.
۴. برای از بین بردن نجاست متوسط عینی، شستن آن با آب واجب است.
۵. برای برطرف کردن نجاست غلیظ، علاوه بر جاری شدن آب بر محل آلوده و شستن آن، تسبیح نیز واجب است که یک بار آن با گِل (خاک) انجام می گیرد.
۶. از بین بردن نجاست با تأخیر واجب است، اگر تأخیر متضمن گناهی نباشد.
۷. برخی از نجاسات مطلقاً غیر قابل گذشتند (نجاست غلیظ)، ولی برخی در صورتی قابل گذشتند که اندک باشند (مثل خونی که از حد زیاد تجاوز نکند) و برخی دیگر به طور مطلق قابل گذشت است (مثل خون کک).

پرسش ها

۱. اقسام نجاست را نام ببرید.
۲. تفاوت نجاست عینی با نجاست حکمی در چیست؟
۳. تکلیف در برابر نجاست خفیف چیست؟
۴. ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن آب خورده است، چگونه باید تطهیر کرد؟
۵. نجاسات از جهت قابل گذشت بودن بر چند قسم است؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ لِحَاجَتِهِ فَلَا يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَلَا يَسْتَدْبِرُهَا» (صحيح مسلم/ح: ۲۶۵)

اگر کسی از شما برای انجام حاجت خود بنشیند، رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

درآمد

همان گونه که در درس های گذشته آمد، استنجا در اصطلاح شرعی، پاک نمودن بدن از نجاستِ خارج شده-از قبیل ادرار، مدفوع و نجاست های دیگر-می باشد و با آب انجام می گیرد. البته در صورت عدم وجود آب و یا کم بودن آب، می توان از سنگ (۱) استفاده نمود.

در پایان مبحث مطهرات استنجا و آداب آن را می آوریم.

احکام استنجا

واجب: پوشاندن عورت از دیگران-حتی دیوانه و بچه ممیز-بجز همسر، واجب است.

حرام: رو به قبله و پشت به قبله کردن در فضای باز، حرام است.

ص: ۵۹

۱- (۱). مراد از سنگ هر چیز خشک و جامد بی ارزش.

مستحب [سنت]:

۱. جایی بنشیند که کسی او را نبیند؛
۲. هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.
۳. هنگام ورود بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ».
۴. هنگام بیرون آمدن اول پای راست را بیرون بگذارد.
۵. هنگام خروج از توالت سه بار بگوید: «عُفْرَانِكَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدَّبَ عَنِّي الْأَذَى وَ عَافَانِي».
۶. هنگام تخلی سر را بپوشاند.
۷. سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.

مکروه:

۱. بدانچه از او خارج شود-بدون ضرورت-بنگردد.
۲. توقف زیاد داشته باشد.
۳. رو به روی باد بنشیند.
۴. چیزی را که قرآن یا اسم خداوند بر آن نوشته شده، با خود داشته باشد.
۵. تخلی در آب قلیل چه جاری باشد یا راکد.
۶. تخلی نزد قبور مسلمین.
۷. تطهیر با دست راست.
۸. ایستاده بول کردن.

چکیده مطالب

۱. استنجا در اصطلاح شرعی، پاک نمودن بدن از نجاستِ خارج شده می باشد و با آب انجام می گیرد.
۲. هنگام استنجا پوشاندن عورت از دیگران واجب است.
۳. رو به قبله و پشت به قبله کردن در فضای باز، حرام است.
۴. استنجا دارای مستحباتی است و مراعات نمودن آنها مطلوب می باشد.
۵. استنجا مکروهاتی نیز دارد که در پرهیز نمودن از آنها تأکید شده است.

پرسش ها

۱. استنجا را معنا کنید.
۲. آیا استنجا تنها با آب انجام می گیرد؟
۳. چه امری در استنجا واجب است؟
۴. در فضای بسته هنگام استنجا پشت به قبله کردن چه حکمی دارد؟
۵. مستحبات استنجا را نام ببرید.
۶. مکروهات استنجا را برشمارید.

اشاره

قال الله تعالى:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ
(مائده/۶)

ای مسلمانان چون برخیزید بسوئی نماز پس بشوئید روی خود را و دستهای خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشوئید پایهای خود را تا شتالنگ... (ترجمه دهلوی)

درآمد

نماز گزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی از موارد هم باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد که در این درس و درس های آینده با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

وضو در لغت از «وضاء» گرفته شده که به معنای پاکیزگی است، ولی در شرع مقدس اسلام نامی برای رسیدن آب به اعضای مخصوصی از بدن همراه با نیت است؛ فرقی نمی کند که شخص وضو گیرنده خود آن را انجام دهد یا دیگری.

شرائط صحت وضو

شرطهای صحت وضو موارد ذیل هستند:

۱. اسلام: پس وضوی کافر درست نیست.
۲. قدرت تشخیص: پس وضوی بچه و دیوانه، بی هوش، مست و خوابیده درست نیست.
۳. آب پاک: این که آب در نزد وضوگیرنده پاک کننده باشد، اگرچه بنا را بر اصل پاک کنندگی بگذارد؛ مثل اینکه آبی را بیابد و نداند که ناپاک است. پس وضو با آبی که می داند که ناپاک است یا در فرض طهارت استعمال شده یا پاک کنندگی آن از بین رفته باشد، درست نیست.
۴. وجود نداشتن حالتی که با وضو منافات دارد: از قبیل حیض، نفاس، مس فرج و خروج چیزی از مجاری معمولی.
۵. عدم وجود حائل: بین آب و عضوی که باید شسته یا مسح شود، حائلی همچون گل، شمع، روغن و... وجود نداشته باشد.
۶. جریان آب: یعنی جاری شدن آب بر عضوی که باید شسته شود؛ پس تنها مسح در طهارت آن عضو کافی نیست و آب باید حتماً جریان پیدا کند.
۷. شناخت: وضوگیرنده هیأت و صفت وضو را بشناسد و بداند که وضو به چه کیفیتی انجام می گیرد.
۸. تشخیص فرض ها از سنت ها: حد اقل این تشخیص آن است که به سنت بودن فرضی معتقد نباشد.

فرض های وضو

وضو دارای شش فرض است:

۱. نیت کردن هنگام شستن اولین جزء از صورت؛ پس وضوگیرنده همزمان با شروع شستن صورت خویش باید وضو یا برطرف نمودن بی وضویی و یا انجام

فرائض وضو را نیت کند و تا پایان وضو این نیت ادامه داشته باشد.

۲. شستن همه صورت بدین شرح که در طول: ما بین بالای پیشانی (جایی که موی سر می روید) و زیر چانه و آرواره پایین که دندان های زیرین بر آن روییده است و در عرض: فاصله بین دو گوش را در بر گیرد.

۳. شستن دو دست با دو آرنج؛

۴. مسح کردن (یا شستن) قسمتی از سر؛

۵. شستن دو پا با دو قوزک؛

۶. مراعات ترتیب به نحوی که ذکر شد. پس اگر ترتیب را فراموش کرد، وضویی انجام نداده است.

ص: ۶۴

۱. وضو در لغت از «وضاء» گرفته شده که به معنای پاکیزگی است؛ و در شرع مقدس اسلام نامی برای رسیدن آب به اعضای مخصوصی از بدن همراه با نیت است.
۲. شرطهای صحت وضو: اسلام، قدرت تشخیص، آب پاک، عدم وجود حالتی منافی با وضو، عدم وجود حائل، جریان آب، شناخت، تشخیص فرض ها از سنت ها.
۳. فرض های وضو عبارتند از: نیت، شستن صورت، شستن دو دست با دو آرنج، مسح (و یا شستن) قسمتی از سر، شستن دو پا با دو قوزک، مراعات ترتیب.

پرسش ها

۱. وضو در لغت به چه معناست؟ معنای اصطلاحی وضو را نیز توضیح دهید و نوع ارتباط این دو معنا را بازگو نمایید.
۲. شرط ای صحت وضو را نام ببرید.
۳. اگر وضوگیرنده نداند که آبی که در برابرش قرار گرفته، پاک است، تکلیفش چیست؟
۴. عدم وجود حائل که یکی از شرطهای صحت وضو است، به چه معناست؟
۵. حد اقل تشخیص فرض های وضو از سنت های آن به چه نحوی است؟
۶. فرض های وضو را نام ببرید.
۷. آیا وضوی کسی که نیت وضو را تا پایان تداوم نمی دهد، صحیح است؟ در این صورت تکلیفش چیست؟

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لولا أن أشق على أمتي لامرتهم بالسواك مع كل وضوء» (الموطأ؛ ح ۱۴۴)
اگر بر امتم دشوار نمی شد حتما دستور می دادم تا در هر وضوء مسواک زنند.

سنت های وضو

سنت های وضو عبارتند از:

۱. گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای وضو؛
۲. سه بار شستن دست تا مچ قبل از مضمضه؛
۳. مضمضه [شستن دهان]؛
۴. مسواک نمودن؛
۵. استنشاق [شستن بینی]؛
۶. استنثار [تمیز نمودن داخل بینی]؛
۷. مبالغه نمودن در مضمضه و استنشاق برای شخص غیر روزه دار؛
۸. مسح کشیدن بر تمام سر؛
۹. مسح نمودن ظاهر و باطن دو گوش با آب جدید؛
۱۰. تخلیل ریش پر پشت؛

تخلیل انگشتان دست و پا؛

۱۲. از جانب راست شروع نمودن؛

۱۳. سه بار شستن هر عضوی؛

۱۴. موالات [پی در هم شستن]؛

۱۵. دلک [کشیدن دست بر اعضای وضو]؛

۱۶. اطاله غره [شستن قسمت جلوی سر هنگام شستن رو جهت تکمیل آن]؛

۱۷. اطاله تحجیل [شستن بالاتر از آرنج دست و قوزک پا].

مکروهات وضو

امور مکروه و ناپسند در وضو عبارتند از:

۱. اسراف در استفاده از آب؛

۲. تقطیر [مخالف اسراف] در استفاده از آب؛

۳. تقدیم عضو چپ بر عضو راست؛

۴. بیش از سه بار شستن؛

۵. مبالغه در مضمضه و استنشاق برا شخص روزه دار؛

۶. ترک سنت های وضو.

ص: ۶۷

چکیده مطالب

۱. سنت های وضو هفده مورد است.

۲. مکروهات وضو شش مورد است.

پرسش ها

۱. سنت های وضو را نام ببرید.

۲. استنشاق با استنثار چه تفاوتی دارد؟

۳. موالات را معنا کنید.

۴. اطاله غره و اطاله تحجیل را معنا کنید.

۵. اگر شخص روزه دار در مضمضه و استنشاق مبالغه نماید، چه حکمی دارد؟

۶. اسراف و تقتیر را معنا کنید.

ص: ۶۸

اشاره

صفوان بن عسال (رضی الله عنه) قال: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یأمرنا إذا کنا سفرا ألا ننزع خفافنا ثلاثة أيام ولیالیهن إلا من جنابه، لکن من غائط وبول ونوم». (سنن ترمذی / ح: ۹۶)

صفوان پسر عسال (رضی الله عنه) گوید: زمانی که ما در مسافرت به سر می بردیم رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور می داد که پاپوش های خود را به خاطر مدفوع، ادرار و خواب به مدت سه شبانه روز [برای وضوء گرفتن] از پا در نیاریم مگر در حال [غسل] جنابت.

نواقض وضو

نواقض جمع ناقض بوده و در باب وضو به معنای شکننده وضو به کار گرفته می شود.

شکننده های وضو عبارتند از:

۱. آن چیزی که از دو راه بیرون آید؛

۲. خواب؛

۳. زوال عقل به علت مستی، مریضی و یا بی هوشی؛

۴. لمس پوست زن نامحرم [برای مرد] اگرچه مرده باشد؛ باید دانست که مصافحه نمودن [دست دادن] با زن نامحرم حرام است.

۵. مس فرج آدمی به باطن کف؛ اگر به خارج کف و یا ما بین انگشتان بگیرد، ناقض وضو نباشد.

کارهای ممنوعه برای شخص بی وضو

کارهایی که برای شخص بی وضو حرام و ممنوع است عبارتند از:

۱. هر نوع نماز (واجب، سنت، ...) خواندن؛

۲. سجده تلاوت انجام دادن؛

۳. طواف کردن خانه خداوند (به هر شکلی که باشد)؛

۴. خواندن خطبه های جمعه؛ [\(۱\)](#)

۵. مس مصحف (قرآن کریم) با هر جزئی از بدن (حتی دندان، ناخن و...) چه با حائل و چه بدون حائل؛

۶. حمل مصحف بدون ضرورت؛

ص: ۷۰

۱- (۱). خواندن خطبه مستحبی (مثل خطبه عیدین) بدون وضو درست است.

چکیده مطالب

۱. نواقض جمع ناقض بوده و در باب وضو به معنای شکننده وضو به کار گرفته می شود.

۲. شکننده های وضو: چیزی که از دو راه بیرون آید، خواب، زوال عقل، لمس پوست جنس مخالف اجنبی، مس فرج به باطن کف.

۳. امور ممنوعه برای شخص بی وضو: نماز خواندن، سجده تلاوت، طواف بیت، خواندن خطبه های جمعه، مس و حمل مصحف.

پرسش ها

۱. نواقض به چه معناست؟

۲. شکننده های وضو را نام ببرید.

۳. چه اموری برای شخص بی وضو ممنوع می باشد؟

ص: ۷۱

درس سیزدهم: غسل (۱)

اشاره

قال الله تعالى:

وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا (مائده/۶)

و اگر باشید با جنابت پس غسل کنید. (ترجمه دهلوی)

درآمد

گاهی برای نماز و یا هر کاری که باید با طهارت انجام شود، غسل باید کرد.

غسل، عبارت است از شستن تمام بدن با آب همراه با قصد و نیت.

اقسام غسل

ص: ۷۲

۱. چگونه انسان جنب می شود؟

۲. اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی شود.

۳. کسی که منی داند منی از او خارج شده است و یا منی داند آنچه بیرون آمده است، منی می باشد، جنب است و باید غسل کند.

۴. کسی که منی داند آنچه از او بیرون آمده منی است یا نه، در صورتی که علائم منی را داشته باشد، جنب است و در غیر این صورت، حکم به جنابت نمی شود.

۵. نشانه های منی:

- با شهوت بیرون آید؛

- با فشار و جستن بیرون آید؛

- بعد از بیرون آمدن، بدن سست شود.

۶. کسی که آبی از او خارج شده و نمی داند منی است یا نه، در صورتی که یکی از این نشانه ها را داشته باشد، جنب است؛ و گرنه جنب نمی باشد.

ص: ۷۴

چکیده مطالب

۱. غسل، عبارت است از شستن تمام بدن با آب همراه با قصد و نیت.
۲. اقسام غسل عبارت است از: واجب و مستحب.
۳. غسل واجب مشترک میان مردان و زنان: غسل جنابت و غسل میت.
۴. غسل واجب مخصوص بانوان: غسل حیض، غسل نفاس و غسل ولادت.
۵. جنابت دو عامل دارد: بیرون آمدن منی و جنابت.

پرسش ها

۱. غسل را تعریف کنید.
۲. اقسام غسل را نام ببرید.
۳. غسل واجب چند قسم است.
۴. اقسام غسل واجب مشترک میان مردان و زنان را نام ببرید.
۵. عوامل جنابت را نام ببرید.
۶. نشانه های منی را بیان کنید.

اشاره

عن عائشه قالت: «كان رسول الله صلى الله عليه و سلم إذا اغتسل من الجنابه يبدأ فيغسل يديه ثم يفرغ بيمينه على شماله فيغسل فرجه ثم يتوضأ وضوئه للصلاه ثم يأخذ الماء فيدخل أصابعه في أصول الشعر حتى إذا رأى أن قد استبرأ حفن على رأسه ثلاث حففات ثم أفاض على سائر جسده ثم غسل رجليه». (صحيح مسلم/ ۳۵)

عائشه رضی الله عنها گوید: رسول خدا هر زمان که می خواست از جنابت غسل انجام دهد با شستن دو دستش شروع می کرد؛ سپس با دست راستش بر دست چپش آب می ریخت تا شرمگاه خود را بشوید؛ سپس وضوی کامل می گرفت- همچنانکه برای نماز وضو می گرفت-؛ سپس بر ریشه موی های مبارک که با انگشتانش باز نموده بود، آب می ریخت و زمانی که کاملاً تمیز می نمود بر سر خویش سه نوبت آب می ریخت؛ سپس بر تمام بدنش آب می ریخت و در پایان دو پای خویش را می شست.

انجام غسل

کسی که بر او غسل واجب شده است، به روش ذیل آن را انجام می دهد:

۱. نیت می کند؛ و نیت چنان است که شخص جنب قصد برطرف کردن جنابت، حائض قصد پاک شدن از حیض و نفاس، قصد پاک شدن از نفاس را داشته باشد. همچنین می تواند قصد مباح شدن اموری که تنها با غسل مباح

می شوند، در نیت خویش داشته باشد.

۲. هر گونه نجاست را از بدنش دور می کند؛ شایسته است که قبل از شروع غسل، استبراء از منی را انجام دهد که آن با بول کردن - اگرچه یک یا دو قطره باشد - انجام می گیرد.

۳. وضوی کامل انجام می دهد.

۴. بر سر و گردنش آب می ریزد و جهت رسیدن آب به پوست سر، از بیخ موهای سرش را خلال می کند.

۵. بر تمام بدنش آب می ریزد و تا جایی که امکان دارد، بدنش را دست می کشد و شستشو می دهد.

واجبات غسل

غسل دو واجب دارد:

۱. نیت؛

۲. رسیدن آب به همه بدن.

۳. شستن داخل چشم و دهان در غسل، واجب نیست.

سنت های غسل

سنت های غسل عبارتند از:

۱. گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»؛

۲. ازاله نجاست از بدن؛

۳. وضوی کامل گرفتن؛

۴. دلک و یا کشیدن دست بر روی بدن تا حد امکان؛

۵. مقدم داشتن قسمت راست بدن در شستن؛

۶. رو به قبله کردن؛

۷. سه بار شستن؛

۸. خلال کردن بیخ موی سر.

ص: ۷۷

چکیده مطالب

۱. کیفیت انجام دادن غسل: (۱) نیت می کند؛ (۲) هر گونه نجاستی را از بدنش دور می کند؛ (۳) وضو می گیرد؛ (۴) بر سر و گردنش آب می ریزد؛ (۵) بر تمام بدنش آب می ریزد و خود را شستشو می دهد.

۲. واجبات غسل: نیت و رسیدن آب به تمام بدن.

۳. سنت های غسل زیادند که از جمله: تسمیه، وضوی کامل قبل از غسل، سه بار شستن هر عضو و خلال کردن بیخ موی سر.

پرسش ها

۱. کیفیت انجام دادن غسل را توضیح دهید.

۲. غسل چند واجب دارد؟ نام ببرید.

۳. سنت های غسل را نام ببرید.

اشاره

عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لَا تَقْرَأِ الْحَائِضُ وَلَا الْجُنُبُ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ». (سنن ترمذی/۱۳۱)

ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود:

زن حائض و فرد جنب چیزی از قرآن نخوانند.

مکروهات غسل

امور مکروه و ناپسند در غسل عبارتند از:

۱. اسراف در استفاده از آب؛

۲. تقصیر [مخالفت اسراف] در استفاده از آب؛

۳. تقدیم عضو چپ بر عضو راست؛

۴. بیش از سه بار شستن؛

۵. مبالغه در مضمضه و استنشاق برای شخص روزه دار؛

۶. ترک سنت های غسل.

کارهای ممنوعه برای شخص جنب

کارهایی که برای شخص جنب حرام و ممنوع است، عبارتند از:

۱. خواندن هر نوع نماز (واجب، سنت، ...)؛

۲. انجام دادن سجده تلاوت؛

۳. طواف کردن خانه خداوند (به هر شکلی که باشد)؛

۴. خواندن خطبه های جمعه؛

۵. لمس کردن مصحف (قرآن کریم) با هر جزئی از بدن (حتی دندان، ناخن و...) چه با حائل و چه بدون حائل؛

۶. حمل کردن مصحف بدون ضرورت؛

۷. قرائت قرآن؛

۸. توقف در مسجد بدون ضرورت؛

۹. تردد (۱) (آمد و رفت) در مسجد؛

غسل های مستحب

غسل های مستحب (غیر واجبه) عبارتند از:

۱. غسل جمعه؛

۲. غسل عیدین؛

۳. غسل نماز استسقاء [طلب باران]؛

۴. غسل نماز خسوف [ماه گرفتگی]؛

۵. غسل نماز کسوف [خورشید گرفتگی]؛

۶. غسل بعد از غسل میت [به عبارت دیگر «غسل مس میت»]؛

۷. غسل کافر پس از پذیرش اسلام؛

۸. غسل مجنون و یا بیهوش پس از افاقه و به هوش آمدن؛

۹. غسل إحرام؛

۱۰. غسل محرم حج یا عمره برای دخول به مکه؛

۱- (۱). تردد آن است که برای برداشتن چیزی، وارد مسجد شود و از همان در خارج شود.

چکیده مطالب

۱. از جمله مکروهات غسل: اسراف و تقتیر آب، تقدیم عضو چپ بر عضو راست، بیش از سه بار شستن عضو و ترک سنت های غسل.

۲. از جمله امور ممنوعه برای شخص جنب: نماز خواندن، سجده تلاوت کردن، طواف نمودن، توقف و یا تردد در مسجد، قراءت قرآن و لمس کردن مصحف.

۳. غسل های مستحبی یازده تاست.

پرسش ها

۱. مکروهات غسل را نام ببرید.

۲. برای شخص جنب چه کارهایی ممنوع می باشد؟

۳. غسل های مستحبی را نام ببرید.

اشاره

قال الله تعالى:

وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسِدْ حُوا
بُؤْجُوهَكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ. (مائدة/۶)

و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک پاک را پس مسح کنید ازان خاک بروی خود و دست خود....

درآمد

تیمم در لغت به معنای «قصد و توجه» بوده، و در شرع اسلامی عبارت است از مسح صورت و دو دست با خاک پاک همراه با نیت.

تیمم زمانی انجام داده می شود که امکان وضو و یا غسل با آب وجود نداشته باشد.

موجبات تیمم

دو امر موجب تیمم گرفتن می شود:

۱. نبود آب؛

۲. مریضی.

ص: ۸۲

اگر شخصی به آب دسترسی نداشته باشد چند حالت خواهد داشت:

۱. اگر به یقین می داند که در آن نزدیکی ها آبی وجود ندارد، بدون طلب و جستجوی آب، تیمم می گیرد؛

۲. اگر احتمال دهد که در آن نزدیکی ها آبی وجود دارد، قبل از تیمم گرفتن به جستجوی آب برمی آید و تا حدود ۱۵۰-۲۰۰ متر آب را طلب می کند. البته این جستجو و طلب به شرطهای زیر لازم است:

- امنیتش به خطر نیفتد؛

- خطری اموالش را تهدید نکند؛

- وقت نماز را از دست ندهد.

۳. اگر به یقین می داند که در آن نزدیکی ها آبی وجود دارد، در این صورت، سه حالت پیش خواهد آمد:

- اگر آب در حدی باشد که تا آنجا صدا می رسد، بر او واجب است که برای پیدا کردن آب تلاش کند و تیمم گرفتن برای او جایز نباشد، اگر چه وقت نماز هم (به خاطر طلب آب) بگذرد.

- اگر آب از حد رسیدن صدا دورتر باشد، به شرط وجود امنیت و از دست ندادن وقت نماز، بر او واجب است که آب را جستجو کند؛

- اگر آب در حد خیلی دوری به دست بیاید، بر او واجب نیست که به جستجوی آب برآید، بلکه تیمم می گیرد.

اگر شخص مسافری برای شُرب و برطرف نمودن تشنگی خویش و یا حیوان محترمی (۱)، آبی داشته باشد، برای نماز تیمم می گیرد و آب را برای نیازهایش نگه می دارد.

اگر شخصی به آبی برسد، ولی به خاطر وجود مانعی، آب در دسترس او قرار نگیرد، او نیز تیمم می گیرد و این حالت را ناتوانی حسی نامند.

تیمم به سبب مریضی

مریضی نیز از موجبات تیمم است. از این رو شخص مریضی که از استعمال آب ضرر خواهد دید و یا به قول پزشک متخصص و مورد اعتماد، احتمال ضرر را بدهد، به جای وضو و یا غسل، تیمم می گیرد.

ص: ۸۴

۱. تیمم عبارت است از مسح صورت و دو دست با خاک پاک، همراه با نیت.

۲. نبود آب و یا ناتوانی از استعمال آب، باعث تیمم گرفتن می شوند.

۳. زمانی که انسان به یقین نمی داند که در آن اطراف آبی وجود دارد، به شرط تأمین امنیت خود و اموالش و همچنین به شرط از دست ندادن وقت نماز، قبل از تیمم به جستجوی آب برمی آید.

۴. اگر آبی که به همراه دارد، برای نیازهای اساسی خود احتیاج دارد، برای ادای نماز تیمم می گیرد.

پرسش ها

۱. تیمم در لغت به چه معناست؟

۲. تیمم در اصطلاح به چه معناست؟

۳. موجبات تیمم را نام ببرید.

۴. اگر یقیناً بداند که در آن نزدیکی ها آبی وجود ندارد، تکلیفش چیست؟

۵. شرائط لزوم جستجوی آب را قبل از انجام تیمم، نام ببرید.

۶. در چه حالتی، به جستجوی آب قبل از تیمم می پردازد، اگرچه وقت نماز را از دست دهد؟

۷. ناتوانی حسی را معنا کنید و بگوئید: مراد از این اصطلاح در باب تیمم چیست؟

۸. چه زمانی شخص بیمار تیمم را جایگزین وضو و یا غسل می کند؟

اشاره

عن أبي ذر رضي الله عنه، أن النبي صلى الله عليه وسلم قال:

«إن الصعيد الطيب طهور المسلم، وإن لم يجد الماء عشر سنين. فإذا وجد الماء فليمسه بشرته فإن ذلك خير» (سنن ترمذی؛ ح: ۱۱۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

«خاک پاکیزه، پاک کننده برای مسلمان است، اگرچه ده سال آب را پیدا نکند. و چون آب را پیدا کرد، پس با آن خود را تمیز نماید؛ همانا این خیر و نیکی است»

شرائط صحت تیمم

۱. اسلام؛ پس تیمم کافر درست نیست؛

۲. قدرت تشخیص؛ پس تیمم کودک، بی هوش، مست و دیوانه درست نیست؛

۳. بین خاک و عضوی که در تیمم مورد مسح قرار می گیرد، مانعی نباشد؛ همچون چسب و امثال آن؛

۴. قبل از انجام تیمم، نجاست غیر قابل گذشت را از بدن دور کردن، گرچه در غیر اعضای تیمم باشد؛

۵. دانستن کیفیت انجام تیمم؛

۶. با خاک صورت پذیرد؛ خاک باید از غبار برخوردار باشد و با چیزی

همچون گچ، آهک و آرد آمیخته نشده باشد. پس اگر با آنها مخلوط شود، تیمم با آن درست نیست؛

۷. خاک، پاک کننده [طهور] باشد؛

۸. یقیناً وضو نداشته باشد؛ اگر وضو گرفته و در نقض وضو شک کرد، سپس در حال شک برای احتیاط تیمم انجام داد، اگر معلوم شد که وضو نداشته، تیمم کفایت نمی کند و نمازش هم باطل است؛

۹. نسبت به فرا رسیدن وقت نماز از روی یقین یا ظن و یا اجتهاد آگاهی داشته باشد؛ از این رو تیمم برای عبادات [مثل نماز و طواف] قبل از رسیدن زمان انجام آنها و یا در حالت شک در رسیدن وقت، درست نیست؛

۱۰. جستجوی آب قبل از انجام تیمم در جایی که نبود آب یقینی نباشد.

فرائض تیمم

تیمم دارای چهار فرض است:

۱. نیت؛ نیت در تیمم این گونه است که شخص مباح گرداندن نماز و همه آن چیزهایی را که به وضو نیاز دارند-مثل طواف، خطبه های نماز جمعه، لمس و همراه داشتن قرآن-قصد نماید. بنابراین، اگر تیمم کننده قصد برطرف نمودن حدث را کند، تیممش درست نیست، زیرا تیمم حدث را برطرف نمی کند.

۲. مسح صورت؛ لازم است در مسح صورت قسمتی از اطراف آن مسح شود تا اطمینان حاصل شود.

۳. مسح دو دست تا دو آرنج (۱)؛ لازم است در مسح دو دست قسمتی از بازو مسح شود تا اطمینان حاصل شود.

۴. ترتیب؛ یعنی ابتدا نیت مباح نمودن نماز و عبادت های مورد نظر را نماید و سپس صورت و آنگاه دستان خود را مسح کند.

ص: ۸۷

۱- (۱). البته به قولی تا بند دست.

چکیده مطالب

۱. شرایط صحت تیمم عبارتند از: اسلام، قدرت تشخیص، عدم وجود مانع میان خاک و عضو مسح شونده، دور کردن نجاست از بدن، دانستن کیفیت انجام تیمم، خاک پاک، وضو نداشتن قبل از تیمم، فرا رسیدن وقت نماز [و یا هر عبادتی که طهارت در آن لازم است]، جستجوی آب قبل از انجام تیمم.

۲. فرائض تیمم عبارتند از: نیت، مسح صورت، مسح دو دست تا آرنج، ترتیب.

پرسش‌ها

۱. شرایط صحت تیمم را نام ببرید.

۲. اگر قبل از تیمم شك دارد که وضویش باطل شده یا نه، آیا جایز است که تیمم بگیرد؟

۳. نیت در تیمم چه حکمی دارد؟

۴. نیت در تیمم چگونه باید باشد؟

۵. ترتیب انجام تیمم را بیان کنید.

۶. مسح رو در تیمم چه حکمی دارد؟

۷. مسح دو دست در تیمم چه حکمی دارد؟

۸. تیمم را عملاً انجام دهید.

اشاره

فعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: خرج رجلان في سفر، فحضرت الصلاة وليس معهما ماء فتيهما صعيدا طيبا فصليا، ثم وجد الماء في الوقت، فأعاد أحدهما الوضوء و الصلاة، ولم يعد الآخر، ثم أتيا رسول الله صلى الله عليه وسلم، فذكرا له ذلك، فقال للذي لم يعد: (أصببت السنه وأجزأتك صلاتك) وقال للذي توضأ وأعاد: (لك الاجر مرتين) رواه أبو داود و النسائي. (سنن ابو داود؛ ج: ۲۸۹)

... دو مرد هنگام سفر در وقت نمازی قرار گرفتند که همراه خویش آبی برای وضوء نداشتند، لذا هر دو با خاک پاک تیمم نمودند و نمازشان را ادا کردند. دیری نگذشت که قبل از خروج وقت آن نماز آبی پیدا نمودند: یکی با آب وضوء گرفت و نمازش را اعاده کرد، اما دیگری نماز خویش اعاده ننمود. به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و داستان را نقل کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن کسی که نمازش را اعاده نکرده بود، فرمودند: «به سنت، صحیح عمل کردی و نمازت قابل قبول است». و به آن دیگری که وضوء گرفته و نمازش را اعاده کرده و بد، روی آوردند و فرمودند: «برای تو پاداشی دو برابر باشد».

سنت های تیمم

سنت های تیمم بسیارند و از جمله:

۱. تسمیه؛

۲. مقدم داشتن عضو راست بر عضو چپ؛

۳. انجام دادن مسح صورت از بالا؛

۴. انجام دادن مسح دستان از انگشتان؛

۵. موالات برای کسی که سالم است؛

۶. در آوردن انگشتر در ضرب اول؛ (۱)

مکروهات تیمم

مکروهات تیمم عبارتند از:

۱. زیاد بودن خاک؛

۲. تکرار مسح؛

۳. تجدید تیمم.

باطل کننده های تیمم

باطل کننده های تیمم عبارتند از:

۱. هر آنچه وضو را باطل می کند؛

۲. ارتداد؛ یعنی از دین برگشتن، مانند انکار یکی از ضروریات دین، استهزا و مسخره کردن مقدسات دینی، حلال شمردن حرام اجماعی و یا اهانت به پیامبر الهی.

۳. علم به وجود آب در محلی که طلب آب در آن واجب باشد؛

۴. از بین رفتن ناتوانی شرعی، همچون مرض.

برخی از احکام تیمم

- کسی که از استعمال آب ناتوان باشد- چه به خاطر نبود آب و یا ناتوانی از استعمال آب- با یک تیمم نمی تواند دو فرض را بجای آورد.

۱- (۱). البته در آوردن انگشتر در ضرب دوم واجب است.

- کسی که تیمم کرده است جایز نیست که بین خطبه و نماز جمعه را جمع کند، بلکه اگر فریضه ای را با تیمم انجام داد و خواست که فریضه دیگری را انجام دهد، تیمم کردن دو باره بر او واجب است.

- اگر شخصی برای انجام فرضی تیمم کند، انجام نوافل و نماز جنازه برای او جایز است.

چکیده مطالب

۱. برخی از سنت های تیمم: تسمیه، مقدم داشتن عضو راست، انجام دادن مسح صورت از بالا، انجام دادن مسح دستان از انگشتان، موالات، در آوردن انگشت در ضرب اول.

۲. باطل کننده های تیمم عبارتند از: ارتداد، آگاهی از وجود آب، برطرف شدن ناتوانی شرعی و مبطلات وضو.

۳. با یک تیمم نمی توان دو فرض را بجای آورد.

۴. با تیممی که برای فرض انجام انجام شده است، می توان نوافل را بجای آورد.

پرسش ها

۱. سنت های تیمم را نام ببرید.

۲. مکروهات تیمم را نام ببرید.

۳. باطل کننده های تیمم را نام ببرید.

۴. آیا می توان با یک تیمم، دو فرض را انجام داد؟

۵. آیا با تیممی که برای نماز فرض انجام گرفته است، می توان نماز نفل را انجام داد؟

اشاره

عن همام النخعی رضی الله عنه، قال: (بال جریر بن عبد الله ثم توضأ ومسح علی خفیه، فقیل: تفعل هذا و قد بلت؟ قال: نعم رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم بال ثم توضأ ومسح علی خفیه) (سنن ترمذی؛ ح: ۸۹)

...جریر بن عبد الله بول نمود و سپس وضوء گرفت و بر دو خف [پای افزار] خویش مسح کشید. به او اعتراض نمودند که: این گونه وضوء انجام می دهی در حالی که بول کردی؟! در پاسخ گفت: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که بعد از بول وضوء گرفت و بر دو خف خویش مسح کشید.

درآمد

مسح بر خفین (۱) رخصتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران او بر آن عمل کرده اند و حکم آن جواز می باشد.

مسح بر خفین عبارت است از مسح بخشی معین از پاپوش مخصوص به عوض شستن پا در زمان و شرایط خاص.

البته شستن پاها در وضو بهتر است، زیرا اصل شستن پاهاست و مسح بر خفین جایگزین آن است.

ص: ۹۳

شرائط صحت مسح

شرائط صحت مسح بر خفین عبارتند از:

۱. پوشیدن خفین بعد از طهارت و انجام وضوی کامل؛

۲. طهارت و پاکی خفین؛ پس مسح بر خفّ نجس یا آلوده شده غیر قابل گذشت درست نیست. اگر بر خفّ نجاست قابل گذشت قرار داشته باشد، مسح بر آن درست می باشد؛

۳. خفین، پاها را تا بالای قوزک ها بپوشاند؛

۴. عدم نفوذ آب از غیر محل دوخته شده خفین؛

۵. قابل استفاده بودن خفین در مدت مسح و امکان مسافرت با آن؛ یعنی راه رفتن با خفین، به طور عادی و معمولی ممکن باشد؛

۶. خفین، از پارگی سالم باشند.

-مسح جوراب به عوض شستن پاها به شرطی جایز است که جوراب دارای نعلین و ضخامت باشد، به گونه ای که شخص بتواند با آن راه برود.

کیفیت مسح

مسح بر خفین به ترتیب زیر انجام می گیرد:

۱. دست چپ را بر پاشنه و دست راست را بر پشت انگشتان قرار دهد؛

۲. دست چپ را به اطراف انگشتان و دست راست را به طرف ساق در حالی که بین انگشتان فاصله باشد، می کشد.

مدت مسح

مدت مسح خفین برای شخص مقیم یک شبانه روز و برای شخص مسافر سه شبانه روز است.

باطل کننده های مسح

باطل کننده های مسح خفین چهار چیز است:

۱. آشکار شدن قسمتی از پا؛

۲. تمام شدن یقینی و یا ظنی مدتی که برای مقیم و مسافر تعیین شده است؛

۳. عارض شدن موجبات غسل، از قبیل جنابت؛

۴. خارج شدن پاپوش از صلاحیت مسح به جهت ضعف و یا پارگی.

ص: ۹۵

۱. مسح بر خفین جایز است.
۲. مسح بر خفین عبارت است از مسح بخشی معین از پاپوش مخصوص به عوض شستن پا در زمان و شرائط خاص.
۳. شرائط صحت مسح بر خفین: پوشیدن خفین بعد از طهارت و انجام وضوی کامل، طهارت و پاکی خفین، پوشش قوزک پا توسط خفین، عدم نفوذ آب از خفین، امکان راه رفتن با خفین، سالم بودن خفین از پارگی.
۴. کیفیت مسح بر خفین: دست چپ را بر پاشنه و دست راست را بر پشت انگشتان قرار می دهد؛ سپس دست چپ را به اطراف انگشتان و دست راست را به طرف ساق در حالی که بین انگشتان فاصله باشد، می کشد.
۵. مدت مسح خفین: یک شبانه روز برای مقیم، سه شبانه روز برای مسافر.
۶. مبطلات مسح خفین: آشکار شدن قسمتی از پا، به پایان رسیدن مدت مسح، عارض شدن موجبات غسل، فرسودگی و یا پاره شدن خفین.

پرسش ها

۱. مراد از خفین چیست؟
۲. حکم مسح بر خفین چیست؟
۳. مسح بر خفین را تعریف کنید.
۴. شرائط صحت مسح بر خفین را نام ببرید.
۵. آیا می توان بر جوراب مسح کشید؟
۶. کیفیت مسح بر خفین را عملاً توضیح دهید.
۷. مدت مسح خفین را بیان کنید.
۸. مبطلات مسح خفین نام ببرید.

اشاره

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (سوره نساء/۱۰۳)

بی تردید نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است.

معنای نماز

نماز، ترجمه کلمه «صلاه» است که این واژه، عربی بوده و در لغت به معنی «دعا» و «درخواست» می باشد:

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . (۱)

«و(به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست...».

اما در اصطلاح فقهی، مراد از «صلاه» اقوال و افعال مخصوصی است که با تکبیر آغاز و با سلام دادن به پایان می رسد.

اهمیت نماز

۱. نماز، سفارش خداوند بر انبیا و اولیای خود است:

—حضرت عیسی* در گهواره می گوید: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ

ص: ۹۷

وَ الرَّكَّاهِ مَا دُمْتُ حَيًّا (۱): خداوند مرا تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است...

۲. نماز، از مهم ترین سفارش های انبیا و اولیای الهی بوده و از بارزترین مصادیق عبادت است:

—حضرت لقمان به فرزندش می گوید: يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ... (۲): پسرکم! نماز را بر پای دار...

۳. برای اهتمام به این برنامه سازنده، اسلام به پدران و مادران سفارش کرده که اطفال خود را قبل از بلوغ به هر نحوی که می توانند و ادار به نماز کنند و گاهی هم به خاطر بی اعتنایی شان، از خود خشونت نشان دهند.

۴. نماز، سبب آمرزش گناهان و زدودن آثار لغزش هاست. قرآن، پس از دستور به نماز، می فرماید: وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ.... (۳)

حکمت و اسرار نماز

نماز خواندن، اسرار و حکمت های زیادی دارد که برخی از آن:

۱. همواره توجه نمودن انسان به هویت و حقیقت اصلی خویش که عبارت است از بندگی خداوند متعال؛

۲. تقویت تدریجی و پیوسته این باور که پشتیبان واقعی و صاحب نعمت حقیقی تنها خداوند عز و جل است؛

۳. امکان فرصت برگشت از گناه و غفلت به سوی پاکی و آرامش روحی؛

۴. استحکام و تقویت عقیده و باور قلبی به خداوند متعال.

ص: ۹۸

۱- (۱). مریم، آیه ۳۱.

۲- (۲). لقمان، آیه ۱۷.

۳- (۳). هود، آیه ۱۱۴.

اقسام نماز

اشاره

(۱)

نماز، به دو قسم کلی تقسیم می شود:

۱. نمازهای واجبه:

نمازهایی که بر هر مسلمان اهل تکلیف فرض گردانده شده است؛

۲. نمازهای نافله:

اشاره

نمازهای غیر واجبه باشد.

نمازهای واجبه، دو دسته اند:

۱. نمازهای یومیه:

صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء؛

۲. نماز مشروط:

اشاره

نماز جمعه که پس از فراهم شدن شرائط خاصی، واجب می گردد.

نمازهای نافله نیز دو دسته اند:

۱. نمازهای نافله ای که بدون جماعت خوانده می شوند:

- نمازهای رواتب روزانه [نافله هایی که تابعه نمازهای واجبه باشند]؛

- نمازهای غیر رواتب [نافله هایی که تابعه نمازهای واجبه نمی باشند].

۲. نمازهایی که با جماعت خواندن آنها مسنون است:

-نماز عیدین؛

-نماز تراویح؛-نماز کسوف؛-نماز خسوف؛-نماز استسقاء.

نمودار ۱: اقسام نمازهای واجبه

ص: ۹۹

۱- (۱). ر.ک. به نمودار ۱ و ۲.

۱. «صلاه»-نماز-در لغت به معنی دعا و در اصطلاح اقوال و افعال مخصوصی است که با تکبیر آغاز و با سلام دادن به پایان می رسد.

۲. برخی از اسرار و حکمت های نماز: توجه انسان به بندگی و عبودیت خویش، تقویت ایمان نسبت به بخشندگی و بخشاینده گی خداوند، برگشت از گناه و غفلت به سوی پاکی و آرامش روحی.

۳. نماز، به دو قسم کلی تقسیم می شود: نمازهای واجبه و نمازهای نافله.

۴. نمازهای واجبه دو دسته اند: نمازهای یومیه و مشروط.

۵. نمازهای نافله نیز دو قسم هستند: نمازهای نافله ای که بدون جماعت خوانده می شوند (مورد) و نمازهای نافله ای که با جماعت خواندن آنها مسنون است (۶مورد).

پرسش ها

۱. «صلاه» در لغت به چه معناست؟

۲. معنی اصطلاحی «صلاه» را بازگو نمایید.

۳. یکی از حکمت ها و اسرار نماز را توضیح دهید.

۴. نماز به چند قسم کلی تقسیم می شود؟ نام ببرید.

۵. تفاوت نمازهای واجبه با نمازهای نافله در چیست؟

۶. مراد نمازهای یومیه چیست؟

۷. نماز واجبه مشروط کدام است؟

۸. اقسام نمازهای نافله را نام ببرید.

۹. موارد نمازهای نافله ای که با جماعت خواندن آنها مسنون است، نام ببرید.

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: زُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَشْتَيْقِظَ، وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَغِقَلَ. (سنن ابو داود/ ۴۴۰۳ و...)

برای سه شخص گناهی نوشته نشود: برای کودک تا زمانی که به بلاغت برسد، برای شخص خواب تا زمانی که بیدار شود و برای دیوانه تا زمانی که عاقل گردد.

نماز برای چه کسانی واجب است؟

۱. بر هر مرد و زن مسلمان که بالغ، عاقل و طاهر باشد، نماز خواندن واجب است.

۲. اگرچه در دنیا مطالبه نماز نسبت به کافر واجب نیست، ولی در آخرت وجوب عقاب دارد؛ چرا که او می تواند با اسلام آوردن، آن را انجام دهد. و چون انجام نداده، مورد عقاب و عذاب قرار گیرد. (۱)

۱. نماز برای کودک واجب نباشد، چرا که به سن تکلیف نرسیده است؛

۲. نماز برای دیوانه نیز واجب نیست، چونکه ادراک و عقل ندارد؛

۳. نماز برای زن حائض و یا نفساء نیز واجب نیست، زیرا حدث [حیض و نفاس] مانع صحت نماز باشد.

ص: ۱۰۲

وقت نمازهای یومیه

نمازهای پنجگانه صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء را که اصطلاحاً «نمازهای یومیه» می‌گویند، در طول شبانه روز و در وقت‌های معین خوانده می‌شوند. وقت هر یک از نمازهای یومیه در نقطه‌ای شروع می‌شود و در نقطه دیگری به پایان می‌رسد.

وقت نماز صبح

وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید است.

- نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر کاذب» گویند و هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر صادق» طلوع کند و ابتدای وقت نماز صبح باشد.

وقت نماز ظهر

وقت نماز ظهر از زوال خورشید تا رسیدن سایه هر شیئی به اندازه خویش باشد.

- اگر چیزی را قبل از ظهر زیر نور خورشید عمودی بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «زوال خورشید» شروع شده و ابتدای وقت نماز ظهر است.

وقت نماز عصر

وقت نماز عصر از پایان یافتن وقت نماز ظهر تا غروب خورشید باشد.

وقت نماز مغرب

وقت نماز مغرب از غروب خورشید تا غایب شدن شفق احمر باشد.

- «شفق احمر» بقایا و پایان روشنایی خورشید است که به رنگ سُرخ در افق غربی هنگام غروب خورشید نمایان می‌شود و تدریجاً با فرا رسیدن تاریکی شب از بین می‌رود.

وقت نماز عشاء

وقت نماز عشاء با انتهای وقت نماز مغرب آغاز شده و تا طلوع فجر صادق ادامه دارد.

برخی احکام وقت نماز

۱. نماز را قبل از وقت خواندن صحیح نیست و تأخیر آن تا زمانی که وقت نماز بگذرد، جایز نیست.
۲. مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد، بهتر است؛

وقت های مکروهه

در برخی وقت ها، نماز خواندن مکروه و ناپسند می باشد که از جمله:

- بعد از خواندن فریضه نماز صبح تا بلند شدن خورشید به مقدار تقریبی یک نيزه؛
- هنگام استواء و مستقیم شدن تابش نور خورشید لحظاتی قبل از زوال، مگر در روز جمعه؛
- بعد از خواندن نماز عصر تا غروب خورشید.

اداء، قضاء و اعاده

۱. اگر نماز در وقت خودش خوانده شود، در اصطلاح فقهی گویند: «نماز» اداء شده است»؛
۲. اگر نماز بعد از وقت خوانده شود، در اصطلاح فقهی گویند: «نماز» قضاء شده است»؛
۳. اگر کسی نمازش را خوانده باشد و بعد از خواندن نماز بر نقصی و یا خللی در آداب و مکملات نماز متوجه شود و آن نماز را از نو بخواند، در اصطلاح فقهی گویند: «نماز را» اعاده» نموده است»؛

۴. اعاده نمودن نماز به خاطر نقص و یا خلل، مستحب است. مثلاً، کسی که نماز ظهر را در حال انفرادی خوانده باشد و سپس جماعتی برگزار شود، مستحب است که همراه جماعت نماز ظهر خویش را اعاده کند که در این صورت نماز اولش فرض و نماز دومش نفل محسوب می شود.

ص: ۱۰۵

۱. نمازهای یومیه در طول شبانه روز و در وقت های معین خوانده می شوند.
۲. وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید است.
۳. وقت نماز ظهر از زوال خورشید تا رسیدن سایه هر شیئی به اندازه خویش باشد.
۴. وقت نماز عصر از پایان یافتن وقت نماز ظهر تا غروب خورشید باشد.
۵. وقت نماز مغرب از غروب خورشید تا غایب شدن شفق احمر باشد.
۶. وقت نماز عشاء با انتهای وقت نماز مغرب آغاز شده و تا طلوع فجر صادق ادامه دارد.
۷. اوقات مکروهه برای نماز خواندن: ۱. بعد از خواندن فریضه نماز صبح تا بلند شدن خورشید به مقدار تقریبی یک نیزه؛ ۲. هنگام استواء و مستقیم شدن تابش نور خورشید لحظاتی قبل از زوال؛ ۳. بعد از خواندن نماز عصر تا غروب خورشید.
۸. نماز اداء، نمازی است که در وقت خودش خوانده شود و نماز قضاء نمازی است که پس از سپری شدن وقت آن بجا آورده شود.
۹. اگر کسی نمازش را خوانده باشد و بعد از خواندن نماز بر نقصی و یا خللی در آداب و مکملات نماز متوجه شود و آن نماز را از نو بخواند، در اصطلاح فقهی گویند: «نماز را» اعاده» نموده است؛ و اعاده نمودن نماز به خاطر نقص و یا خلل، مستحب است.
۱۰. بر هر مرد و زن مسلمان که بالغ، عاقل و طاهر باشد، نماز خواندن واجب است.

۱. نمازهای یومیه را نام ببرید.
۲. وقت نماز صبح و نماز ظهر را توضیح دهید.
۳. نماز عصر را از چه زمان تا چه زمانی می‌توان اداء نمود؟
۴. مراد از شفق احمر چیست؟ این واژه به وقت کدام نماز ارتباط دارد؟
۵. با توجه به تاریخ روز، شروع و پایان وقت نماز عشاء را مشخص کنید.
۶. اوقات مکروهه برای نماز خواندن کدام است؟
۷. تفاوت نماز اداء با نماز قضاء در چیست؟
۸. معنای عبارت «نماز را» (اعاده) نموده است؟ چیست؟ توضیح دهید.
۹. به چه کسانی نماز خواندن واجب است؟
۱۰. چه کسانی از نماز خواندن معاف هستند و نماز برای آنان واجب نیست؟
۱۱. آیا نماز خواندن بر کافر واجب است؟ توضیح دهید.

قال الله تعالى:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... (سوره اعراف، آیه ۳۱).

ای فرزندان آدم! در هر مسجدی زینت خود را با خود بگیرید [بهترین جامه های خود را بر تن کنید]...

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است. اکنون به بیان حکم پوشش و مقدار آن و برخی احکام لباس نماز گزار می پردازیم.

حکم پوشش و مقدار آن

۱. پوشیدن عورت در نماز که اصطلاحاً به آن «ستر عورت» گویند

، برای هر نماز گزاری واجب است.

۲. مقدار پوشش در نماز:

– مرد باید در حال نماز – اگرچه او را کسی نمی بیند – از ناف تا زانو را بپوشاند و از آن بهتر این است که لباس کامل که در برابر افراد محترم در تن می کند، به تن داشته باشد؛

– زن باید در موقع نماز، تمام بدن (حتی سر و موی) خود را بپوشاند – حتی اگر کسی او را نبیند – ولی پوشاندن صورت، دست ها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست.

۳. شرائط لباس نمازگزار:

۱. پاک باشد؛

۲. از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛

۳. طلاافت نباشد؛

۴. از ابریشم خالص نباشد؛

۵. ضخامت مناسبی داشته باشد؛ یعنی اگر لباس به حدی نازک و لطیف باشد که رنگ پوست و بدن نمازگزار از زیر آن مشخص شود، نماز با آن لباس جایز نباشد.

توجه: شرط سوم و چهارم به لباس مردان اختصاص دارد.

برخی احکام لباس نمازگزار

۱. اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد و امیدوار است که تا قبل از پایان وقت نماز، لباسی پیدا خواهد کرد، بر او واجب است که نماز خود را تا پایان وقت به تأخیر اندازد.

۲. اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد، به صورت عریان نماز می خواند و نمازش صحیح است.

۳. اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد به جز لباسی که از نجس العینی تهیه شده و یا به نجاست غیر قابل گذشت متنجس شده، در این صورت نیز عریان نماز می خواند و نمازش صحیح است.

۴. نمازگزار مرد در صورت نیاز می تواند با لباس ابریشم خالص و یا طلاافت نمازش را بخواند.

چکیده مطالب

۱. پوشیدن عورت در نماز برای هر نمازگزاری واجب است.

۲. مرد باید در حال نماز از ناف تا زانو را بپوشاند.

۳. زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، ولی پوشاندن صورت، دست‌ها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست.

۴. شرایط لباس نمازگزار: پاک باشد؛ از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛ طلا بافت نباشد [برای مردان]؛ از ابریشم خالص نباشد [برای مردان]؛ ضخامت مناسب داشته باشد.

۵. اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد:

- اگر امیدوار است که تا قبل از پایان وقت نماز لباسی پیدا خواهد کرد، بر او واجب است که نماز خود را تا پایان وقت به تأخیر اندازد؛

- به صورت عریان نماز می‌خواند و نمازش صحیح است؛

- با لباسی که از نجس العینی تهیه و یا متنجس به نجاست غیر قابل گذشت نمی‌تواند نماز بخواند، بلکه به صورت عریان نماز می‌خواند و نمازش صحیح است.

پرسش‌ها

۱. حکم ستر عورت در نماز چیست؟

۲. مقدار پوشش مرد در نماز چگونه است؟

۳. وظیفه زن نسبت به پوشیدن لباس در نماز چیست؟

۴. آیا ستر عورت برای نماز در جایی که کسی او را نمی‌بیند، واجب است؟

۵. شرایط لباس نمازگزار را بیان کنید.

۶. اگر کسی در پایان وقت نماز لباس نداشته باشد، وظیفه اش چیست؟

۷. در ضرورت آیا می‌توان از لباسی که از حیوان نجس العینی تهیه شده است، در نماز استفاده کرد؟

اشاره

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ... (سوره بقره، آیه ۱۴۴).

نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید!...

قبله

۱. مراد از «قبله» خانه کعبه است که در مکه معظمه قرار دارد.

۲. واجب است که در نماز صورت، سینه، جلوی شکم و جلوی پاها رو به قبله باشد.

۳. شرائط رو به قبله بودن در نماز عبارت است از:

- برخورداری از توانایی و قدرت رو به قبله نمودن؛

- برخورداری از امنیت.

۴. کسی که به خاطر مریضی و یا علت دیگری توانایی رو به قبله نمودن ندارد و شخص دیگری که او را به سمت قبله برگرداند، وجود نداشته باشد، از او این واجب [رو به قبله نمودن] ساقط می شود و به سمتی که توانایی استقبال آن را دارد، نمازش را می خواند.

۵. کسی که از تهاجم دشمنی و یا خطر حیوان درنده ای بیم دارد و در امنیت نیست، به هر جهتی که توانایی استقبال آن را دارد، نمازش را می خواند.

۶. مواردی که مراعات قبله در آن واجب است:

-در نمازهای واجب؛

-در حال احتضار(جان دادن)؛

-در حال نماز بر میت؛

-در حال دفن میت؛

-در حال ذبح و نحر حیوانات.

۷. مواردی که رو به قبله بودن حرام است:

-در حال تخلی(بول و غائط کردن).

مکان نماز گزار

در مورد مکان نماز گزار به موارد زیر توجه نمودن لازم است:

-مکان نماز واجب بی حرکت باشد و امکان قیام نمودن در آن باشد(به جز کشتی در روی آب و وسایل نقلیه مشابه که امکان توقف نمودن آن نباشد)؛

-جایی نباشد که اطمینان دارد نمی تواند نماز را در آنجا تمام کند؛ مثل نماز خواندن در جایی که به سبب باد و باران و زیادی جمعیت و... اطمینان دارد که نمی تواند نماز را تمام کند؛

-جایی نباشد که توقف در آن حرام است؛ مثلاً جایی که خطر خراب شدن سقف و یا ریزش کوه و آمدن سیلاب یا تصادف مخصوصاً در شب و... دارد؛

-جایی نباشد که نتواند در آنجا واجبات را انجام دهد؛ بنابر این در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند بایستد یا جای رکوع و سجود ندارد، نماز باطل است؛

-مکان نماز گزار به کلی پاک باشد؛

-در حالی که مردان و زنان در یک محل نماز می خوانند، مکان نماز مرد بر مکان نماز زن مقدم باشد

۱. واجب است که در نماز صورت، سینه، جلوی شکم و جلوی پاها رو به قبله باشد.
۲. شرائط رو به قبله بودن در نماز: برخورداری از توانای و قدرت رو به قبله نمودن و برخورداری از امنیت.
۳. در پنج مورد مراعات قبله واجب بوده و در یک مورد استقبال قبله حرام است.
۴. مکان نماز گزار باید بی حرکت، مطمئن از انجام نماز، امن و پاک از نجاست باشد.

پرسش ها

۱. مراد از قبله چیست؟
۲. حکم استقبال قبله چیست؟
۳. شرائط رو به قبله بودن را بیان کنید.
۴. مواردی را که استقبال قبله در آن واجب است، برشمارید.
۵. در چه موردی استقبال قبله حرام است؟
۶. در مورد شرایط مکان نماز گزار توضیح دهید.
۷. نمازی که در مکان نامناسب با سقف پایین و عدم امکان قیام و رکوع و سجود خوانده شود، حکمش چیست؟

اشاره

رسول الله: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ لَا يُؤَدُّنَّ وَلَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ» (صحيح ابن حبان؛ ح: ۲۱۲۶)

هر گروه سه نفره ای که در میان آنان اذان داده نشود و نماز در بین آنان برپا نباشد، در حقیقت شیطان بر آنان مسلط شده است.

احکام اذان

۱. «اذان» ذکر مخصوصی است که برای اعلام فرا رسیدن وقت نمازهای واجب قرار داده شده است.

۲. اذان هم برای ادای نمازهای واجب و هم برای قضای نمازهای واجب گفته می شود.

۳. حکم اذان:

- برای منفرد، سنت عینی است؛

- برای جماعت، سنت کفائی است.

۴. شرایط اذان و مؤذن:

- اسلام؛

- تمیز؛ - مرد بودن مؤذن؛ - فرا رسیدن وقت نماز؛

ص: ۱۱۴

-مراعات ترتیب بین الفاظ اذان؛

-پی در پی گفتن کلمات اذان؛-با صدای بلند گفتن اذان؛-به زبان عربی ادا کردن اذان.۴.اذان ۱۵ جمله است به این ترتیب:

۱.الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۲.الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۳.الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۴.الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۵.أشهد أن لا إله إلا الله گواهی می دهم که به جز الله خدایی برحق نیست.

۶.أشهد أن لا إله إلا الله گواهی می دهم که به جز الله خدایی برحق نیست.

۷.أشهد أن محمداً رسول الله گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.

۸.أشهد أن محمداً رسول الله گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.

۹.حی علی الصلاة به نماز بیاید!

۱۰.حی علی الصلاة به نماز بیاید!

۱۱.حی علی الفلاح به رستگاری بیاید!

۱۲.حی علی الفلاح به رستگاری بیاید!

۱۳.الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۱۴.الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۱۵.لا إله إلا الله به جز الله خدای برحق وجود ندارد.

۵.سنت های اذان:-رو به قبله ایستادن مؤذن؛

-عادل بودن مؤذن؛

-خوشصدا بودن مؤذن؛

-تثویب گفتن، یعنی در اذان نماز صبح بعد از «حی علی الفلاح» دوم، جمله «الصلاه خیر من النوم» را دو بار تکرار نمودن؛

-با ترتیل خواندن اذان.

۶. باطل کننده های اذان:

-ارتداد؛

-مستی؛-بی هوشی؛-دیوانگی؛-سخن گفتن؛-سکوت طولانی؛-ترک کلمه ای از کلمات اذان؛-اخلال شرطی از شرائط اذان.

احکام اقامه

۱. «اقامه» ذکر مخصوصی است که برای برانگیختن حاضرین برای نماز، قرار داده شده است.

۲. شرائط مؤذن در اقامه:

۳. اقامه ۱۱ جمله است بدین ترتیب:

۱. الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۲. الله أكبر خداوند بزرگ تر است.

۳. أشهد أن لا إله إلا الله گواهی می دهم که به جز الله خدایی برحق نیست.

۴. أشهد أن محمداً رسول الله گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.

۵. حی علی الصلاه به نماز بیایید!

ص: ۱۱۶

۶. حی علی الفلاح به رستگاری بیایید!

۷. قد قامت الصلاه نماز برپا شد.

۸. قد قامت الصلاه نماز برپا شد.

۹. الله اکبر خداوند بزرگ تر است.

۱۰. الله اکبر خداوند بزرگ تر است.

۱۱. لا إله إلا الله به جز الله خدای برحقى وجود ندارد.

ص: ۱۱۷

چکیده مطالب

۱. «اذان» ذکر مخصوصی است که هم برای ادای نمازهای واجب و هم برای قضای نمازهای واجب گفته می شود.
۲. حکم اذان، سنت است.
۳. اذان دارای شرائط هشتگانه است.
۴. اذان ۱۵ جمله است.
۵. اذان دارای سنت های زیادی است که از جمله به پنج مورد آن اشاره شده است.
۶. هشت مورد به عنوان باطل کننده اذان یاد می شوند.
۷. اقامه ذکر مخصوصی و مرکب از ۱۱ جمله است که برای برانگیختن حاضرین برای نماز، قرار داده شده است.

پرسش ها

۱. چرا اذان برای نمازهای واجبه قرار داده شده است؟
۲. حکم اذان را به تفصیل بیان کنید.
۳. اذان را با ترتیل از حفظ بخوانید.
۴. کلمات اذان را با کمک استاد به فارسی ترجمه نمائید.
۵. سنت های اذان را نام ببرید.
۶. باطل کننده های اذان را نام ببرید.
۷. اذان با اقامه چه تفاوتی دارد.

اشاره

رسول الله صلى الله عليه وآله: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ وَ تَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ. (سنن ابوداود؛ ح: ۵۶)

طهارت، کلید نماز، تکبیر [الله اکبر گفتن]، تحریمه آن و سلام دادن، تحلیل و بیرون آمدن از نماز است.

احکام واجبات نماز

اشاره

۱. شرائط وجوب نماز عبارتند از:

-اسلام؛

-بلوغ؛

-عقل؛

-پاکی از حیض و نفاس؛

-سلامتی حواس شنوایی و بینایی به هنگام بلوغ؛

-رسیدن دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۲. موارد زیر را از شرائط صحت نماز دانسته اند:

-اسلام؛

-پاکی از حدث اصغر و اکبر؛

ص: ۱۱۹

-ستر عورت؛

-تمییز؛

-پاکی از نجاست غیر قابل گذشت؛

-رو به قبله ایستادن؛

-تشخیص فرض ها از سنت ها؛

-آگاهی از فرا رسیدن وقت؛

-ترک همه باطل کننده های نماز؛

۳. نماز، با گفتن «الله اکبر» شروع می شود و با سلام به پایان می رسد.

۴. آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است یا سنت.

۵. واجبات نماز - که به آن ارکان هم گویند - سیزده چیز است:

-نیت

-سجود

-قیام

-نشستن بین دو سجده

-تکبیره الاحرام

-نشستن پایانی (قعه آخر)

-خواندن سوره حمد

-تشهد

-رکوع

-صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر

-اعتدال بعد از رکوع

-سلام دادن

-مراعات ترتیب ارکان

ص: ۱۲۰

۱. نماز گزار از آغاز تا پایان نماز باید بداند چه نمازی می خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند بجا آورد.

۲. به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی نسبت دادن نماز گزاری برای خداوند، نیت استقبال قبله و تعداد رکعت ها و نیت ادا و یا قضا بودن، مستحب است.

۳. نیت سه شرط دارد:

- عزم انجام کار؛ پس اگر کسی بعد از نیت نمودن بگوید: «إن شاء الله»، نمازش درست نیست.

- انجام ندادن کار مخالف نیت؛ همچون نیت خروج از نماز.

- همزمانی با گفتن تکبیره الاحرام.

قیام

۱. قیام- یعنی ایستاده بودن- برای کسی که توانایی ایستادن دارد، اگرچه به جایی و یا به کسی تکیه کند، واجب است.

۲. اگر کسی نتواند ایستاده نماز بخواند، به هر صورتی که می تواند، نشسته نماز بگذارد؛ همچنین اگر نتوانست بنشیند، خوابیده بر پهلو و یا پشت نماز بخواند.

تکبیره الاحرام

نماز با گفتن «الله اکبر» آغاز می شود و به آن «تکبیره الاحرام» می گویند، زیرا با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بود، بر نماز گزار حرام می شود؛ مانند خوردن، آشامیدن، خندیدن، گریستن و...

برخی از احکام تکبیره الاحرام:

۱. به عربی صحیح گفته شود؛

۲. طوری بگوید که در صورت سالم بودن حس شنوایی و نبودن مانع، همه حروف آن را بشنود (یعنی آهسته نگوید)

۱. رکن چهارم، خواندن سوره حمد در همه رکعت هاست و «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره حمد است.
۲. خواندن سوره فاتحه بر امام، منفرد و مأمومی که نماز را با امام شروع کرده باشد، واجب است.
۳. اگر مأموم زمانی به امام برسد که فرصت خواندن همه و یا جزئی از سوره حمد را نداشته باشد، از عهده او ساقط می شود.
۴. اگر شخصی از خواندن فاتحه ناتوان باشد، به جای آن هفت آیه از قرآن را که حروفش از فاتحه کمتر نباشد، بخواند.
۵. برخی سنت های خواندن سوره فاتحه در نماز:
 - در هر آیه وقف کردن؛
 - منفرد در نمازهای جهری با صدای بلند و در نمازهای سرّی با صدای آهسته بخواند؛
 - فاصله انداختن بین آخر سوره حمد و بین «آمین» گفتن؛
 - ۶. پس از خواندن سوره فاتحه، سنت است که چند آیه ای از قرآن در دو رکعت اول نمازهای فرض بخواند.

۱. نماز با تکمیل شرائط شش گانه واجب می شود.
۲. صحت و درستی نماز بسته به شرائط نه گانه است.
۳. واجبات و یا ارکان نماز سیزده مورد است.
۴. نیت نماز از اول تا پایان نماز حفظ شود و به زبان آوردن آن لازم نیست.
۵. قیام برای کسی که توانایی دارد، واجب است.
۶. تکبیره الاحرام لفظ «الله اکبر» بوده و به عربی صحیح و نسبتاً با صدای بلند گفته می شود.
۷. خواندن سوره حمد واجب بوده و بسم الله نیز از جمله سوره حمد است.
۸. خواندن سوره فاتحه بر امام، منفرد و مأومی که نماز را با امام شروع کرده باشد، واجب است.
۹. پس از خواندن سوره فاتحه، سنت است که چند آیه ای از قرآن در دو رکعت اول نمازهای فرض بخواند.

۱. شرائط وجوب نماز را نام ببرید.
۲. شرائط صحت نماز را نام ببرید.
۳. اگر کسی از فرا رسیدن وقت نماز صبح آگاه نباشد و نمازش را بخواند آیا نمازش صحیح است؟
۴. ارکان نماز را نام ببرید.
۵. مراد از نیت در نماز، چیست؟
۶. شرائط نیت را بیان کنید.
۷. اگر کسی نتواند ایستاده نماز بخواند، تکلیفش چیست؟
۸. تکبیره الاحرام چیست؟
۹. خواندن سوره حمد در نماز چه حکمی دارد؟
۱۰. آیا سوره حمد را در نماز جماعت فقط امام می‌خواند؟ توضیح دهید.

اشاره

رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى صَلَاةِ رَجُلٍ لَا يَقِيمُ صَلْبَهُ بَيْنَ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ. (مسند احمد بن حنبل؛ ح: ۱۰۵۸۳)

خداوند به نماز انسانی که بین رکوع و سجودش کاملاً راست نشود و آرام نگیرد، نظر نکند.

رکوع

۱. «رکوع» عبارت است از خم شدن در نماز از روی خضوع به اندازه ای که بتوان دست ها را بر زانو گذاشت.
۲. در هر رکعت از نماز، بعد از قرائت یک رکوع واجب است.
۳. آنچه در رکوع معتبر است:

- خم شدن به قصد رکوع؛ بنا بر این اگر بدون قصد رکوع مثلاً برای سجده تلاوت و یا برای کشتن جانوری خم شود باید بایستد و به قصد رکوع بار دیگر خم شود.

- خم شدن به طور معمول؛ بنا بر این اگر رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد، مثلاً به چپ و راست خم شود، صحیح نیست.

- خم شدن به مقداری که دست ها به زانو برسد.

-آرامش بدن در حال رکوع.

-ایستادن بعد از رکوع.

-آرامش بدن بعد از رکوع.

۴. مواردی که در رکوع مستحب است:

-تکبیر گفتن در حال خم شدن؛

-آشکارا گفتن تکبیر رکوع برای امام و مبلغ؛

-«رفع یدین» یعنی بلند کردن دو دست تا شانه؛

-تسبیح گفتن که حد اقلش «سبحان ربی العظیم» است.

-گفتن «سمع الله لمن حمده» برای امام و منفرد و «ربنا و لك الحمد» برای مأوم هنگام راست شدن از رکوع.

سجود

۱. «سجده» یعنی پیشانی را از روی خضوع بر زمین نهادن.

۲. آنچه در سجده معتبر است:

-جز سجده، قصد دیگری نداشته باشد؛

-گذاستن هفت عضو از بدن بر زمین؛

-آرامش بدن در حال سجده؛

-سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛

-مانعی در بین پیشانی و محل سجده نباشد؛

-پیشانی خود را بر لباس یا چیز دیگری که با او حرکت می کند، نگذارد؛ یعنی سجده گاه نباید متحرک باشد.

-هفت موضعی که باید بر زمین قرار گیرد:

-پیشانی؛

- کف دست راست؛

ص: ۱۲۶

- کف دست چپ؛

- سر زانوی راست؛

- سر زانوی چپ؛

- سرانگشت پای راست؛

- سرانگشت پای چپ.

۳. اگر شخصی بر پیشانی خود پیشانی بند داشته باشد، سجده بر آن کفایت نمی کند و باید آن را بردارد، مگر این که برداشتنش ضرر داشته باشد.

۴. برخی از مستحبات سجده:

- تکبیر گفتن همزمان با رفتن به سجده؛

- به ترتیب بر زمین گذاستن اعضاء: ابتدا دو زانو، سپس دستان، سپس پیشانی بر زمین نهد؛

- گذاستن دو دستان در سجده گاه در مقابل بازوان؛

- از هم جدا ساختن دو زانو به اندازه یک وجب؛

- تسبیح گفتن که حد اقلش «سبحان ربی الاعلی» است؛

- تکبیر گفتن هنگام بلند شدن از سجده دوم؛

- در رکعت اول و نیز در رکعت سوم نمازهای چهار رکعتی بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد. این عمل را «جلسه استراحت» می گویند.

نشستن بین دو سجده

۱. نشستن بین دو سجده واجب است، حتی اگر نماز سنت باشد.

۲. کمترین میزان نشستن بین دو سجده آنچنان است که معتدل بنشیند.

۳. برای صحیح نشستن در بین دو سجده، سه شرط زیر لازم است:

- به قصد نشستن سرش را از سجده بلند کند؛

-تنها به قصد نشستن بنشیند؛

ص: ۱۲۷

-طولانی نکند، اگر عمداً و با آگاهی آن را طولانی کند، نمازش باطل می شود.

۴. برخی از سنت های نشستن بین دو سجده:

-«الله اکبر» گفتن به هنگام بلند کردن سر از سجده؛

-نشستن به صورت افتراش؛ افتراش آن است که بر قوزک پای چپش می نشیند و پشت پای چپ را بر زمین گذاشته و پای راستش را نصب می کند و سر انگشتان پای راستش را رو به قبله قرار می دهد و کف دو دستش را بر ران هایش می گذارد.

-گفتن ذکر، همچون: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ».

ص: ۱۲۸

۱. «رکوع» عبارت است از خم شدن در نماز از روی خضوع به اندازه ای که بتوان دست ها را بر زانو گذاشت.
۲. شرایط رکوع: خم شدن به قصد رکوع؛ خم شدن به طور معمول؛ خم شدن به مقداری که دست ها به زانو برسد؛ آرامش بدن در حال رکوع؛ ایستادن و آرامش بدن بعد از رکوع.
۳. «سجده» یعنی پیشانی را از روی خضوع بر زمین نهادن.
۴. شرایط سجده: جز سجده، قصد دیگری نداشته باشد؛ گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین؛ آرامش بدن در حال سجده؛ سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛ مانعی در بین پیشانی و محل سجده نباشد؛ سجده گاه نباید متحرک باشد.
۵. شرایط صحیح نشستن در بین دو سجده: به قصد نشستن سرش را از سجده بلند کند؛ تنها به قصد نشستن بنشیند؛ طولانی نکند.

پرسش ها

۱. رکوع را تعریف کنید.
۲. برخی از شرایط رکوع را بیان کنید.
۳. برخی از مستحبات رکوع را نام ببرید.
۴. حکم سجده در نماز چیست؟
۵. در سجده چند عضو باید شرکت کند؟
۶. شرایط سجده را نام ببرید.
۷. تسبیح رکوع با تسبیح سجده چه تفاوتی دارد؟
۸. حکم نشستن بین دو سجده در نماز تراویح چیست؟
۹. شرایط نشستن بین دو سجده را بیان کنید.

اشاره

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ رَبِّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ يَدْعُو بَعْدَ بِمَا شَاءَ. (مستدرک حاکم؛ ح: ۹۲۶)

هنگامی که کسی از شما نماز بخواند، با حمد و ثنای پروردگارش شروع کند؛ سپس بر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله درود فرستد و پس از آن هر نیازی که دارد، [از خدا] درخواست نماید.

نشستن پایانی (قعه آخر)

۱. پس از انجام سجده دوم رکعت آخر نشستن واجب است.

۲. تورک در نشستن پایانی مستحب است؛ تورک همانند افتراش است با این تفاوت که پای چپش را از زیر پای راست بیرون می کند و باسن خویش را به زمین می چسباند.

تشهد

۱. در نشست پایانی خواندن تشهد واجب است؛

۲. کمترین مقدار تشهد چنین است: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

۳. شرایط صحت تشهد عبارت است از:

-موالات و پشت سر هم خواندن آن؛

-خواندن در حالت نشسته؛

-مراعات حروف و کلمات و تشدیدها؛

-به عربی خواندن؛

-به نحوی بخواند که خود بشنود؛

-هیچ لفظی از آن را به لفظ دیگری تبدیل نکند.

۴. برخی از مستحبات تشهد اخیر:

-تورک؛

-اشاره سبابه؛ یعنی انگشتان دست راستش را غیر از سبابه ببندد و بدون حرکت دادن انگشت سبابه به هنگام گفتن «إِلَّا اللَّهُ» آن را بلند کند.

صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر

۱. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر واجب است.

۲. کمترین مقدار صلوات عبارت است از: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ»، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ» و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَسُولِهِ». و کامل ترین آنف صلوات ابراهیمی است که بدین صورت می باشد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

۳. برخی از مستحبات صلوات فرستادن:

-تورک (همان گونه که در تشهد گذشت)؛

-خواندن دعا بعد از صلوات و قبل از سلام، همچون: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ فَتْنَةِ الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ وَ مِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

۴. برخی از شرایط صلوات فرستادن چنین است:

—خودش بشنود؛

ص: ۱۳۱

- با لفظ «محمد»، «النبی» و یا «رسوله» باشد؛ اگر بلفظ دیگر همچون «احمد» باشد، درست نیست؛

- به زبان عربی باشد؛

- بین تشهد و صلوات ترتیب مراعات شود.

سلام دادن

۱. سلام دادن نخستین بعد از صلوات فرستادن، واجب است.

۲. کمترین مقدار سلام: «السلام علیکم» و یک بار گفتن به سمت راست خویش است.

۳. کامل ترین شکل سلام دو بار گفتن: «السلام علیکم و رحمه الله» به دو سمت راست و چپ خود است.

۴. شرایط سلام نخستین به شرح زیر است:

- با «ال» باشد؛

- با کاف خطاب باشد؛

- با میم جمع باشد؛

- پشت سر هم آوردن کلمات سلام؛

- چیزی بر آن نیفزاید که معنایش تغییر کند؛

- چیزی از آن کاسته نشود که معنایش را تغییر دهد؛

- به عربی باشد؛

- خودش بشنود؛

- در حال نشسته باشد؛

- قصد اعلام سلام نداشته باشد؛

- رو به قبله باشد.

۱. رعایت ترتیب بین ارکان در بالا ذکر شده نیز واجب است.

۲. اگر رکن فعلی و یا قولی ای را قبل از رکن دیگری عمداً انجام دهد، نمازش باطل است.

۳. اگر مأموم به یاد آورد که رکنی را ترک کرده است، بدان باز نمی‌گردد، بلکه نظم نماز امام را رعایت می‌کند و پس از سلام دادن امام یک رکعت بجا می‌آورد.

۴. اگر رکن قولی (غیر از سلام اولی) را تقدیم دارد، مانند اینکه صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تشهد مقدم دارد یا اینکه رکنی فعلی را تقدیم دارد همچون موردی که تشهد را بر نشستن اخیر مقدم دارد، نمازش باطل نمی‌شود؛ اما آنچه آنچه را که قبلاً انجام داده است، به حساب آورده نمی‌شود، بلکه باید از ابتدا آن را انجام دهد.

۱. پس از انجام سجده دوم رکعت آخر نشستن واجب است و تورک در نشستن پایانی مستحب است.
۲. در نشست پایانی خواندن تشهد واجب است و شرایط آن عبارت است از: موالات و پشت سر هم خواندن؛ خواندن در حالت نشسته؛ مراعات حروف و کلمات و تشدیدها؛ به عربی خواندن؛ به نحوی بخواند که خود بشنود؛ هیچ لفظی از آن را به لفظ دیگری تبدیل نکند.
۳. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر واجب است.
۴. شرایط صلوات فرستادن: خودش بشنود؛ با لفظ «محمد»، «النبی» و یا «رسوله» باشد؛ به زبان عربی باشد؛ بین تشهد و صلوات ترتیب مراعات شود.
۵. سلام دادن نخستین بعد از صلوات فرستادن، واجب است.
۶. رعایت ترتیب بین ارکان نماز واجب است.

پرسش‌ها

۱. نشستن آخر چه زمانی واجب می شود؟
۲. تورک چیست؟ آن را توضیح دهید.
۳. حکم تشهد و شرایط آن را بیان کنید.
۴. تشهد را از حفظ بخوانید.
۵. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز چه حکمی دارد؟
۶. صلوات ابراهیمی را از حفظ بخوانید.
۷. اگر کسی در صلوات نماز به جای «محمد» لفظ «احمد» را به کار گیرد حکم نمازش چیست؟
۸. شرایط صلوات فرستادن را بیان کنید.

۹. کدام سلام در نماز واجب است؟

۱۰. برخی از شرایط سلام دادن را بیان کنید.

۱۱. مراعات ترتیب ارکان نماز چه حکمی دارد؟

۱۲. مقدم داشتن یک رکن بر رکن دیگر از روی عمد چه آثاری دارد؟

ص: ۱۳۵

رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا يَضِلُّ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ، إِنَّمَّا هُوَ التَّسْبِيحُ وَ التَّكْبِيرُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ
صحیح ابن حبان؛ ح: ۲۲۷۴)

در حقیقت این، نمازی است که در آن چیزی از کلام مردم آوردن صحیح نیست؛ این نماز فقط به پاکی و بزرگی یاد نمودن خداوند و قراءت قرآن است.

احکام مبطلات نماز

هر گاه نماز گزار با تکبیر تحریمه نماز را شروع می کند، تا پایان نماز برخی کارهایی است که اگر یکی از آنها را در اثنای نماز انجام دهد، نمازش باطل می شود و به آنها «مبطلات نماز» گویند که آنها:

۱. از بین رفتن شرطی از شروط نماز، مثل طهارت و ستر عورت و...

۲. ترک نمودن فرضی از فرائض نماز، مثل رکوع و سجود و...

۳. سخن گفتن از روی عمد و قصد؛

۴. خنده با فقهه از روی عمد و قصد؛

۵. گریه کردن با صدا از روی عمد و قصد؛

۱- اگر این سه مورد اخیر را از روی فراموشی انجام دهد و همچنین طول ندهد، نمازش باطل نشود.

- همچنین اگر نداند که در اثنای نماز انجام دادن این سه مورد حرمت دارد و ممنوع است و از روی جهل انجام دهد- و البته طول ندهد- نمازش باطل نشود.

- گریه بدون صدا و گریه از ترس خدا و یا برای آخرت، هر چند با صدا هم باشد، نماز را فاسد نمی کند.

۶. سخن طولانی، قهقهه طولانی و گریه با صدا و طولانی اگر چه از روی فراموشی و جهل انجام بگیرد، نمازش باطل شود؛

۷. تنحیح (۱)، نَفَس عمیق، دمیدن (۲) و اف گفتن و آه تأسف کشیدن اگر از روی عمد انجام بگیرد و بیش از دو حرف ترکیب یافته باشد، نمازش باطل گردد.

۸. جواب عطسه دادن، یعنی برای کسی که عطسه می زند، «یرحمک الله» بگوید؛

۹. خوردن و آشامیدن عمدی؛

۱۰. انجام عملی که از جمله نماز نباشد که این خود بر دو قسم است:

- عملی که از جنس افعال نماز است؛ مثلاً اگر رکوع و سجودی را در غیر موضعش انجام دهد و در این فعل قصد و عمد داشته باشد، نمازش باطل شود. ولی اگر از روی فراموشی انجام دهد، نمازش باطل نشود.

- عملی که از جنس افعال نماز نیست؛ اگر این عمل اندک و قلیل باشد، نمازش باطل نشود، مثل دفع عابر از جلوی نماز، ضربه زدن به مار و عقرب، در آوردن نعلین (۳)، اصلاح رداء و عبا، جواب سلام به اشاره و...

اما اگر این عمل، کثیر باشد، نمازش باطل شود؛ مانند راه رفتن به مقدار چند گام پی در پی و وارد ساختن ضربات متعدد و پی در پی.

۱۱. بیهوشی؛

۱۲. جنون؛

ص: ۱۳۷

۱- (۱). صدا را در سینه غلطانیدن؛ گلو و حلق را تازه کردن.

۲- (۲). نفخ

۳- (۳). کفش، دمپایی، سرپایی.

۱۴. اینکه در اثنای نماز عمداً خود را بی وضو سازد.

بی وضویی در نماز

۱. هر گاه برای نماز گزار در اثنای نماز بی وضویی پیش آید، نمازش باطل نشود، بلکه از نماز بیرون می آید و وضو می گیرد و نماز خود را از همان جایی که ترک کرده بود، ادامه می دهد.

۲. اگر این قضیه با امام جماعت پیش آید، ابتدا امام باید یکی از نماز گزاران را به جای خود بگذارد، تا که او نماز را به اتمام رساند، و سپس می تواند وضو بگیرد و نمازش را ادامه دهد.

مکروهات نماز

چیزهایی که در نماز مکروه است، عبارتند از:

۱. ترک سنتی از سنت های نماز؛

۲. التفات و برگرداندن روی بدون حاجت؛

۳. نگاه کردن به سوی آسمان؛

۴. نظر افکندن به چیزی که موجب جلب توجه و استغال قلب شود؛

۵. دور کردن سنگریزه از موضع سجده؛

۱- اگر بدون دور کردن سنگریزه نتواند سجده تام انجام بدهد، می تواند فقط یک بار سنگریزه را از سجده گاه خود دور سازد و مکروه نباشد.

۶. ثناؤب و خمیازه کشیدن؛

۷. گرفتن تهیگاه و پهلوی خود؛

۸. نگه داشتن و جمع کردن لباس و یا موی سر در دستان خویش.

۱. «مبطلات نماز» عبارتند از: از بین رفتن شرطی از شروط نماز، ترک نمودن فرضی از فرائض نماز، سخن گفتن از روی عمد و قصد؛ خنده با قهقهه از روی عمد و قصد؛ گریه کردن با صدا از روی عمد و قصد؛ سخن طولانی، قهقهه طولانی و گریه با صدا و طولانی؛ تنحیح، نفس عمیق، دمیدن و اف گفتن و آه تأسف کشیدن؛ جواب عطسه دادن، خوردن و آشامیدن عمدی؛ انجام عملی که از جمله نماز نباشد؛ بیهوشی؛ جنون؛ جنابت و اینکه در اثنای نماز عمداً خود را بی وضو سازد.

۲. هر گاه برای نماز گزار در اثنای نماز بی وضویی پیش آید، نمازش باطل نشود، بلکه از نماز بیرون می آید و وضو می گیرد و نماز خود را از همان جایی که ترک کرده بود، ادامه می دهد.

۳. چیزهایی که در نماز مکروه است، عبارتند از: ترک سنتی از سنت های نماز؛ التفات و برگرداندن روی بدون حاجت؛ نگاه کردن به سوی آسمان؛ نظر افکندن به چیزی که موجب جلب توجه و استغال قلب شود؛ دور کردن سنگریزه از موضع سجده؛ تهاؤب و خمیازه کشیدن؛ گرفتن تهیگاه و پهلوی خود؛ ننگه داشتن و جمع کردن لباس و یا موی سر در دستان خویش.

پرسش ها

۱. مراد از مبطل نماز چیست؟

۲. مبطلات نماز را نام ببرید.

۳. اگر در اثنای نماز وضوی نماز گزار باطل شود، آیا نماز او نیز باطل می شود؟ توضیح دهید.

۴. مکروهات نماز را نام ببرید.

اشاره

رسول الله صلى الله عليه و آله: «إِنَّهُ لَيْسَ فِي النَّوْمِ تَفْرِيطٌ إِلَّا تَفْرِيطٌ فِي الْقِيَامَةِ، فَإِذَا نَسِيَ أَحَدٌ صَلَاةً أَمْ نَامَ عَنْهَا فَلْيَصِلْ لَهَا إِذَا ذَكَرَهَا». (صحيح مسلم؛ ح: ۱۱۳۴)

در حقيقت سهل انگاري و سستی در نماز نه در زمان خواب، بلکه در وقت بيداري است؛ بنابر اين، اگر کسی نمازی را فراموش کرد و يا در خواب بود، هر زمان که به يادش آمد آن نماز را بخواند.

قضاى نمازهاى فوت شده

۱. کسی که برای او نماز خواندن واجب باشد، اما او تا پايان وقت، آن نماز را به هر دليلی انجام ندهد، قضاى آن نماز برای او لازم باشد.

۲. مستحب است که قضاى نماز فوت شده را فوراً بجا آورد.

۳. اگر بیش از يك نماز فوت شده باشد، مستحب است که قضاى آن نمازها را به ترتيب بجا آورد.

۴. اگر نمازی را فراموش کند و نداند که چه نمازی را فراموش کرده است، لازم است که پنج نماز [يعنی فجر، ظهر، عصر، مغرب و عشاء] را به نیت قضاى هر کدام، بجا آورد.

۵. اگر نماز مقصوری (ظهر، عصر و عشاء) در سفر فوت شود، و نماز گزار

بخواهد قضای آن را در حَضْر بجا آورد، بنا بر قول اصح باید قضای آن را چهار رکعت بجا آورد.

۱.۶ اگر نماز مقصوری در سفر فوت شود و نماز گزار بخواهد قضای آن را در سفر بجا آورد، بنا بر قول اصح، به صورت قصر (یعنی دو رکعت) بجا می آورد.

۱.۷ اگر نمازی در حَضْر فوت شود، و نماز گزار بخواهد قضای آن را در سفر انجام دهد، برای او قصر خواندن جایز نباشد.

سجده سهو

۱. یکی از سنت هایی که جهت جبران نقصان افعال نماز چه نماز فرض باشد و چه نماز نفل-قرار داده شده است، «سجده سهو» می باشد.

۲. محل سجده سهو، قبل از سلام دادن در پایان نماز است.

۳. سجده سهو را چنین انجام می دهد: در قعه اخیر که تشهد، صلوات و دعا را می خواند، قبل از اینکه سلام بدهد، دو سجده بجا می آورد (مثل دو سجده نماز) و بعد از آن سلام می دهد و از نماز خارج می شود.

۴. اموری که در نماز سجود سهو را اقتضا می کند (۱)، دو چیز است:

-زیاده؛

-نقصان.

۵. امور زیاده در نماز بر دو قسم است:

-امور قولی؛

-امور فعلی.

۶. امور قولی-مثل قراءت در غیر موضع قراءت، سلام دادن در غیر موضع سلام و یا سخن گفتن از روی سهو و استباه-اقتضا می کند که نماز گزار در پایان نماز، سجود سهو بجا آورد.

۷

ص: ۱۴۱

امور فعلی بر دو قسم است:

-افعالی که انجام عمدی آنها نماز را باطل نکند؛

-افعالی که انجام عمدی آنها نماز را باطل کند.

۸.افعالی که انجام عمدی آنها نماز را باطل نکند مانند التفات، حرکت کردن به مقدار یک و یا دو گام-سجود سهو را اقتضا نمی کنند.

۹.افعالی که انجام عمدی آنها موجب بطلان نماز می گردد،خود بر دو قسم است:

-افعال متحقق؛

-افعال متوهم.

۱۰.افعال متحقق آن است که از روی سهو و استباه در نماز رکعتی، رکوعی، سجودی، قیامی و یا قعودی زیاده انجام گیرد، قیام را به نیت قنوت در غیر موضع قنوت طولانی کند، برای تشهّدی در غیر موضع آن بنشیند، در همه این موارد سجود سهو را در پایان نماز بجا آورد.

۱۱.افعال متوهم مثل آن است که در رکعات نماز شک کند که در این صورت بر حد اقل و متیقن بنا می کند و بعد از انجام رکعت مورد شک در پایان نماز سجود سهو را بجا می آورد.

۱۲.اما امور نقصان، عبارت است از ترک نمودن سنت مقصوده که در دو مورد خلاصه شود:

-ترک تشهّد اول، چه از روی عمد و چه از روی استباه؛

-ترک قنوت، چه از روی عمد و چه از روی استباه.

-در هر دوی این موارد در پایان نماز قبل از سلام، سجود سهو را انجام می دهد.

۱۳.اگر سنت غیر مقصوده را ترک نماید-همانند ترک تکبیرات، تسیحات، جهر، اسرار، توڑک و افتراش و...-سجده سهو در کار نباشد.

۱۴.اگر در سهو خویش شک کند:

-اگر این شک او در افعال زیاده باشد، سجده سهو در کار نخواهد بود.

- اگر در مورد نقصان شک کند- مثل اینکه شک دارد تشهّد را ترک کرده یا نه- سجده سهو را انجام می دهد.

۱۵. یک سجده سهو برای جبران دو و یا زیاده از دو سهو نیز کفایت می کند.

۱۶. هر گاه که امام در نماز سهو نمود، سجده سهو را هم امام و هم مقتدی انجام می دهند. اگر امام سجده سهو را انجام نداد، مقتدی انجام می دهد.

۱۷. هر گاه مقتدی در نماز سهو نمود، سجده سهو نه برای او و نه برای امام لازم نباشد.

ص: ۱۴۳

چکیده مطالب

۱. کسی که برای او نماز خواندن واجب باشد، اما او تا پایان وقت، آن نماز را به هر دلیلی انجام ندهد، قضای آن نماز برای او لازم باشد.
۲. اگر نماز مقصوری در سفر فوت شود، قضای آن در حضر چهار رکعت بجا آورده می شود.
۳. اگر نماز مقصوری در سفر فوت شود، قضای آن در سفر دو رکعت بجا آورده می شود.
۴. اگر نمازی در حضر فوت شود، در سفر قضای آن به صورت قصر خواندن جایز نباشد.
۵. سجده سهو برای جبران نقصان نماز، سنت بوده و محل انجام آن، قبل از سلام دادن در پایان نماز است.
۶. اموری که در نماز سجود سهو را اقتضا می کند، مفصل بوده و در نمودار به وضوح ارائه شده است.

پرسش ها

۱. مراد از نماز قضا چیست؟
۲. قضای نماز فوت شده در سفر بعد از بازگشت مسافر، به چه نحوی انجام می شود؟
۳. کسی که نداند قضای چه نمازی را باید بخواند، تکلیفش چیست؟
۴. مراد از سجده سهو چیست؟
۵. سجده سهو را با کمک استاد عملاً انجام دهید.
۶. اموری که سجده سهو را اقتضا می کند، توضیح دهید.

اشاره

رسول الله صلى الله عليه و آله: «إِذَا قَرَأَ ابْنُ آدَمَ السَّجْدَةَ فَسَجَدَ اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ يَبْكِي يَقُولُ: يَا وَيْلَهُ! أُمِرَ ابْنُ آدَمَ بِالسُّجُودِ فَسَجَدَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ أُمِرْتُ بِالسُّجُودِ فَعَصَيْتُ فَلِيَ النَّارُ». (صحيح مسلم؛ ح: ۱۴۰)

هر زمانی که فرزند آدم آیه سجده را قرائت کند و سجده نماید، شیطان از او کناره گیری کند و در حال گریه می گوید: وای بر من! فرزند آدم به سجده نمودن دستور داده شد و او نیز سجده کرد و شایسته بهشت گردید، ولی من مأمور به سجده شدم و سر باز زدم و مستحق جهنم شدم!

سجده تلاوت

۱. سجده تلاوت سنتی است غیر واجبه که پس از خواندن آیه سجده، هم برای قاری (خواننده) و هم برای مستمع (گوش فرا دهنده؛ شنونده با قصد و التفات) سزاوار است که سجده ای را انجام دهند.

۲. سجود تلاوت مجموعاً چهارده سجده است که در سُورِ زیر قرار دارد:

سوره اعراف/۲۰۶؛ سوره رعد/۱۵؛ سوره نحل/۵۰؛ سوره اسراء/۱۰۹؛ سوره مریم/۵۸؛ سوره حج/۱۸؛ سوره حج/۷۷؛ سوره فرقان/۶۰؛ سوره نمل/۲۶؛ سوره سجده/۱۵؛ سوره فصلت/۳۸؛ سوره نجم/۶۲؛ سوره انشقاق/۲۱؛ سوره علق/۱۹.

۳. کیفیت انجام دادن سجده تلاوت به این طریق است که دست های خود را بلند کرده، تکبیر افتتاح بگویند و سپس برای سجده تکبیری دیگر بگویند (بدون اینکه دست ها را بلند کند) و به سجده رود و یک سجده بجا آورد. سپس با تکبیر سرش را از سجده بردارد.

۴. سجده تلاوت بنا بر قول اصح، تشهد و سلام ندارد.

۵. در سجده تلاوت- همانند نمازهای نفل- طهارت، ستر عورت و استقبال قبله لازم است.

۶. اگر در اثنای نماز آیه سجده را قرائت کند، بدون رفع یدین تکبیر گویند و به سجده رود و با تکبیری دیگر از سجده قیام کند و نماز را ادامه دهد.

۷. اگر آیه سجده ای که در اثنای نماز قرائت نموده است، در آخر سوره باشد، مستحب آن است که پس از سجده تلاوت برخیزد و چند آیه ای از سوره بعدی بخواند و سپس به رکوع رود؛ هر چند پس از سجده تلاوت قیام کند و بلافاصله رکوع را انجام دهد، جایز باشد.

سجده شکر

۱. کسی که به سبب روی آوردن نعمت و یا برطرف شدن نعمت و بلا، مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد، برای او مستحب است که به نیت شکرانه، در پیشگاه خداوند متعال سجده شکر بجا آورد.

۲. حکم سجده شکر در شرایط و صفات، حکم سجده تلاوت در خارج نماز است.

چکیده مطالب

۱. سجده تلاوت سنتی است غیر واجبه که پس از خواندن آیه سجده، هم برای قاری و هم برای مستمع سزاوار است که سجده ای را انجام دهند.
۲. سجود تلاوت مجموعاً چهارده سجده است و کیفیت انجام دادن سجده تلاوت به این طریق است که دست های خود را بلند کرده، تکبیر افتتاح بگویند و سپس برای سجده تکبیری دیگر بگویند (بدون اینکه دست ها را بلند کند) و به سجده رود و یک سجده بجا آورد. سپس با تکبیر سرش را از سجده بردارد.
۳. در سجده تلاوت طهارت، ستر عورت و استقبال قبله لازم است.
۴. اگر در اثنای نماز آیه سجده را قرائت کند، بدون رفع یدین تکبیر گویند و به سجده رود و با تکبیری دیگر از سجده قیام کند و نماز را ادامه دهد.
۵. برای کسی که نعمتی به روی بیاورد و یا نعمت و بلائی برطرف شود مستحب است که به نیت شکرانه، در پیشگاه خداوند متعال سجده شکر بجا آورد.

پرسش ها

۱. حکم سجده تلاوت چیست؟
۲. سجده تلاوت چه زمانی انجام داده می شود؟
۳. سجده تلاوت چگونه انجام داده می شود؟
۴. آیا در اثنای نماز سجده تلاوت پیش می آید؟ توضیح دهید.
۵. سجده شکر چه فرقی با سجده تلاوت دارد؟

اشاره

رسول الله صلى الله عليه و آله: صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَدِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً صَحِيحٌ بَخَارِي؛ ح: ۶۲۷)

نماز جماعت بیست و هفت درجه برتر از نماز تنها گذار است.

حکم نماز جماعت

۱. نماز جماعت بنا بر قولی فرض کفایی است و بنا بر قول دیگری سنت است.

۲. حد اقل جماعت دو نفر می باشد که یکی امام و دیگری مأوم خواهد بود.

۳. برگزاری نماز جماعت برای مردان در مساجد بویژه در مساجد بزرگ-افضل و برتر است.

۴. برگزاری نماز جماعت برای زنان در خانه ها افضل و برتر می باشد و امام آنها در وسطشان قرار می گیرد. البته حضور زنان در جماعت مساجد اشکالی ندارد.

نیت نماز جماعت

۱. در نماز جماعت نیت برای مأوم [مقتدی] لازم است؛ پس هنگامی که نماز گزار می خواهد نمازش را در جماعت با شخص دیگری انجام بدهد، باید نیت تبعیت از امام را نماید و امامش هم معین و مشخص باشد.

۲. نیت امامت برای امام جماعت لازم نیست.

اولویت در امامت

۱. سنت است که امام جماعت کسی باشد که در قرائت و فقه نماز، برتر از دیگران است. اگر در قرائت و فقه نماز با هم برابر بودند، کسی که تقوای بیشتری دارد، امام خواهد شد. و اگر از جهت تقوا هم، با هم مساوی بودند، کسی که از جهت اسلام و مسلمانی بزرگ سال تر است، سزاوار امامتی نماز خواهد بود.

۲. اگر در منزل شخصی نماز جماعت برگزار شود، صاحب منزل سزاوارتر بر امامت آن جماعت خواهد بود؛ البته اگر در آن میان امام مسجد حضور داشته باشد، بهتر است که امام مسجد، امام آن جماعت شود.

۳. اگر مقیم و مسافری بخواهند نماز جماعت برگزار نمایند، شخص مقیم سزاوارتر بر امامت می باشد.

۴. امام جماعت شدن فاسق، بدعت گذار و ولد زنا مکروه است.

صف و مکان نماز جماعت

۱. اگر مقتدی تنها بود، در سمت راست امام بایستد، و اگر بیش از یک نفر بودند، در پشت سر امام قرار بگیرند.

۲. صفوف جماعت به این ترتیب تشکیل می شود که ابتدا مردها، بعد پسرهای نابالغ سپس خنثی و در صف آخر زنها و دخترها قرار خواهند گرفت.

۳. مستحب است که صفوف نماز نزدیک به هم باشد، ولی اگر صفوف متباعد و دور از هم باشد، و یا صف اول دور از امام باشد، باید دید: اگر میان صفوف یا صف اول و امام حائلی نباشد و نماز جماعت نیز در داخل مسجد برقرار شده و مأوم از نماز امام آگاهی و علم داشته باشد، نمازش صحیح است، زیرا هر موضعی از مسجد، موضع نماز جماعت است. اما اگر در غیر مسجد [مثلا در صحرا و یا صحنی غیر از صحن مسجد] نماز جماعت با این وصف برگزار شود، نماز مأوم صحیح نباشد.

۴. مستحب است که مکان امام و مأومین مساوی باشد و ارتفاع مکان هر کدام بر دیگری مکروه است.

۱. نماز جماعت فرض کفایی است و حد اقل جماعت دو نفر می باشد.

۲. برگزاری نماز جماعت برای مردان در مساجد افضل و برتر و برای زنان در خانه ها افضل و برتر می باشد.

۳. در نماز جماعت نیت برای مأموم [مقتدی] لازم است. از این رو باید نیت تبعیت از امام را نماید و امامش هم معین و مشخص باشد.

۴. کسی که: (۱) در قراءت و فقه نماز، برتر از دیگران است؛ (۲) تقوای بیشتری دارد؛ (۳) از جهت اسلام و مسلمانی بزرگ سال تر است، سزاوار امامتی در نماز جماعت خواهد بود.

۵. امام جماعت شدن فاسق، بدعت گذار و ولد زنا مکروه است.

۶. صفوف جماعت به این ترتیب تشکیل می شود که ابتدا مردها، بعد پسرهای نابالغ سپس خنثی و در صف آخر زنها و دخترها قرار خواهند گرفت.

پرسش ها

۱. حکم جماعت در نماز چیست؟

۲. حد اقل جماعت چند نفر است؟

۳. چه نوع جماعتی برای مردان و چه نوع جماعتی برای زنان افضل و برتر است؟

۴. نیت نماز جماعت را توضیح دهید.

۵. چه کسی برای امامتی نماز جماعت سزاوارتر از دیگران است؟

۶. نماز جماعت مقیم و مسافر را بیان کنید.

۷. در چه صورت صاحب منزل برای امامتی سزاوارتر است؟

۸. ترتیب صفوف در نماز جماعت چگونه است؟

رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ فِي الصَّلَاةِ أَجْرًا أُبْعِدُهُمْ إِلَيْهَا مَمْشَى. (صحيح مسلم؛ ح ۱۰۹۹).

بزرگترین پاداش نماز جماعت برای کسی است که از مکان دورتر با پای پیاده به جماعت حاضر شده است.

اقتدا و احکام آن

۱. مستحب است برای کسی که قصد حضور در نماز جماعت دارد، با آرامش و وقار به سوی مسجد برود؛ هرچند خوف از دست دادن درک امام در تکبیره الاحرام وجود داشته باشد.
۲. مستحب است که امام قبل از شروع به نماز به تسویه صفوف نمازگزاران توجه نماید و به آن دستور دهد.
۳. همچنین مستحب است که امام در قراءت و ذکرهای نماز همواره تخفیف و آسانی را مد نظر قرار بدهد.
۴. امام در حال رکوع اگر احساس کند که شخصی وارد مسجد شد، مستحب است که منتظر بماند تا که او نیز به جماعت برسد و آن رکعت را درک نماید.
۵. سزاوار است که مأموم همواره تبعیت از امام را داشته باشد و در هیچ

فعلی از افعال نماز بر امام سبقت نگیرد.

۱.۶ اگر مأموم قبل از امام و یا همزمان با امام تکبیر تحریمه را انجام دهد، نمازش منعقد نشود.

۱.۷ اگر مأموم به قدر بیش از یک رکن [مثل رکوع و قیام بعد از آن و یا سجود و جلسه بعد از آن] از امام سبقت بگیرد و بر تبعیت از امام برنگردد و این را عمداً انجام دهد، نمازش باطل شود. ولی اگر به تبعیت از امام برنگردد به این دو طریق که: یا منتظر بماند تا امام آن رکن را انجام دهد و یا خود برگردد و آن رکن را با امام انجام دهد، نمازش صحیح باشد.

۱.۸ اگر مأموم مفارقت و جدایی از امام را قصد نماید و بقیه نمازش را خود فرادا انجام دهد، نمازش باطل نشود.

اقتدای صحیح

۱. اقتدای افراد زیر صحیح است:

- کسی که دارای وضوء می باشد، از کسی که تیمم نموده است؛

- آنکه پای خود را شسته است، از شخصی که به خفین و یا نعلین خویش مسح کرده است؛

- شخص قائم [ایستاده] از کسی که قاعداً [نشسته] نماز می گزارد؛

- کسی که توان رکوع و سجود را دارد از کسی که رکوع و سجودش را با اشاره انجام می دهد؛

- کسی که نماز فرض می خواند از شخصی که نماز نفل می خواند؛

- شخصی که نماز فرضی می خواند از کسی که نماز فرض دیگری انجام می دهد [مثلاً شخصی که می خواهد فرض ظهر بخواند، می تواند از کسی که فرض عصر می خواند، اقتدا نماید].

اقتدای غیر صحیح

اقتدا به افراد ذیل صحیح نباشد:

-مرد از زن؛

-مرد از پسری که به حد یعقل نرسیده؛

-غیر معذور از معذور [مثلاً- شخص سالم و تندرست نمی تواند از کسی که بولش همواره جریان دارد (سلسله البول) اقتدا نماید]؛

-کسی که می تواند قراءت کند از شخص بی سواد؛

-شخص متوضی از کسی که محدث باشد.

ص: ۱۵۴

۱. مستحب است: برای کسی که قصد حضور در نماز جماعت دارد، با آرامش و وقار به سوی مسجد برود؛ امام قبل از شروع به نماز به تسویه صفوف نمازگزاران توجه نماید و به آن دستور دهد؛ امام در قرائت و ذکرهای نماز همواره تخفیف و آسانی را مد نظر قرار بدهد.

۲. مأوم همواره تبعیت از امام را داشته باشد و در هیچ فعلی از افعال نماز بر امام سبقت نگیرد.

۳. اگر مأوم قبل از امام و یا همزمان با امام تکبیر تحریمه را انجام دهد، نمازش منعقد نشود.

۴. اگر مأوم به قدر بیش از یک رکن [مثل رکوع و قیام بعد از آن و یا سجود و جلسه بعد از آن] از امام سبقت بگیرد و بر تبعیت از امام برنگردد و این را عمداً انجام دهد، نمازش باطل شود.

۵. اگر مأوم مفارقت و جدایی از امام را قصد نماید و بقیه نمازش را خود فرادا انجام دهد، نمازش باطل نشود.

۶. اقتدای افراد زیر صحیح است: متوضی از متیمم؛ غاسل پاها، از ماسح خفین؛ قائم از قاعد؛ راکع و ساجد از مشیر رکوع و سجود؛ مفترض از متنفل؛ دو مفترض مختلف.

۷. اقتدای افراد ذیل صحیح نباشد: مرد از زن؛ مرد از کودک لایعقل؛ غیر معذور از معذور؛ قاری از اُمّی؛ متوضی از محدث.

۱. برخی از مستحبات نماز جماعت را برشمارید.
۲. آیا تبعیت از امام برای مأموم همواره لازم است؟
۳. سبقت مأموم از امام در چه صورت مبطل نماز است؟
۴. اقتدای چه کسانی به همدیگر صحیح است؟
۵. اقتدای چه کسانی از همدیگر صحیح نیست؟

اشاره

قال الله عزّ و جلّ:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره جمعه/۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید!

حکم نماز جمعه

۱. یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان، نماز جمعه است که نماز گزاران در روز جمعه به جای نماز ظهر، نماز جمعه می خوانند.

۲. نماز جمعه برای همه افراد جامعه اسلامی فرض عین می باشد، بجز افراد زیر:

۱. برده؛ ۲. زن؛ ۳. مریض؛ ۴. مسافر؛ ۵. مقیمی که صدای اذان را نشنود؛ ۶. پرستار مریضی که خوف شدت مرضش باشد؛ ۷. اقربای محتضری (۱) که مرگش نزدیک باشد؛ ۸. کسی که در راه نماز جمعه به سبب باران لباسش خیس

ص: ۱۵۷

۱- (۱). محتضر کسی است که در بستر مرگ قرار دارد و گویا اینکه حضور ملک الموت را در انتظار است.

شود؛ ۹. کسی که از ظالمی ترس و خوفی دارد.

۳. کسانی که برای آنان نماز جمعه فرض نباشد، اختیار دارند که نماز ظهر بخوانند و یا نماز جمعه، هر چند خواندن نماز جمعه افضل باشد. البته این اختیار در شروع باشد، نه در دوام و اتمام نماز.

۴. کسی که در روز جمعه اختیار دارد که نماز ظهر بخواند [یعنی برای او نماز جمعه فرض نباشد]، افضل آن است که نماز خود را پس از فراغ امام از نماز جمعه بجای آورد.

۵. کسی که برای او نماز جمعه لازم و واجب باشد، نباید نماز ظهر خویش را قبل از فراغ امام از نماز جمعه، بخواند؛ از این رو اگر چنین کند، نمازش صحیح نباشد.

۶. کسی که برای او نماز جمعه فرض است، بعد از زوال خورشید، رفتن به مسافرتی که در آن وجوب نماز جمعه از او ساقط می شود، جایز نمی باشد.

شرائط نماز جمعه

اشاره

اقامه نماز جمعه بستگی به وجود شرائطی است که عبارتند از:

شرط اول: آبادی.

۱. برگزاری نماز جمعه تنها در شهر یا روستایی درست و صحیح باشد که در آن جا افرادی که به تعداد آنان نماز جمعه منعقد شود، سکونت داشته باشند.

۲. اگر اهالی محل از شهر یا روستای خویش خارج شوند و در بیرون از شهر نماز جمعه را برگزار نمایند، جایز و صحیح نمی باشد.

شرط دوم: جماعت.

۱. نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و حد اقل تعداد افراد آن چهل نفر از جمله افرادی که نماز جمعه برای آنان فرض باشد، می باشد.

۲. اگر مأمومین در اثنای نماز جمعه، امام را ترک نمایند و امام تنها بماند، امام

نماز جمعه را به صورت نماز ظهر به اتمام می رساند.

۳. اگر بعد از ترک مأمومین، همراه امام افرادی باقی بمانند، بنا بر قول اصح، امام، نماز جمعه را به صورت نماز ظهر به اتمام می رساند.

شرط سوم: وقت

۱. وقت نماز ظهر، همان وقت نماز جمعه است و باید قبل از پایان وقت ظهر، نماز جمعه را به اتمام رسانند.

۲. اگر قبل از اتمام نماز جمعه، وقت ظهر به پایان رسد، نماز جمعه را به صورت نماز ظهر به اتمام خواهند رسانید.

شرط چهارم: خطبه

۱. خطبه، شرط صحت نماز جمعه می باشد.

۲. قبل از ادای نماز جمعه، دو خطبه واجب است که در هر دو خطبه طهارت، ستر عورت، قیام، قعود بین خطبتین و حضور تعداد چهل نفر نماز گزار شرط صحت محسوب می شوند.

۳. در هر خطبه موارد زیر فرض می باشد:

- حمد و ستایش خداوند متعال؛

- صلوات و درود بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)؛

- توصیه به تقوا و پرهیز از گناه؛

- دعا و درخواست برای مؤمنین و مؤمنات.

۴. واجب است که در هر دو خطبه مقداری از قرآن نیز قرائت شود.

۵. سنت های خطبه عبارت است از:

- خطبه بر بالای منبر و یا مکان مرتفع خوانده شود؛

- خطیب به حاضرین سلام نماید؛

- خطیب تا پایان اذان مؤذن بر منبر بنشیند؛

-خطیب هنگام خطبه بر کمان، شمشیر(و سلاح دستی وقت) و یا عصا تکیه زند؛

-خطیب برای مسلمانان دعای خیر نماید؛

-خطبه را کوتاه کند.

۶. نماز جمعه دو رکعت بوده، امام قرائت آن را جهریه انجام می دهد.

۷. سنت است که بعد از قرائت سوره فاتحه، در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین را قرائت نماید.

سنت های نماز جمعه

-غسل؛

-مسواک زدن؛

-خوشبویی و عطر زدن؛

-پوشیدن نیکوترین لباس (افضل آن است که رنگ لباس سفید باشد)؛

-زودتر به مسجد آمدن؛

-در راه مسجد با آرامش و وقار قدم زدن؛

-دو رکعت نماز تحیت مسجد خواندن؛

-پرهیز نمودن از اسائه ادب نسبت به حاضرین در مسجد با عبور از بالای کتف و شانه آنان؛

-اجتناب نمودن از سخن و تکلم هنگام خطبه های نماز جمعه؛

سنت های روز جمعه

-ناخن گرفتن و نظافت بدن از موهای زاید؛

-سوره کهف را قرائت نمودن؛

-درود و صلوات زیاد به رسول خدا(صلی الله علیه و آله)فرستادن؛

-در شب و روز جمعه صدقات و افعال خیر را بیشتر انجام دادن؛

۱. نماز جمعه برای همه افراد جامعه اسلامی فرض عین می باشد، بجز افراد زیر:

۱. برده؛ ۲. زن؛ ۳. مریض؛ ۴. مسافر؛ ۵. مقیمی که صدای اذان را نشنود؛ ۶. پرستار مریضی که خوف شدت مرضش باشد؛ ۷. اقربای محتضری که مرگش نزدیک باشد؛ ۸. کسی که در راه نماز جمعه به سبب باران لباسش خیس شود؛ ۹. کسی که از ظالمی ترس و خوفی دارد.

۱. کسانی که برای آنان نماز جمعه فرض نباشد، اختیار دارند که نماز ظهر بخوانند و یا نماز جمعه، هرچند خواندن نماز جمعه افضل باشد.

۲. کسی که برای او نماز جمعه لازم و واجب باشد، نباید نماز ظهر خویش را قبل از فراغ امام از نماز جمعه، بخواند؛

۳. کسی که برای او نماز جمعه فرض است، بعد از زوال خورشید، رفتن به مسافرتی که در آن وجوب نماز جمعه از او ساقط می شود، جایز نمی باشد.

۴. اقامه نماز جمعه بستگی به وجود شرائطی است که عبارتند از: آبادی؛ جماعت؛ وقت و خطبه.

۵. در روز جمعه آدابی نیز وجود دارد که مراعات آن برای مسلمان، مسنون است.

پرسش ها

۱. حکم نماز جمعه را بیان کنید.

۲. نماز جمعه برای چه کسانی لازم نیست؟

۳. اگر کسی که برای او نماز جمعه لازم و واجب باشد، نماز ظهر خویش را قبل از فراغ امام از نماز جمعه، بخواند، حکمش چیست؟

۴. شرایط اقامه نماز جمعه را نام ببرید.

۵. مراد از آبادی در نماز جمعه چیست؟

۶. شروط جماعت نماز جمعه را برشمارید.

۷. در هر خطبه چه مواردی فرض می باشد؟

۸. سنت های خطبه را نام ببرید.

۹. سنت های روز جمعه را نام ببرید.

ص: ۱۶۲

اشاره

قال الله عزّ و جلّ:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (سوره بقره، آیه ۲۸۶)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی کند. (انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده.

نماز مریض

۱. کسی که به سبب مریضی از قیام نمودن عاجز شود، نمازش را نشسته می گذارد.

۲. در کیفیت نشسته نماز خواندن، اولی آن است که به صورت افتراش بنشیند.

۳. اگر به انجام رکوع و سجود قادر نباشد، رکوع و سجودش را به اشاره انجام می دهد.

۴. اگر با جماعت نماز بگذارد و قسمتی از نمازش را به سبب مریضی نشسته بخواند، نمازش صحیح باشد.

۵. هر گاه نماز گزار به خواندن نماز نشسته هم قادر نباشد، می تواند بر پهلو و رو به قبله خوابیده و با اشاره نماز بگذارد و یا اینکه پاهای خود را به سوی قبله قرار داده و بر پشت بخوابد و با اشاره نمازش را ادا نماید.

۶. اگر نمازش را در حال قیام شروع کند و سپس در اثنای نماز از قیام نمودن

عاجز شود، نمازش را نشسته به اتمام رساند.

۱.۷ اگر نمازش را در حال نشسته شروع کند و سپس در حین نماز به قیام نمودن قدرت و توانایی یابد، ادامه نمازش را قائماً انجام دهد.

۱.۸ اگر نمازش را در حال نشسته شروع کند و سپس در اثنای نماز عاجز شود، به صورت دراز کشیده نمازش را به اتمام رساند.

۱.۹ اگر نماز خود را در حال دراز کشیده شروع کند و سپس در اثنای نماز بر قیام و یا قعود قادر شود، بقیه نمازش را ایستاده و یا نشسته انجام می دهد.

نماز مسافر

۱.۱ اگر کسی به قصد غیر معصیت، مسافرت نماید و مقدار مسیر مسافرت او چهل و نه میل هاشمی [۱۶ فرسخ ۹۶ کیلومتر] باشد، برای او جایز است که نمازهای ظهر، عصر و عشاء را به صورت «قصر»، یعنی دو رکعتی انجام دهد.

۱.۲ قصر نمازهای مذکور را زمانی شروع می کند که مدت سفرش کمتر از سه روز نباشد. اما اگر مدت سفرش کمتر از سه روز باشد، نمازها را به طور کامل بجا آوردن افضل باشد.

۱.۳ اگر شخص مسافر اقامت چهار شبانه روز - بدون در نظر گرفتن روز ورود و روز خروج - را قصد کند، نمازهای مذکوره را به طور کامل انجام می دهد.

۱.۴ اگر شخص مسافر برای انجام دادن کاری در شهری بماند، ولی در آن جا اقامت را قصد نکند، تا مدت هیجده (۱۸) شبانه روز نمازهای مذکور را به طور قصر می گذارد و پس از گذشت آن مدت، به طور کامل نمازهایش را بجا می آورد.

جمع صلاتین

۱. جمع میان نماز ظهر و عصر و میان نماز مغرب و عشاء در هنگام سفری که در آن نماز به صورت قصر انجام می گیرد، جایز می باشد.

ص: ۱۶۴

۲. جمع صلاتین در سفری که نماز را در آن قصر نکنند، بنا بر قول اصح جایز نمی باشد.

۳. جمع صلاتین به دو صورت جایز است:

جمع تقدیم: نماز دوم را به وقت نماز اول تقدیم نماید و هر دو را به طور جمع بجا آورد.

جمع تأخیر: نماز اول را تا وقت نماز دوم به تأخیر اندازد و هر دو نماز را به طور جمع بگذارد.

۴. اگر شخصی در حال حرکت و پیمودن راه باشد، افضل آن است که جمع صلاتین را به جمع تأخیر بگذارد، و در غیر این صورت افضل، جمع تقدیم خواهد بود.

۵. جمع تقدیم به سه شرط جایز می باشد:

۱. نیت جمع؛

۲. ترتیب میان نمازها؛ ۳. تابع و پی درهمی نمازها. ۶. در جمع تأخیر تنها نیت جمع شرط جواز جمع صلاتین بوده و واجب می باشد. ۷. جمع تقدیم در «عرفه» بین نماز ظهر و عصر و جمع تأخیر در «مزدلفه» بین مغرب و عشاء جایز و مندوب می باشد.

۸. جمع صلاتین در هنگام باران به صورت جمع تقدیم جایز است؛ اما به صورت جمع تأخیر دو قول: جواز و عدم جواز، وجود دارد.

۹. جمع صلاتین در مورد بارانی جایز است که به سبب آن باران لباس خیس شود؛ بنا بر این، بارانی که لباس را خیس نکند، جمع صلاتین در آن هنگام جایز نباشد.

۱۰. در جمع صلاتین حکم بارش برف و تگرگ، حکم بارش باران می باشد.

۱۱. جمع صلاتین در هنگام گل و لای بیشتر همراه با تاریکی و باد شدید و همچنین هنگام مریضی جایز نمی باشد.

۱. کسی که به سبب مریضی از قیام نمودن عاجز شود، نمازش را نشسته می گذارد.
۲. اگر به انجام رکوع و سجود قادر نباشد، رکوع و سجودش را به اشاره انجام می دهد.
۳. هر گاه نمازگزار به خواندن نماز نشسته هم قادر نباشد، می تواند بر پهلو و رو به قبله خوابیده و با اشاره نماز بگذارد.
۴. اگر کسی به قصد غیر معصیت، مسافرت نماید و مقدار مسیر مسافرت او ۹۶ کیلومتر باشد، برای او جایز است که نمازهای ظهر، عصر و عشاء را به صورت «قصر» انجام دهد.
۵. قصر نمازهای مذکور را زمانی شروع می کند که مدت سفرش کمتر از سه روز نباشد. اما اگر مدت سفرش کمتر از سه روز باشد، نمازها را به طور کامل بجا آوردن افضل باشد.
۶. اگر شخص مسافر اقامت چهار شبانه روز-بدون در نظر گرفتن روز ورود و روز خروج- را قصد کند، نمازهای مذکوره را به طور کامل انجام می دهد.
۷. جمع میان نماز ظهر و عصر و میان نماز مغرب و عشاء هنگام سفری که در آن نماز به صورت قصر انجام می گیرد، در «عرفه» و هنگام باران شدید جایز می باشد.
۸. جمع صلاتین به دو صورت جایز است: جمع تقدیم و جمع تأخیر.

پرسش ها

۱. شخص مریض نماز خویش را چگونه اقامه می کند؟ توضیح دهید.
۲. برای چه کسی خواندن نماز به صورت قصر جایز است؟
۳. اگر شخص مسافر قصد اقامت شش روزه نماید، نمازش را به چه صورت انجام می دهد؟

۴. جمع میان کدام نمازها صحیح است؟

۵. در چه حالت هایی جمع صلاتین جایز است؟

۶. جمع صلاتین به چند صورت جایز است؟ توضیح دهید.

۷. شرائط جمع تقدیم را بیان کنید.

۸. شرائط جمع تأخیر را بازگو نمایید.

ص: ۱۶۷

رسول الله صلى الله عليه و آله: اسْتَقِيمُوا وَ لَنْ تُحْضُوا وَ اعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةُ. (موطأ مالک؛ ح: ۶۵)

پیوسته در عمل نیک پابرجا باشید و آن را به شمارش درنیاورید و بدانید که نیکوترین عمل های شما نماز است...

نمازهای تطوع

۱. نمازهای تطوع بر دو قسمند:

- نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است؛

- نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست.

۲. نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است:

- نماز عید [فطر و اضحی]؛

- نماز کسوف [خورشید گرفتگی]؛

- نماز استسقاء [طلب باران].

۳. نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست، بر دو قسمند:

- نمازهایی که در وقت خاص انجام می گیرند؛

-نمازهایی که در وقت خاص انجام نمی گیرند، بلکه در مطلق اوقاتِ مُجاز می توان آنها را بجا آورد.

نمازهای سنت یومیه

از جمله نمازهای مستحبی ای که بدون جماعت و در وقت خاص انجام می گیرد:

۱. نمازهای سنت یومیه که حد اقل ده رکعت می باشند:

۲- رکعت قبل از نماز فجر؛

۲- رکعت قبل از نماز ظهر؛

۲- رکعت بعد از نماز ظهر؛

۲- رکعت بعد از نماز مغرب؛

۲- رکعت بعد از نماز عشاء.

۲. نمازهای سنت یومیه در حد کمال هجده (۱۸) رکعت می باشد:

۲- رکعت قبل از نماز فجر؛

۴- رکعت قبل از نماز ظهر؛

۴- رکعت بعد از نماز ظهر؛

۴- رکعت قبل از نماز عصر؛

۲- رکعت بعد از نماز مغرب؛

۲- رکعت بعد از نماز عشاء.

۳. سنت است که نمازهای چهار رکعتی سنت یومیه را با دو سلام انجام دهد.

نماز وتر

نماز وتر از جمله نمازهای سنت است که:

۱. حد اکثر نماز وتر، یازده رکعت می باشد و حد اقل آن یک رکعت است. اما حد کمال آن، سه رکعت است که نماز گزار بعد

از قراءت سوره فاتحه در ركعت اول سوره «اعلى»، در ركعت دوم سوره «كافرون» و در ركعت سوم سوره

ص: ۱۶۹

«اخلاص» و «معوذتین» را قرائت نماید.

۱.۲ اگر نماز وتر را بیش از یک رکعت بخواند، سنت آن است که بعد از هر دو رکعت، سلام بدهد.

۳. قنوت خواندن در نماز وتر سنت است که برخی گفته اند که قنوت وتر در نیمه دوم ماه رمضان خوانده شود، و برخی بر آن هستند که در طول سال خوانده شود.

۴. محل قنوت در نماز وتر بعد از رکوع و قبل از سجود می باشد و سنت است که این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطِيَتْ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يَقْضِي عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (۱). و مستحب است که بعد از دعای قنوت، بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) درود و صلوات بفرستد.

۵. وقت نماز وتر بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر دوم (صادق) می باشد.

۶. اگر کسی مقید به نماز تهجد است، برای او اولی آن است که نماز وترش را پس از نماز تهجد بخواند. ولی اگر مقید به تهجد نباشد، اولی آن است که بعد از انجام نماز سنت عشاء، نماز وتر را بجا آورد.

۷. در میان سنت های یومیه، سنت فجر و نماز وتر مؤکدتر می باشند.

برخی نمازهای سنت راتبه و غیر راتبه

۱. از جمله سنت های راتبه و وقتی، نماز قیام رمضان [تراویح] است که آن بیست رکعت با ده سلام انجام می گیرد و افضل آن است که نماز تراویح را با جماعت بخواند.

ص: ۱۷۰

۱- (۱). بار خدایا! مرا در زمره هدایت شدگان، هدایت فرما! در زمره عافیت یافتگان، جامه عافیت ببوشان! در زمره محبوبان خویش، مرا دوست بدار! و در آن چیزی که مرا عطا نمودی، برکت ارزانی بدار! و از قضای بد مرا ننگه دار! به تحقیق که تنها تو صاحب قضاوت هستی و هرگز بر خلاف اراده تو قضاوتی صورت نگیرد! و در حقیقت هرگز خوار نشود کسی که تو سرپرست او باشی! ای خدایی که بزرگی و علو مرتبه تو را شایسته است!

۲. از جمله نماز راتبه، نماز ضحی است که افضل آن است که هشت رکعت باشد و اقل آن دو رکعت است. وقت نماز ضحی، از اشراق [بلند شدن] خورشید تا وقت زوال می باشد.

۳. اما نمازهای سنت غیر راتبه، همان نمازهای مستحبی ای است که انسان در طول شبانه روز انجام می دهد و برترین آن نماز ها، نماز تهجد می باشد. آخر شب برای نماز تهجد افضل بوده، و البته بیدار ماندن در طول شب، کراهت دارد.

۴. از جمله نمازهای مستحبی، نماز تحیه مسجد است؛ یعنی کسی که وارد مسجد می شود، قبل از اینکه بنشیند، دو رکعت نماز تحیه مسجد را انجام می دهد. اگر جماعت حاضر شود و یا امام خطبه را شروع نماید، نماز تحیه مسجد را نمی خوانند و به جماعت می پیوندند و یا خطبه را استماع می نماید.

ص: ۱۷۱

۱. نمازهای تطوع بر دو قسمند: نمازهایی که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است؛ نمازهایی که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست.
۲. نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است: نماز عیدین؛ نماز کسوف؛ نماز استسقاء.
۳. نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست، بر دو قسمند: توقیتی و غیر توقیتی.
۴. نمازهای سنت یومیه: ۲ رکعت قبل از نماز فجر؛ ۲ رکعت قبل از نماز ظهر؛ ۲ رکعت بعد از نماز ظهر؛ ۲ رکعت بعد از نماز مغرب؛ ۲ رکعت بعد از نماز عشاء.
۵. نماز وتر از جمله نمازهای سنت است؛ حد اکثر نماز وتر، یازده رکعت می باشد و حد اقل آن یک رکعت است.
۶. قنوت خواندن در نماز وتر سنت است و محل قنوت در نماز وتر بعد از رکوع و قبل از سجود می باشد.
۷. وقت نماز وتر بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر دوم (صادق) می باشد و اگر کسی مقید به نماز تهجد است، برای او اولی آن است که نماز وترش را پس از نماز تهجد بخواند.

پرسش ها

۱. نمازهای تطوع بر چند قسم است؟
۲. کدام نمازهای مستحبی را با جماعت خواندن سنت است؟
۳. نمازهای سنت یومیه را با تعداد رکعات نام ببرید.
۴. قنوت را از حفظ بخوانید.
۵. نماز وتر را توضیح دهید.

اشاره

قال الله عزّ و جلّ:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ ... وَ لَتُكْمِلُوا الْعِمَّةَ وَ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (سوره بقره/ ۱۸۵)

(روزه، در چند روز محدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است... هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید!

حکم نماز عیدین

۱. حکم نماز عیدین، یعنی عید فطر و عید اضحی، سنت مؤکده می باشد.

۲. وقت نماز عیدین از بلند شدن خورشید تا زوال آن می باشد.

۳. سنت است که نماز عید اضحی را زودتر و نماز عید فطر را با تأخیر خوانده شود؛

۴. اگر وقت را دریافت نکنند، نماز عید را قضا می نمایند.

۵. سنت است که تا انجام نماز عید اضحی از خوردن چیزی خودداری نماید، اما در نماز عید فطر سنت آن است که قبل از نماز چیزی میل نماید.

۶. نماز عید در مسجد جامع برگزار می شود. اگر وسعت مسجد برای همه نمازگزاران نامناسب و تنگ باشد، نماز عید را در صحراء و یا مکان وسیع تر [مثل میدان های بزرگ ورزشی] اقامه خواهند کرد. البته امام شخصی را در مسجد جامع موظف می کند که با افراد ضعیف و ناتوان نماز عید را بخواند.

۷. در نماز عید مردان، زنان و کودکان حضور پیدا می کنند و در آن روز لباس های نیکوی خود را می پوشند.

کیفیت خواندن نماز عیدین

اشاره

۱. سنت است که نماز عیدین را با جماعت برگزار نمایند.

۲. نماز عید دو رکعت می باشد و همانند دیگر نمازها خوانده می شود، مگر اینکه در دو محل تکبیرات چندگانه دارد. برای آشنایی بیشتر با کیفیت خواندن نماز عید، به جدولی زیر توجه نمایید.

۳. سنت است که امام بعد از قرائت سوره فاتحه: در رکعت اول سوره «ق و القرآن المجید» و در رکعت دوم سوره «قمر» را قرائت نماید.

۴. امام دو خطبه نماز عید را بعد از به پایان رسیدن نماز ایراد می کند و تفاوتی با خطبه های نماز جمعه ندارد، مگر اینکه خطبه اول را با نه (۹) تکبیر و خطبه دوم را با هفت (۷) تکبیر شروع می کند.

۵. امام در خطبه های نماز عید فطر فضایل و احکام زکات فطره را بیان می کند و در خطبه های نماز عید قربان احکام و فضایل قربانی را یادآوری می کند.

۶.

لفظ تکبیرات عیدین چنین است: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، الله

ص: ۱۷۵

أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَالْوَكْرَةَ الْكَافِرُونَ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

گفتن تکبیرات در ایام عید بلا فاصله بعد از هر نماز فرضی، سنت می باشد.

تکبیرات در نماز عید فطر بعد از نماز مغرب شب عید شروع و هنگام شروع نماز عید به پایان می رسد.

«تکبیر تشریق» در عید أضحی بعد از نماز ظهر «یوم النحر» [روز اول عید قربان - دهم ذی الحجه] شروع و تا نماز صبح آخرین روز «ایام التشریق» (۱) ادامه می یابد.

ص: ۱۷۶

۱- (۱). مراد از ایام التشریق - بنا بر صحیح ترین قول - روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه می باشد.

۱. نماز عیدین، سنت مؤکده می باشد و وقت اقامه آن از بلند شدن خورشید تا زوال آن می باشد.

۲. سنت است که نماز عید اضحی را زودتر و نماز عید فطر را با تأخیر خوانده شود؛

۳. اگر وقت را دریافت نکنند، نماز عید را قضا می نمایند.

۴. نماز عید در مسجد جامع برگزار می شود. اگر وسعت مسجد برای همه نمازگزاران نامناسب و تنگ باشد، نماز عید را در صحراء و یا مکان وسیع تری اقامه خواهند کرد.

۵. نماز عید دو رکعت می باشد و همانند دیگر نمازها خوانده می شود، مگر اینکه در دو محل تکبیرات چندگانه دارد و سنت است که با جماعت برگزار شود.

پرسش ها

۱. حکم نماز عیدین را بیان کنید.

۲. نماز عیدین چه زمانی خوانده می شود؟

۳. آیا در نماز عید قضا وجود دارد؟

۴. اگر مسجد جامع گنجایش همه نمازگزاران عیدین را نداشته باشد، چه کار باید کرد؟

۵. نحوه اقامه نماز عیدین را عملاً توضیح دهید.

۶. تکبیرات عیدین را از حفظ بخوانید.

اشاره

رسول الله صلى الله عليه و آله قال: اَلْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَإِنَّهَا خَيْرٌ ثِيَابِكُمْ وَ كَفَّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ. (سنن ترمذی؛ ح: ۹۵۱)

لباس سفید بر تن کنید، چرا که لباس سفیدرنگ نیکوترین لباس برای شماست و مردگان خود را با لباس سفید تکفین نمایید.

احکام کلی

غُسل، تکفین، نماز، حمل و دفن جنازه واجب کفایی است؛ اگر یک نفر از اهل جامعه این امور را انجام دهد، از ذمه بقیه مردم ساقط می شود و در غیر این صورت، همه اهل جامعه مسلمین گناهکار خواهند شد.

غسل میت و احکام آن

۱. کمترین و حد اقل غسل میت آن است که پس از برطرف ساختن نجاست ظاهری بدن، یک بار تمام بدن با آب شسته شود.

۲. نیت غُسل میت برای غُسل دهنده، مستحب است.

۳. اصولاً در غُسل میت، غسل دهنده باید از جنس میت باشد؛ یعنی اگر میت مرد است، غسل دهنده نیز مرد باشد، و اگر زن است، غسل دهنده نیز زن باشد.

البته در سه مورد استثنا وجود دارد:

-زن و شوهر برای همدیگر؛

-مرد و زن با افراد محارم خود؛

-پسر و دختری که به حد شهوت نرسیده باشند، به وسیله مرد یا زن غسل داده شوند، باکی نیست.

۴. روش غسل میت به شرح زیر است:

-میت را در جای خلوتی قرار می دهند که در آن جا تنها غسل دهنده، دستیار او و ولی میت حضور دارند؛

-میت باید پیراهنی در بر داشته باشد که از رسیدن و نفوذ آب به بدن او مانع نشود؛

-میت را بر مکان مرتفعی قرار می دهند؛

-آبی که در غسل میت استعمال می شود، باید سرد باشد مگر به خاطر سرما و یا زدودن چرک مقداری گرم شود، اشکالی ندارد؛

-غسل دهنده میت را به آرامی بر مکان غسل می نشاند، طوری که به سمت پشت مایل باشد. برای این کار بهتر است دست راستش را بر شانه اش و انگشت ابهامش را بر استخوان پشت گردنش قرار دهد تا سرش کج نشود؛

-پشت میت را به زانوی راستش تکیه دهد و با دست چپش با دستکش، عورت و شرمگاهش را بشوید؛

-سپس با دستکش دیگر، انگشت را در دهانش داخل نماید و دهان و بینی اش را بشوید؛

-همانند شخص زنده، برایش وضوی کامل بگیرد؛

-چرک ناخن هایش را تمیز می کند؛

-سر و رویش را با صابون می شوید؛

-موهایش را شانه می زند؛

-قسمت راست میت را از گردن تا نوک انگشتان با شروع از قسمت صورت می شوید؛

-بعد قسمت چپش را مانند طرف راست می شوید؛

-به طرف راست بر می گرداند و می شوید؛

-به طرف چپ بر می گرداند و می شوید؛

-آبی که با مقداری کافور مخلوط شده، بر کل بدن میت می پاشد.

تکفین و احکام آن

۱. تکفین نمودن مرده، واجب است: خواه زن باشد یا مرد، مسلمان باشد یا ذمی؛

۲. مقدار کفن واجب:

-برای مرد: سه تکه پارچه (لُنگ از ناف تا زانو، پیراهن و تن پوش)؛

-برای زن: چهار تکه پارچه (لُنگ از ناف تا زانو، روسری، پیراهن و تن پوش).

۳. پارچه ای که در زمان حیات میت پوشیدنش برای او جایز بوده، همان پارچه به عنوان کفن برای او بعد از مردن جایز است؛

۴. برای کفن زن، پارچه حریر، زعفرانی و رنگارنگ جایز است؛

۵. سنت های تکفین:

-پارچه سفیدرنگ باشد؛

-پارچه تمیز باشد؛

-پارچه معطر باشد؛

-پارچه به قدر کافی و نیکو باشد.

۶. مکروهات تکفین:

-گرانبها بودن پارچه؛

-رنگارنگ بودن پارچه؛

—حریر و زربافت بودن پارچه برای زن مکروه و برای مرد حرام است.

۷. نوشتن قرآن و نیز اسم های الهی بر کفن حرام است؛

ص: ۱۸۰

۸. در مورد غسل، تکفین و نماز مرده کافر باید گفت:

- اگر آن کافر مرده، ذمی، امان داده شده و یا معاهد باشد، غسل و تکفین آن جایز است، اما نماز برای او حرام است؛

- اگر آن کافر مرده، حربی، مرتد و یا زندیق باشد، تنها غسل آن جایز است.

ص: ۱۸۱

۱. غسل، تکفین، نماز، حمل و دفن جنازه واجب کفایی است؛

۲. کمترین و حد اقل غسل میت آن است که پس از برطرف ساختن نجاست ظاهری بدن، یک بار تمام بدن با آب شسته شود.

۳. اصولاً در غسل میت، غسل دهنده باید از جنس میت باشد؛ البته در سه مورد استثنا وجود دارد: زن و شوهر برای همدیگر؛ مرد و زن با افراد محارم خود؛ پسر و دختری که به حد شهوت نرسیده باشند، به وسیله مرد یا زن غسل داده شوند، باکی نیست.

۴. غسل میت با روش و آداب خاصی انجام می گیرد.

۵. تکفین نمودن مرده، واجب است: خواه زن باشد یا مرد، مسلمان باشد یا ذمی؛

۶. مقدار کفن واجب: برای مرد: سه تکه پارچه؛ برای زن: چهار تکه پارچه.

۷. پارچه ای که در زمان حیات میت پوشیدنش برای او جایز بوده، همان پارچه به عنوان کفن برای او بعد از مردن جایز است؛

۸. تکفین خود دارای سنت ها و مکروهاتی است که مشروح آن در بالا گذشت؛

۹. نوشتن قرآن و نیز اسم های الهی بر کفن حرام است؛

۱۰. در مورد غسل، تکفین و نماز مرده کافر: اگر آن کافر ذمی، امان داده شده و یا معاهد باشد، غسل و تکفین آن جایز است، اما نماز برای او حرام است؛ اگر حربی، مرتد و یا زندیق باشد، تنها غسل آن جایز است.

۱. واجب کفای به چه معناست؟
۲. حد اقل غسل میت را بیان کنید.
۳. غسل دهنده باید از جنس میت باشد، یعنی چه؟
۴. روش و آداب غسل میت را برشمارید.
۵. حکم تکفین چیست؟
۶. مقدار کفن واجب را بیان کنید.
۷. سنت‌های تکفین را برشمارید.
۸. آیا غسل و تکفین و نماز میت برای کافر جایز است؟ توضیح دهید.

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله: قال: ما من مسلم یموت فیصلى علیه ثلاثه صفوف من المسلمین، إلا - أوجب. (سنن ابی داود؛ ج: ۲۷۶۹)

هر مؤمنی که پس از مردنش برای او مسلمانان در سه صف نماز جنازه بخوانند، بهشت واجب خواهد شد.

احکام تشییع جنازه

۱. حمل میت واجب است و از وظایف مردان می باشد؛

۲. بردن میت به گونه تحقیرآمیز در کیسه و یا سبد، حرام است؛

۳. سریع بردن جنازه، مستحب است؛

۴. تشییع جنازه برای مردان سنت، اما برای زنان مکروه بوده و اگر فتنه ای در پی داشته باشد، شرکت زنان در تشییع جنازه حرام است.

۵. برای تشییع کنندگان سنت است که پیاده باشند و در پیشاپیش جنازه و نزدیک به آن حرکت کنند.

احکام نماز میت

۱. نماز خواندن بر میت، واجب است؛

۲. نماز میت دارای هفت رکن است:

رکن اول: نیت (همچون: نیت کردم نماز فرض میت بخوانم.)؛

رکن دوم: قیام (برای کسی که توانایی قیام نمودن را دارد)؛

رکن سوم: گفتن چهار تکبیر؛

رکن چهارم: قرائت سوره فاتحه؛

رکن پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله؛

رکن ششم: دعای مخصوص برای میت؛

رکن هفتم: سلام دادن.

۳. کیفیت خواندن نماز جنازه بدین شرح است:

اعمال نماز جنازه

۱ تکبیر تحریمه همراه با نیت بجا آوردن نماز میت.

۲ دست ها را روی سینه قرار می دهد و سوره فاتحه را قرائت می کند.

۳ با رفع یدین تکبیر دوم را انجام می دهد و با گذاستن دست ها به سینه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله می فرستد. افضل آن است که صلوات ابراهیمیه که در نماز خوانده می شود، بخواند.

۴ با رفع یدین تکبیر سوم را بجا می آورد و سپس برای میت دعا می خواند. بهتر است این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ مَيِّتِنَا، وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا، وَ صَیْغِرِنَا وَ کَبِیْرِنَا، وَ ذَکَرِنَا وَ اُنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ اُحْيَيْتَهُ مِنْنَا فَاُحْيِهِ عَلَی الْاِسْلَامِ وَ مَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنْنَا فَتَوَفَّهُ عَلَی الْاِیْمَانِ».

۵ سپس با رفع یدین تکبیر چهارم را انجام می دهد و می خواند: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا اُجْرَهُ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لَه».

۶ در آخر با دو سلام از سمت راست و چپ خویش نماز را به پایان می رساند.

۴. در نماز جنازه، میت پس از غسل، در برابر امام طوری قرار داده می شود که سر میت در برابر دست راست امام و پای او در برابر دست چپ امام باشد و امام در وسط قرار می گیرد.

دفن میت

۱. دفن میت در گورستان محلی ای که در آن جا فوت کرده، واجب است.

۲. حد اقل و کمترین اندازه قبر، حفره ای است که میت را از درندگان حفظ نموده و مانع از انتشار بوی جسد گردد.

۳. کامل ترین اندازه قبر آن است که:

- از جهت وسعت، ظرفیت جا دادن به گذارنده مرده در قبر و کمک کار او را داشته باشد؛

- عمق آن به اندازه قد شخص متوسط القامه باشد.

۴. اگر زمین سخت باشد، نهادن مرده در لحد بهتر است. لحد عبارت است از کندن قسمت ته قبر در جهت قبله.

۵. اگر زمین نرم باشد، گذاستن مرده در شق (شکاف) بهتر است. شق عبارت است از کندن ته قبر، مانند کانال آب.

۶. اگر میت در محل نزدیک به حرمین (بیت الحرام و مسجد النبی) و یا بیت المقدس باشد، انتقال او به آن اماکن مقدسه سنت است. البته، انتقال تنها پس از غسل، تکفین و نماز خواندن جایز است.

احکام شهید

۱. غسل و نماز بر شهیدی که در جنگ با کفار به درجه شهادت رسیده است، حرام است، ولی تکفین او واجب می باشد. و سنت است با همان لباسی که بر تن دارد، دفن شود؛ چه لباسش خونین باشد یا نباشد.

ص: ۱۸۶

۲. شهداء سه دسته اند:

- شهید دنیا و آخرت: شهیدی که در راه خدا کشته شده باشد و او غسل و نماز ندارد؛

- شهید دنیا: کسی است که به خاطر غنائم جنگیده و برای او نیز غسل و نماز لازم نیست؛

- شهید آخرت: کسی است که در اثر غرق شدن، آتش سوزی، طاعون، سفر کسب علم و... مرده باشد. چنین شهید، در غسل و نماز مانند سایر مردم است.

ص: ۱۸۷

۱. حمل میت، واجب و سریع بردن جنازه، مستحب است؛

۲. تشییع جنازه برای مردان سنت، اما برای زنان ذر صورت عدم فتنه مکروه است؛ برای تشییع کنندگان سنت است که پیاده باشند.

۳. نماز خواندن بر میت، واجب است و دارای هفت رکن می باشد: رکن اول: نیت؛ رکن دوم: قیام؛ رکن سوم: گفتن چهار تکبیر؛ رکن چهارم: قرائت سوره فاتحه؛ رکن پنجم: صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله؛ رکن ششم: دعای مخصوص برای میت و رکن هفتم: سلام دادن.

۴. دفن میت در گورستان محلی، واجب است.

۵. حد اقل و کمترین اندازه قبر، حفره ای است که میت را از درندگان حفظ نموده و مانع از انتشار بوی جسد گردد.

۶. اگر زمین سخت باشد، نهادن مرده در لحد بهتر است، ولی اگر زمین نرم باشد، گذاستن مرده در شق بهتر می باشد.

۷. اگر میت در محل نزدیک به حرمین (بیت الحرام و مسجد النبی) و یا بیت المقدس باشد، انتقال او به آن اماکن مقدسه پس از غسل، تکفین و نماز خواندن سنت است.

۸. غسل و نماز بر شهیدی که در جنگ با کفار به درجه شهادت رسیده است، حرام است، ولی تکفین او واجب می باشد.

۹. شهداء سه دسته اند: شهید دنیا و آخرت؛ شهید دنیا و شهید آخرت که برای دو دسته اولی غسل و نماز میت لازم نیست.

۱. حمل میت چه حکمی دارد؟
۲. حکم تحقیر آمیز حمل نمودن میت، چیست؟
۳. احکام تشییع جنازه نسبت به مردان و زنان را توضیح دهید.
۴. برخی از سنت‌های تشییع جنازه را بیان کنید.
۵. نماز میت چه حکمی دارد؟
۶. ارکان نماز میت را نام ببرید.
۷. کیفیت خواندن نماز جنازه را عملاً توضیح دهید.
۸. دفن میت چه حکمی دارد؟
۹. حد اقل و کمترین اندازه قبر را بیان کنید.
۱۰. کامل‌ترین اندازه قبر چه مقدار است؟
۱۱. لحد و شق چه تفاوتی دارد؟ توضیح دهید.
۱۲. آیا انتقال میت به دیگر اماکن جایز است؟ توضیح دهید.
۱۳. احکام غسل، تکفین و نماز بر شهید چیست؟
۱۴. شهداء چند دسته اند؟ هر دسته را با ذکر احکام خاص سه آن دسته توضیح دهید.

اشاره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (سوره بقره/۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.

تعریف روزه

روزه [صوم یا صیام] در لغت به معنی خودداری نمودن از سخن گفتن و یا غذا خوردن است.

در شریعت، مراد از روزه آن است که مسلمان با قصد و نیت از چیزهایی که باعث افطار می شود [مفطرات] از طلوع صبح صادق [اول وقت نماز صبح] تا غروب خورشید خودداری نماید.

اقسام روزه

روزه به اقسام زیر تقسیم می شود:

- واجب؛

- مستحب [مسنون]؛

ص: ۱۹۰

-مکروه؛

-حرام.

روزه های واجب

روزه های واجب عبارتند از:

-روزه ماه مبارک رمضان؛

-روزه قضا؛

-روزه كفاره.

روزه های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال-به جز روزه های حرام و مکروه-مستحب است، ولی نسبت به بعضی از روزه ها تأکید و سفارش بیشتری شده است که برخی از آنها بدین شرح است:

-روز عرفه [نهم ذی الحجه] برای غیر حاجی؛

-هر دوشنبه و پنج شنبه؛

-سه روز از هر ماه و بهتر آن است که آن سه روز «ایام البیض»-یعنی روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ هر ماه-باشد.

-شش روز از ماه شوال؛ بهتر آن است که بعد از سپری کردن روز عید فطر، شش روز از شوال را روزه بگیرد، هرچند پشت سر هم نباشد.

روزه های مکروه

مراد از اروزه مکروه آن است که کسی آن را ترک کند، سزاوار ثواب الهی خواهد شد، اما اگر انجام دهد گناه محسوب نشود.

از جمله روزه های مکروه:

-تنها روز جمعه را روزه گرفتن؛

ص: ۱۹۱

-تنها روز شنبه را روزه گرفتن؛

-روزه دهر؛ مراد از روزه دهر آن است که کل سال را روزه بگیرد.

برخی از روزه های حرام

-روزه عید فطر؛

-روزه عید اضحی؛

-روزه سه روز ایام تشریق [سه روز بعد از روز عید اضحی]؛

نیت روزه

-روزه ماه رمضان و همچنین هر نوع روزه دیگر تنها با نیت و قصد، صحیح می باشد.

-باید برای هر روز نیت جداگانه نمود و نیت روزه واجبه-چه روزه ماه رمضان باشد و چه روزه غیر رمضان-باید در شب انجام گیرد.

-نیت روزه مستحبی-غیر واجبه-را می توان تا وقت زوال نیز انجام داد.

-در نیت روزه ماه رمضان تعیین وقت واجب می باشد و آن این است که روزه دار نیت کند که او فریضه ماه رمضان را ادا خواهد کرد.

ص: ۱۹۲

۱. روزه عبارت است از خودداری نمودن با قصد و نیت از مفطرات در مدت زمان طلوع فجر صادق تا غروب خورشید؛
۲. اقسام روزه: واجب، مستحب، مکروه و حرام؛
۳. نیت شرط صحت روزه می باشد؛
۴. نیت روزه واجب جداگانه و در شب باید انجام گیرد، ولی نیت روزه مستحبی را می توان تا وقت زوال نیز انجام داد.

پرسی ها

۱. روزه را در لغت و شریعت معنا نمائید.
۲. اقسام روزه را نام ببرید.
۳. روزه های واجب کدام است؟
۴. روزه های مستحب را نام ببرید.
۵. مراد از روزه مکروه چیست؟
۶. برخی از روزه های مکروه را نام ببرید.
۷. چه روزه هایی حرام می باشد؟
۸. آیا روزه بدون نیت صحیح است؟
۹. شخصی روزه مستحبی را بدون نیت انجام داده است. حکم روزه او چیست؟
۱۰. نیت روزه را چگونه انجام می دهند؟
۱۱. تعیین وقت در نیت روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟

اشاره

... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَسْبَغَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. (سوره بقره/۱۸۷)

... و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

مبطلات روزه

روزه دار باید از «اذان صبح» تا «غروب خورشید» از برخی کارها پرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه اش باطل می شود. به مجموعه این کارها «مبطلات روزه» گفته می شود.

از جمله مبطلات روزه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. خوردن و آشامیدن؛

۲. قی کردن؛

۳. آمیزش؛

۴

ص: ۱۹۴

۱. استمناء؛

۵. حیض؛

۶. نفاس؛

۷. جنون؛

۸. ارتداد.

۹. رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق [معدده یا روده] از طریق منفذ باز [دهان، گوش، قُبُل و دُبُر]؛

احکام مبطلات روزه

خوردن آشامیدن

۱. اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود؛

۲. اگر روزه دار به سبب فراموشی [نمی داند روزه است] چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود؛

۳. اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است، فرو برد، روزه اش باطل می شود؛

۴. اگر کسی با اکراه و اجبار چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق از طریق منفذ باز

۱. مراد از شیء عینی چیزی است که با چشم قابل دیدن باشد؛

۲. منظور از ماوراء حلق، معدده و یا روده است؛

۳. منفذ باز عبارت است از: دهان، گوش، قُبُل و دُبُر.

۴. استعمال عمدی قطره از طریق گوش روزه را باطل می کند؛

۵. استعمال عمدی قطره از طریق چشم روزه را باطل نمی کند؛

۶. اگر به ماوراء حلق روزه دار مگسی و یا غبار راه نفوذ کند، روزه اش باطل نمی شود؛

۷. فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند؛

۸. فرو بردن آب دهان متنجس (مثل کسی که به خاطر خونریزی لثه ای آب دهانش نجس شود و دهانش را آب نکشد، هرچند آب دهانش سفیدرنگ باشد) روزه را باطل می کند؛

۹. اگر هنگام مضمضه و یا استنشاق آب به ماوراء حلق رسد و چنانچه بدون مبالغه باشد، روزه اش باطل نمی شود. ولی اگر به خاطر مبالغه در مضمضه و یا استنشاق صورت پذیرد، روزه باطل می شود.

قی کردن

۱. اگر شخص روزه دار عمداً قی کند، روزه اش باطل می شود؛

۲. اگر قی بر روزه دار غلبه کرد و بدون اختیار قی نمود، روزه اش باطل نمی شود.

آمیزش

۱. اگر شخص روزه دار قبل از مغرب عمداً آمیزش کند، روزه اش باطل می شود؛

۲. اگر روزه دار از روی فراموشی آمیزش نماید، روزه اش باطل نمی شود.

استمناء

۱. اگر روزه دار استمناء کند، یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود؛

۲. اگر بی اختیار منی از او بیرون آید، مثلاً در خواب جنب شود، روزه اش باطل نخواهد شد.

حیض و نفاس

اگر زن روزه داری در جزئی از روز - اگرچه چند دقیقه قبل از غروب خورشید - حیض یا نفاس ببیند، روزه اش باطل می شود.

۱. اگر شخص روزه دار مبتلا به جنون شود، روزه اش باطل می شود؛

۲. اگر شخص روزه دار مرتد گردد و از دین خارج شود، روزه اش باطل می شود.

چند نکته

۱. بر شخص روزه دار واجب است که از انواع مفطرات [مبطلات روزه] از اول طلوع فجر تا پایان غروب خورشید خودداری نماید؛

۲. اگر فرد روزه دار یکی از مفطرات را به گمان اینکه فجر طلوع نکرده است، انجام دهد و سپس خطا و استباهش معلوم شود، روزه اش باطل گردد. البته برای احترام ماه رمضان در طول روز از خوردن و آشامیدن و آمیزش خودداری می کند و قضای آن روز را بجا خواهد آورد؛

۳. اگر شخص روزه دار در پایان روز به گمان اینکه غروب خورشید انجام گرفته است، افطار نماید و سپس معلوم گردد که غروبی در کار نبوده است، روزه اش باطل می شود و باید قضای آن روز را بجا آورد.

۱. به مجموعه کارهایی که روزه را باطل می کند، «مُبطِلَاتِ روزه» گفته می شود.

۲. برخی از مبطلات روزه: خوردن و آشامیدن؛ رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق از طریق منفذ باز؛ قی کردن؛ آمیزش؛ استمناء؛ حیض؛ نفاس؛ جنون؛ ارتداد.

۳. اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهواً و یا از روی اجبار بخورد، روزه اش باطل نمی شود.

۴. اگر چیزی از طریق دهان، گوش، دُبر و یا قُبَل به معده و یا روده شخص روزه دار برسد، روزه اش باطل می شود.

۵. اگر شخص روزه دار عمداً قی کند، روزه اش باطل می شود.

۶. اگر روزه دار قبل از مغرب قصداً آمیزش کند، روزه اش باطل می شود.

۷. استمناء عمدی روزه را باطل می کند.

۸. دیدن حیض و یا نفاس در جزئی از روز، موجب بطلان روزه زن روزه دار می شود.

۹. جنون و ارتداد روزه را باطل می کند.

۱. مراد از «مبطلات روزه» چیست؟
۲. برخی از مبطلات روزه را نام ببرید.
۳. کدام خوردن و آشامیدن است که روزه را باطل نمی‌کند؟
۴. مراد از «رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق از طریق منفذ باز» در مبطلات روزه چیست؟
۵. قی کردن چه زمانی مبطل روزه می‌باشد؟
۶. استمناء چیست و به کدام شرط مبطل روزه می‌شود؟
۷. زن روزه داری پنج دقیقه قبل از غروب حیض دید. آیا روزه اش صحیح است؟
۸. مراد از ارتداد چیست؟ آیا ارتداد مبطل روزه است؟
۹. اگر شخص روزه دار قبل از غروب خورشید به گمان اینکه غروب خورشید انجام گرفته است، یکی از مفطرات را انجام دهد، تکلیفش چیست؟

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِي السُّحُورِ بَرَكَهً. (صحیح بخاری/۱۸۲۳ و صحیح مسلم/۱۰۹۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سحری بخورید، چرا که در طعام سحری برکتی است.

آداب روزه

برای درست و صحیح انجام دادن روزه که از مهم ترین عبادات بدنی به حساب می رود، آداب زیادی وجود دارد که برخی از آن عبارت است از:

تعجیل افطار

-همزمان با غروب خورشیدف خوب است که روزه دار در افطار خویش تعجیل و شتاب نماید؛

-بهتر آن است که با رطب و خرما افطار نماید و اگر وجود نداشت، با آب افطار کند.

سحری نمودن

-هنگام سحر قبل از طلوع فجر صادق، خوردن طعام و غذای سحری مستحب است؛

-آغاز وقت سحری نمودن، پس از نیمه شب است؛

-فضیلت و ثواب سحری خوردن حتی با یک جرعه آب نیز به دست می آید.

تأخیر سحری

خوب است که سحری پس از نیمه شب به تأخیر افتد و قبل از طلوع فجر صادق به انتها رسد؛

ترک سخنان ناپسند

-مراد از سخنان ناپسند دشنام، دروغ، غیبت، سخنجینی و... است؛

-اگرچه با دشنام، دروغ، غیبت و سخنجینی روزه باطل نمی شود و روزه دار واجب خویش را انجام می دهد، اما اجر و ثواب روزه از بین می رود و روزه دار از ثواب روزه خویش محروم می شود.

غسل جنابت قبل از طلوع فجر

-خوب است که روزه دار غسل از جنابت را قبل از طلوع فجر صادق انجام دهد، تا با طهارت وارد روزه داری شود؛

-غسل از حیض و نفاس نیز همانند غسل از جنابت است.

دعای هنگام افطار

همزمان با افطار مستحب است که روزه دار بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُومْتُ، وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ، ذَهَبَ الظَّمَأُ، وَ ابْتَلَّتِ العُرُوقُ وَ ثَبَّتَ الاجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ».

افطاری دادن

-اگر توان و استطاعت دارد، مستحب است که به روزه داران طعام دهد.

-کسی که توان اطعام به روزه داران را ندارد، مستحب است که با خرما و یا آب افطاری دهد.

صدقه دادن

تلاوت قرآن

اعتکاف

اعتکاف در مسجد، بویژه در دهه آخر ماه مبارک رمضان، مستحب است.

مکروهات روزه

مکروهات روزه، عبارت است از مخالفت نمودن با آداب روزه؛ بنابراین، مکروهات روزه را می توان اینچنین نام برد:

-تأخیر افطار؛

-ترک سحری خوردن؛

-تعجیل سحری (یعنی سحری را خیلی زود بخورد، در حالی که هر چه نزدیک تر به آخر شب خوردن سحری مستحب است)؛

-مشغول بودن با سخنان ناپسند؛

-واگذاری غسل جنابت به بعد از طلوع فجر صادق....

ص: ۲۰۲

چکیده مطالب

۱. برای درست و صحیح انجام دادن روزه، آداب زیادی وجود دارد که برخی از آن عبارت است از: تعجیل افطار، سحری نمودن، تأخیر سحری، ترک سخنان ناپسند، غسل جنابت قبل از طلوع فجر، دعای هنگام افطار، افطاری دادن، صدقه دادن، تلاوت قرآن، اعتکاف و...

۲. مکروهات روزه، عبارت است از مخالفت نمودن با آداب روزه.

پرسش ها

۱. آداب روزه را برشمارید.

۲. مراد از تعجیل افطار چیست؟

۳. مراد از سخنان ناپسند چیست؟

۴. آیا کسی که سخنان ناپسند را در حال روزه داری بزند، روزه اش باطل می شود؟

۵. مراد از مکروهات روزه چیست؟

۶. مکروهات روزه را برشمارید.

ص: ۲۰۳

اشاره

...وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (سوره بقره، آیه ۱۸۵)

... و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکرگزاری کنید.

قضا و کفاره

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد؛ پس روزه ای که بعد از وقت آن، بجا آورده می شود، «روزه قضا» نام دارد.

کفاره روزه

کفاره همان جریمه ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از:

۱. آزاد کردن یک برده؛

۲. دو ماه روزه گرفتن؛

ص: ۲۰۴

۳. سیر کردن شصت فقیر و یا دادن یک مدّ طعام به هر یک از آنها.

چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی شود، مورد دوّم و سوّم را انجام می دهد؛ و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، کفاره در ذمه او باقی می ماند و هر زمان که به یکی از اینها توانایی یافت، باید انجام دهد.

موجب کفاره

موجب کفاره، عبارت است از باطل کردن روزه ماه رمضان به وسیله آمیزش به شروط زیر:

۱. آمیزش کننده، روزه داری خویش را فراموش نکرده باشد؛

۲. آمیزش کننده، به حرام بودن این عمل در روز ماه رمضان، علم داشته باشد؛

۳. آمیزش کننده، در حال سفر نباشد.

بنابر این:

۱. اگر آمیزش به سبب فراموشی روزه صورت گیرد، کفاره ندارد، تنها قضا دارد؛

۲. اگر شخص روزه دار حرمت آمیزش در روز ماه رمضان را نداند و آمیزش کند، کفاره ندارد، ولی قضا دارد؛

۳. باطل کردن روزه غیر ماه رمضان به وسیله آمیزش، کفاره ندارد، تنها قضا دارد؛

۴. کسی که روزه خویش را به غیر از آمیزش (مثل خوردن و یا آشامیدن) عمداً باطل کند، کفاره ندارد، بلکه تنها قضای آن روز را انجام می دهد.

کفاره به چه کسی واجب می شود؟

کفاره تنها به زوج [شوهر] واجب می شود، ولی به زوجه [زن] واجب نیست، هر چند روزه دار باشد.

احکام قضا

۱. اگر روزه دار چند روز از ماه رمضان را به خاطر مسافرت و یا مریضی

ص: ۲۰۵

روزه نگیرد، بر او واجب است که قبل از حلول ماه رمضان سال بعد، قضایش را بجا آورد.

۲. اگر به خاطر سهل انگاری قضایش را بجا نیاورد و رمضان بعدی داخل شود، گنه کار می شود و لازم است که همراه با قضای آن روزها، فدیة نیز پرداخت کند.

۳. مراد از فدیة، دادن یک مدّ طعام به فقیر در مقابل هر روز از غذای غالب جامعه می باشد. یک مدّ، تقریباً ۶۰۰ گرم می باشد.

۴. اگر قضای روزه ماه رمضان را به جهت استمرار و ادامه عذر شرعی انجام ندهد و رمضان بعدی وارد شود، فدیة لازم نباشد، بلکه قضا را بجا می آورد.

۵. اگر زن بارداری و یا شیردهی به خاطر خوفی که برای خودش احتمال می دهد، روزه اش را باطل کند، بر او تنها قضای آن روزها قبل از حلول ماه رمضان بعدی واجب می شود.

۶. اگر زن بارداری و یا شیردهی به خاطر خوفی که برای نوزادش احتمال می دهد، روزه اش را باطل کند، باید علاوه بر قضای آن روزها قبل از حلول ماه رمضان بعدی، برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

روزه مسافر

کسی که به حد اقل ۸۳ کیلومتر سفر کرده و سفرش هم مباح باشد، جایز است که روزه آن روز را نگیرد، ولی باید قضای آن را بجا آورد.

زکات فطره

۱. کسی که در آخرین جزء ماه رمضان و اولین جزء شوال زنده باشد، زکات فطره بر او واجب است.

۲. زکات فطره بر هر فرد مسلمانی که علاوه بر معاش خود و خانواده اش، در شب و روز عید چیزی داشته باشد، واجب است و باید زکات فطر خود و افراد تحت تکفلش را بپردازد.

مقدار زکات فطره

برای خودش و کسانی که نانخور او هستند، مانند همسر و فرزند، هر نفر، یک صاع که حدوداً ۲۱۷۲ گرم است.

جنس زکات فطره

۱. زکات فطره از چهارده نوع غذا، پرداخت می شود: گندم، جو، ذرت، برنج، نخود، عدس، لوبیا، باقلا، خرما، کشمش، کشک، شیر و پنیر.

۲. پرداخت پول به جای غذا در زکات فطره کفایت می کند.

وقت پرداخت زکات فطره

اگرچه پرداخت زکات فطره از اوّل رمضان تا قبل از نماز عید فطر جایز است، ولی بهترین وقت بعد از نماز صبح روز عید فطر و قبل از اقامه نماز عید می باشد.

ص: ۲۰۷

۱. اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد که آن را «روزه قضا» گویند.
۲. کفاره همان جریمه ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از: آزاد کردن یک برده؛ دو ماه روزه گرفتن؛ سیر کردن شصت فقیر و یا دادن یک مدّ طعام به هر یک از آنها.
۳. موجب کفاره، عبارت است از باطل کردن روزه ماه رمضان به وسیله آمیزش به شروط زیر: آمیزش کننده، روزه داری خویش را فراموش نکرده باشد؛ آمیزش کننده، به حرام بودن این عمل در روز ماه رمضان، علم داشته باشد؛ آمیزش کننده، در حال سفر نباشد.
۴. کسی که روزه خویش را به غیر از آمیزش (مثل خوردن و یا آشامیدن) عمداً باطل کند، کفاره ندارد، بلکه تنها قضای آن روز را انجام می دهد.
۵. کفاره تنها به زوج [شوهر] واجب می شود، ولی به زوجه [زن] واجب نیست، هر چند روزه دار باشد.
۶. کسی که به حد اقل ۸۳ کیلومتر سفر کرده و سفرش هم مباح باشد، جایز است که روزه آن روز را نگیرد، ولی باید قضای آن را بجا آورد.
۷. کسی که در آخرین جزء ماه رمضان و اولین جزء شوال زنده باشد، زکات فطره بر او واجب است. او برای خودش و کسانی که نانخور او هستند، مانند همسر و فرزند، هر نفر، یک صاع که حدوداً ۲۱۷۲ گرم است، پرداخت خواهد کرد.

۱. مراد از روزه قضا چیست؟

۲. کفاره روزه را تعریف و موارد آن را نام ببرید.

۳. موجب کفاره روزه چیست؟ توضیح دهید.

۴. برای چه کسی روزه نگرفتن جایز است؟ آیا از او قضای روزه نیز ساقط می‌شود؟

۵. مراد از زکات فطره چیست؟

۶. مقدار زکات فطره چه مقدار است؟

عن أنس (رضی الله عنه) قال: أتى رجلاً من تمیم رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: يا رَسُولَ اللهِ! إِنِّي ذُو مَالٍ كَثِيرٍ وَ ذُو أَهْلِ وَ مَيْالٍ وَ حَاضِرَةٍ؛ فَأَخْبِرْنِي كَيْفَ أَضَيِّعُ وَ كَيْفَ أَنْفِقُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: «تُخْرِجُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِكَ فَإِنَّهَا تُطَهِّرُهُ تُطَهِّرُكَ، وَ تَصِلُ أَقْرَبَاءَكَ وَ تَعْرِفُ حَقَّ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ وَ السَّائِلِ». (مسند احمد؛ ح: ۱۲۱۷۶)

انس گوید: مردی از قبیله تمیم حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! من دارای ثروت زیاد، صاحب اهل فراوان و پذیرای مهمانان بی شماری هستم؛ به من دستور فرمائید چه گونه رفتار نمایم و در انفاق مال خویش چه روشی داشته باشم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زکات مال خویش را پرداخت نما، چرا که آن پاکیزه گوی ای است که تو را پاک خواهد کرد؛ با نزدیکان خویش به نحو نیکو ارتباط داشته باش و حقوق مسکین، همسایه و پرسنده محتاج را بدان.

معنای زکات و حکم آن

۱. زکات در لغت به معنای «افزایش»، «برکت»، «پاکی» و «مدح» است.

۲. زکات در اصطلاح شرع و فقه عبارت است از مقداری از مال که با کیفیت مخصوصی به خاطر پاک نمودن اموال و ثروت، در راه خدا به افراد مستحق داده می شود.

۳. منظور از «کیفیت مخصوص» آن است که آن مال باید برخی شرایط را دارا باشد، موانعی در کار نباشد، زکات دهنده همراه با نیت آن را به کسانی که استحقاق گرفتن زکات را دارند، ادا نماید.

۴. زکات، یکی از ارکان مهم اسلام است و منکر و جوب آن به اجماع امت کافر است.

۵. حکمت و جوب زکات زیاد است، از جمله:

- نفع رساندن به نیازمندان و درماندگان؛

- افزایش و رشد مال و ثروت؛

- پاک نمودن مال و ثروت از آلودگی معنوی؛

- پیرایش نفس از اخلاق ناپسند، همچون بخل و حرص؛

- آرایش نفس با اخلاق پسندیده، همچون جود، بخشش، ایثار و....

انواع زکات

۱. زکات بر دو نوع است:

- زکات فطر؛

- زکات مال.

۲. زکات مال بر دو قسم است:

- زکات قیمت؛

- زکات عین.

۳. زکاتی که به کالاهای تجارتي تعلق دارد، زکات قیمت نامند.

۴. زکات چهارپایان، طلا و نقره، زراعت و میوه را زکات عین گویند.

۵. در ده چیز پرداخت زکات واجب است:

(۱) شتر (۲) گاو (۳) گوسفند (۴) طلا

۵) نقره ۶) حبوبات و دانه ها (گندم، جو، برنج، عدس، نخود، ذره و... ۷) خرما ۸) انگور ۹) کالاهای تجاری ۱۰) معدن و زکاز

۶. در چهارپایان دیگر، همچون اسب، زکات زمانی واجب است که آنها مال التجاره باشند؛ ۷. پرداخت زکات در اسکناس نیز واجب است، چرا که در واقع پشتوانه ارزش اسکناس همان ارزش طلا و نقره است.

شرایط وجوب پرداخت زکات

۱. شرایط وجوب زکات عبارت است از:

-اسلام؛

-رسیدن مال به حد نصاب؛

-مالکیت کامل؛

-معین و مشخص بودن مالک؛ [بنابر این در مال برده که مالک آن معین نیست و نیز در مال بیت المال زکات واجب نیست.]

-گذشتن یک سال قمری که به آن «حَوْل» گویند؛ البته حَوْل در پنج مورد شرط نیست، بلکه فی الفور زکات واجب می شود:

حبوبات و میوه ها؛ گنج؛ معادن؛ توله چهارپایان؛ سود تجارت که تبدیل به پول نشود.

۲. علاوه بر پنج شرط قبلی، برای زکات چهارپایان دو شرط دیگر نیز وجود دارد:

-در اکثر سال بچرد؛ یعنی صاحبش با علم به اینکه مالک آنهاست، چهارپایان را برای چریدن رها کند که اکثر سال از گیاه مباح بچرند؛

-حیوان کاری نباشد؛ حیوان کاری، حیوانی است که در شخم زدن و باربری مورد استفاده قرار می گیرد.

ص: ۲۱۲

۱. زکات در لغت به معنای «افزایش»، «برکت»، «پاکی» و «مدح» و اصطلاح شرع و فقه عبارت است از مقداری از مال که با کیفیت مخصوصی به خاطر پاک نمودن اموال و ثروت، در راه خدا به افراد مستحق داده می شود.
۲. زکات، یکی از ارکان مهم اسلام که دارای حکمت زیادی است و منکر و جوب آن به اجماع امت محکوم به کفر می باشد.
۳. زکات بر دو نوع است: زکات فطر و زکات مال.
۴. زکات مال بر دو قسم است: زکات قیمت-زکاتی که به کالاهای تجارتي تعلق دارد- و زکات عین یعنی زکات چهارپایان، طلا و نقره، زراعت و میوه.
۵. در ده چیز پرداخت زکات واجب است: شتر، گاو، گوسفند، طلا، نقره، حبوبات و دانه ها (گندم، جو، برنج، عدس، نخود، ذره و...)، خرما، انگور، کالاهای تجاری، معدن و رُکاز.
۶. پرداخت زکات در اسکناس نیز واجب است.
۷. شرایط وجوب زکات عبارت است از: اسلام؛ رسیدن مال به حد نصاب؛ مالکیت کامل؛ معین و مشخص بودن مالک؛ گذشتن یک سال قمری.
۸. برای زکات چهارپایان دو شرط دیگر نیز وجود دارد: در اکثر سال بچرد و حیوان کاری نباشد.

۱. زکات را در لغت و اصطلاح شرع بیان کنید.

۲. حکم منکر زکات چیست؟ چرا؟

۳. انواع زمات را نام ببرید.

۴. زکات مال بر چند قسم است؟ توضیح دهید.

۵. در چند چیز پرداخت زکان واجب است؟

۶. شرایط وجوب زکات را نام ببرید.

۷. شرایط خاص زکات چهارپایان را بیان کنید.

اشاره

إن النبی صلی الله علیه و آله قال: «فِی الْإِبِلِ صَيْدَقَتُهَا وَ فِی الْعَنْمِ صَيْدَقَتُهَا وَ فِی الْبَقَرِ صَيْدَقَتُهَا وَ فِی الْبِزِّ صَيْدَقَتُهَا» (سنن الدار قطنی؛ ح: ۱۶۹۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در شتر، گوسفند، گاو و متاع تجاری صدقه [زکات] وجود دارد.

نصاب چیست؟

۱. نصاب، همان حد اقل مقداری از مال است که با وجود آن زکات بر مال تعلق می گیرد.
۲. هر یک از انواع زکات، نصاب خاصی دارند که به طور جداگانه بیان خواهیم کرد.

نصاب چهارپایان

نصاب شتر

۱. شتر، چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام، مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.
۲. اولین نصاب شتر، پنج رأس شتر است؛ بنابراین در کمتر از پنج رأس

شتر، زکاتی وجود ندارد.

۳. انواع نصاب و زکات شتر در جدول زیر ارائه شده است:

ص: ۲۱۶

۴. اگر کسی دارای ۳۶ رأس شتر باشد و بنت لبون ندارد، می تواند یک شتر سه ساله (حقه) را به عنوان زکات پرداخت نماید و کسری قیمت را جبران کند که آن حدوداً به ارزش دو رأس گوسفند است.

نصاب گاو

۱. گاو نیز چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام، مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.
۲. در زکات گاو، اولین نصاب، سی رأس است؛ بنابراین، در کمتر از سی رأس زکاتی تعلق نمی گیرد.
۳. انواع نصاب و مقدار زکات گاو در جدول زیر آورده شده است:

ص: ۲۱۷

۱. گوسفند نیز چندین نصاب دارد، لذا مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.
۲. اولین نصاب گوسفند، چهل رأس است؛ بنابراین، در کمتر از چهل رأس گوسفند، زکاتی واجب نخواهد شد.
۳. انواع نصاب و زکات گوسفند در جدول زیر آورده شده است:

برخی احکام زکات چهارپایان

۱. پرداخت زکات نوعی از چهارپایان به جای نوع دیگری از آن، به شرط مراعات نمودن قیمت جایز بوده و کفایت می کند.
۲. اگر شخصی دارای ۳۰ رأس بز و ۱۰ رأس گوسفند باشد، باید یک رأس بز که قیمت آن ۷۵٪ قیمت بز و ۲۵٪ قیمت گوسفند است، به عنوان زکات پرداخت نماید.

۱. نصاب، همان حد اقل مقداری از مال است که با وجود آن زکات بر مال تعلق می گیرد و هر یک از انواع زکات، نصاب خاصی دارند.

۲. شتر، گاو و گوسفند چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام، مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.

۳. پرداخت زکات نوعی از چهارپایان به جای نوع دیگری از آن، به شرط مراعات نمودن قیمت جایز بوده و کفایت می کند.

پرسش ها

۱. مراد از نصاب چیست؟

۲. آیا برای هر نوع زکاتی نصاب واحدی وجود دارد؟

۳. نصاب شتر را بیان کنید.

۴. در ۵۵ رأس شتر چه مقدار زکات واجب است؟

۵. نصاب گاو را بیان کنید.

۶. در ۸۷ رأس گاو چه مقدار زکات واجب می شود؟

۷. حد اقل تعداد گوسفندان که زکات بر آن واجب می شود، چه مقدار است؟

۸. در ۲۴۵ رأس گوسفند باید چه مقدار زکات پرداخت کرد؟

۹. اگر شخصی دارای ۲۰ رأس بز و ۲۰ رأس گوسفند باشد، چگونه زکاتش محاسبه می شود؟

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ - يَعْنِي فِي الذَّهَبِ - حَتَّى يُكُونَ لَكَ عِشْرُونَ دِينَارًا، فَإِذَا كَانَتْ لَكَ عِشْرُونَ دِينَارًا وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَفِيهَا نِصْفُ دِينَارٍ؛ فَمَا زَادَ فَبِحِسَابِ ذَلِكَ...» (سنن ابی داود؛ ح: ۱۳۵۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: تا رسیدن مقدار طلا به بیست دینار، بر تو چیزی واجب نباشد. هر گاه دارای بیست دینار شدی و بر آن یک سال گذشت، در آن مقدار نیم دینار واجب گردد؛ بیش از این مقدار به همین منوال حساب می شود....

نصاب طلا و نقره

۱. نصاب طلا بیست مثقال است و در کمتر از بیست مثقال، زکات واجب نشود.

۲. مثقال دو نوع است:

- مثقال عجمی: هر مثقال مساوی با $\frac{4}{8}$ گرم است؛ پس: ۲۰ مثقال ۹۶ گرم؛

- مثقال عراقی: هر مثقال مساوی با ۵ گرم است؛ پس: ۲۰ مثقال ۱۰۰ گرم؛

۳. مصلحت مستحقین زکات اقتضا می کند که احتیاطاً در زکات طلا مثقال عجمی را معتبر بدانیم؛ از این رو در نصاب طلا ۹۶ گرم به اعتبار گرفته می شود.

۴. مقدار زکاتی که در ۹۶ گرم طلا واجب است، $\frac{2}{4}$ گرم طلا - بوده و پس از گذشت یک سال قمری به نیت زکات پرداخت می شود.

نصاب نقره، دویست درهم است و در کمتر از دویست درهم، زکاتی تعلق نمی گیرد.

۶. هر ده درهم هموزن هفت مثقال است و هفت مثقال مساوی با $\frac{۳۳}{۶}$ گرم می باشد؛

پس: ۲۰ [ده درهم] * $\frac{۳۳}{۶۶}$ [هفت مثقال] = ۶۷۲ گرم

۷. مقدار زکاتی که در ۶۷۲ گرم نقره تعلق می گیرد، $\frac{۱۶}{۸}$ گرم نقره است که پس از گذشت یک سال قمری به نیت زکات پرداخت می شود.

۸. به ظروف و وسائل طلائی و نقره ای زکاتی تعلق نمی گیرد.

۹. نسبت به زیورآلات و آرایش های طلائی زن و همچنین نقره ای زن و مرد، اگر در عرف به حد اسراف نرسد، زکات تعلق نمی گیرد.

نصاب حبوبات و دانه ها

۱. نصاب در حبوبات و دانه ها حد اقل پنج وسق است؛ هر وسق، شصت صاع است که حدوداً پانصد کیلوگرم می باشد.

۲. مقدار و اندازه واجب در زکات حبوبات، به شرح زیر است:

- در حبوباتی که به وسیله آب رودخانه، باران و یا آب جاری آبیاری می شوند، به مقدار یک دهم (۱۰٪) زکات واجب می شود؛

- در حبوباتی که با هزینه و زحمت آبیاری شوند - مثلاً آب از چاه استخراج شود - یک بیستم (۵٪) زکات تعلق می گیرد.

نصاب میوه ها

۱. منظور از میوه هایی که پرداخت زکات در آنها واجب است، خرما و انگور می باشد. اما نسبت به سایر میوه ها - همچون انار، گلابی، سیب، خربزه، هلو و... - زکات واجب نیست.

۲. زکات میوه مشروط به موارد زیر است:

- خوراکی باشد؛

- قوتِ اختیاری باشد؛

- صلاحیت ذخیره کردن داشته باشد؛

- همه یا بعضی از آن رسیده باشد؛

- خودرو نباشد.

۳. نصاب زکات میوه ها، پنج وسق - یعنی حدود ۵۰۰ کیلوگرم - است.

۴. هر گاه میوه خشک شود، مقدار آن تعیین و سپس زکات آن داده می شود.

۵. مقدار و اندازه واجب در زکات میوه ها، همانند زکات حبوبات است.

نصاب کالاهای تجاری

۱. کالای تجاری (مال التجاره)، دربرگیرنده همه اموال از حیوان و غیر آن است که به منظور تجارت در مقابل طلا یا نقره و یا... معامله می شود.

۲. شرایط زکات در کالاهای تجاری:

- کالاهای تجاری باید از طریق معامله (داد و ستد) به دست آمده باشد؛

- قصد نگهداری کالا و استفاده شخصی نداشته باشد، بلکه قصد تجارت داشته باشد؛

- از زمان مالکیت باید یک سال قمری گذشته باشد؛

- همه کالاهای تجاری در وسط سال تبدیل به نقد نشود؛

- قیمت کالا در آخر سال به حد نصاب برسد.

۳. نصاب کالاهای تجاری همانند نصاب طلا و نقره است؛ یعنی زمانی که ارزش کالا به مقدار ۹۶ گرم طلا و یا به قدر ۶۷۲ گرم نقره رسید، زکات در آن واجب می شود.

۴. مقدار زکات واجب در کالاهای تجاری یک چهارم (۲/۵٪) است.

۵. دادن زکات از اصل کالای تجاری کفایت نمی کند، بلکه باید قیمت آن پرداخت شود.

نصاب معدن و رکاز

۱. مراد از معدن و رکاز، طلا و یا نقره ای است که از زیر زمین استخراج می شوند:

۱- اگر طلا و یا نقره از مواد دیگر زیرزمینی تصفیه و استخراج شود، آن را معدن گویند؛

۲- اگر طلا و یا نقره ای قبل از اسلام زیر زمین دفن شده است، به آن رکاز گویند.

۲. نصاب معدن و رکاز، همان نصاب طلا و نقره است.

۳. گذشت سال قمری برای وجوب زکات معدن و رکاز شرط نیست، بلکه زکات آن فوری واجب می شود.

۴. مقدار زکات واجب: برای معدن: یک چهلیم، $2/5\%$ ؛ برای رکاز: یک پنجم، 20% .

ص: ۲۲۳

۱. نصاب طلا- بیست مثقال است و مصلحت مستحقین زکات اقتضا می کند که احتیاطاً در زکات طلا مثقال عجمی را معتبر بدانیم.

۲. نصاب نقره، دو بیست درهم است و هر ده درهم هموزن هفت مثقال است و هفت مثقال مساوی با $\frac{33}{6}$ گرم می باشد.

۳. نصاب در حیوانات و دانه ها حد اقل پنج وسق است؛ مقدار و اندازه واجب در حیواناتی که به وسیله آب رودخانه، باران و یا آب جاری آبیاری می شوند، به مقدار یک دهم (۱۰٪) و در حیواناتی که با هزینه و زحمت آبیاری شوند یک بیستم (۵٪) زکات تعلق می گیرد.

۴. میوه هایی که پرداخت زکات در آنها واجب است، خرما و انگور می باشد و زکات میوه مشروط به مواردی است.

۵. نصاب زکات میوه ها، پنج وسق بوده و مقدار و اندازه واجب در زکات آن، همانند زکات حیوانات محاسبه می شود.

۶. کالای تجاری (مال التجاره)، دربرگیرنده همه اموال از حیوان و غیر آن است که به منظور تجارت در مقابل طلا یا نقره و یا... معامله می شود.

۷. نصاب کالاهای تجاری همانند نصاب طلا و نقره بوده و مقدار زکات واجب در کالاهای تجاری یک چهارم (۲/۵٪) است.

۸. مراد از معدن طلا و یا نقره ای که از مواد دیگر زیرزمینی تصفیه و استخراج شده و مراد از رُکاز، طلا و یا نقره ای است که قبل از اسلام زیر زمین دفن شده و سپس استخراج شده است.

۹. نصاب معدن و رُکاز، همان نصاب طلا- و نقره است و مقدار زکات واجب: برای معدن: یک چهارم (۲/۵٪)؛ برای رُکاز: یک پنجم (۲۰٪).

۱. نصاب طلا چه مقدار است؟
۲. مثقال عجمی با مثقال عراقی چه تفاوتی دارد؟
۳. در باب زکات کدام نوع مثقال از اعتبار بیشتر برخوردار است؟ چرا؟
۴. در دو نصاب از طلا چه مقدار زکات واجب می‌شود؟
۵. نصاب نقره را بیان کنید.
۶. در ۳۰۰ درهم نقره چه مقدار زکات واجب می‌شود؟
۷. نصاب حبوبات را بیان کنید.
۸. آیا برای هر نوع میوه ای زکات واجب می‌شود؟ توضیح دهید.
۹. مراد از کالای تجاری چیست؟
۱۰. نصاب کالای تجاری و مقدار زکات واجب در آن را بیان کنید.
۱۱. تفاوت معدن با رکاز چیست؟
۱۲. وجوب زکات معدن و رکاز چگونه است؟
۱۳. مقدار زکات واجب برای معدن به نسبت مقدار زکات واجب برای رکاز چگونه است؟ توضیح دهید.

اشاره

قال الله تعالى:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (سوره توبه، آیه ۶۰)

زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن (زحمت می کشند)، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!

مستحقین زکات

مستحقین زکات - یعنی کسانی که حق استفاده و مصرف کردن از زکات را دارند - هشت دسته اند: فقیران، مسکین ها، عامل زکات، مؤلفه القلوب، مکاتب، غارم، کسانی که در راه خدا تلاش می کنند و در راه ماندگان.

فقیر

فقیر کسی است که مال و کسبی ندارد و برای بقیه عمرش به طعام، لباس و مسکن کافی دسترسی نداشته باشد؛ همانند کسی که روزی به ده تومان نیازمند باشد، ولی سه یا چهار تومان به او می رسد.

مسکین

مسکین کسی است که دارای کسب و مال است، هر چند برای او کفایت نکند؛ همانند کسی که روزی به ده تومان نیازمند باشد، ولی هفت یا هشت تومان به او برسد.

عامل زکات

۱. عامل زکات، کسی است که در جمع آوری زکات سهمی دارد، مانند گردآورنده، حسابدار، نویسنده و...

۲. حقوق عامل زکات، از زکات جمع آوری شده توسط امام پرداخت می شود.

مؤلفه القلوب

۱. مؤلفه القلوب، چهار دسته اند:

- تازه به اسلام گرویده ای که ایمان او ضعیف باشد؛

- کسی که مسلمان شده و در میان طایفه خود آبرو و عنوان دارد و کمک مالی به او از راه اعطای زکات، سبب اسلام دیگران شود؛

- مسلمانی که به وسیله زکات دادن به او، مسلمانان از شرّ قبیله کافر او مصون و محفوظ بمانند؛

- مسلمانی که در گرفتن زکات از مانع الزکات، مسلمین را حمایت نماید.

۲. به مؤلفه القلوب سهمی از زکات زمانی داده می شود که به آنان نیاز باشد و در غیر این صورت، پرداخت زکات به آنها جایز نباشد.

مکاتب

۱. مکاتب، برده ای است که اربابش با او قرارداد بسته که مبلغی را به اقساط معین در مدّت مقرر بپردازد و پس از پرداخت آخرین قسط آزاد شود.

۲. قرارداد مذکور در اصطلاح فقهی «کتابت»، اقساط پرداختی «نجوم» و برده مذکور را «مکاتب» گویند.

غارم

غارم، به معنی بدهکار است که چهار دسته اند:

- کسی که برای اصلاح دو شخص متخاصم قرض کرده باشد؛
- کسی که برای مصلحت عامه-همانند تعمیر مسجد-قرض کرده باشد؛
- کسی که برای خود قرض کرده باشد تا در راه مباح صرف کند؛
- کسی که ضامن کسی یا چیزی شده و این ضمانت منجر به دادن غرامت شده است و برای این منظور قرض کرده باشد.

سبیل الله

۱. مراد از «...سبیل الله»، کسانی که در راه خدا با رغبت و میل تلاش می کنند که آنها را جهادگران نامند.
۲. زکات به جهادگران تعلق می گیرد، هرچند آنان نیاز نداشته باشند.

ابن سبیل

۱. ابن سبیل:

- مسافر درمانده یا است که از شهر زکات دهندگان آغاز سفر نماید و یا از آن جا عبور کند و نیازمند به مبلغی است که او را به مقصد برساند؛
- غریبی است که از اموال و شهر خود دور افتاده باشد.
- ۲. شرایط ابن سبیل در برخورداری از زکات به شرح ذیل است:
 - نیازمند باشد؛
 - سفرش مباح باشد؛
 - هدف و مقصد درستی داشته باشد.

نکته مهم

همه مصرف کنندگان هشتگانه زکات، باید دارای شرایط زیر باشند:

۱.اسلام؛

۲.آزاد بودن؛

۳.نفقه و تأمین مالی او بر زکات دهنده واجب نباشد.

کیفیت توزیع زکات

زکات به دسته های موجود هشتگانه مصرف کنندگان زکات پرداخت می شود:

۱- اگر همه هشت دسته موجود باشند، بدون محروم کردن دسته ای، به همه پرداخت می شود؛

۲- اگر دسته ای موجود نباشد، سهم آن دسته به بقیه توزیع می شود؛

۳- اگر نیاز دسته ای برآورده شود و مال الزکات اضافه بیاید، به دیگر دسته ها توزیع می شود؛

۴- زکات میان دسته های هشتگانه به طور مساوی تقسیم می گردد؛

۵- لازم نیست زکات میان افراد یک دسته به صورت مساوی تقسیم شود، بلکه با توجه به نیازشان توزیع خواهد شد.

ص: ۲۲۹

۱. مستحقین زکات هشت دسته اند: فقیران، مسکین ها، عامل زکات، مؤلفه القلوب، مکاتب، غارم، کسانی که در راه خدا تلاش می کنند و در راه ماندگان.
۲. فقیر کسی است که مال و کسبی ندارد و برای بقیه عمرش به طعام، لباس و مسکن کافی دسترسی نداشته باشد؛ اما مسکین کسی است که دارای کسب و مال است، هرچند برای او کفایت نکند؛
۳. عامل زکات، کسی است که در جمع آوری زکات سهمی دارد
۴. مؤلفه القلوب، چهار دسته اند: (۱) تازه به اسلام گرویده؛ (۲) کسی که مسلمان شده و کمک مالی به او، سبب اسلام دیگران شود؛ (۳) مسلمانی که به وسیله زکات دادن به او، مسلمانان از شرّ قبیله کافر او مصون و محفوظ بمانند؛ (۴) مسلمانی که در گرفتن زکات از مانع الزکات، مسلمین را حمایت نماید.
۵. مکاتب، برده ای است که اربابش با او قرارداد بسته که مبلغی را به اقساط معین در مدّت مقررّ پردازد و پس از پرداخت آخرین قسط ازاد شود.
۶. غارم به معنی بدهکار است که چهار دسته اند؛
۷. مراد از «...سبیل الله»، کسانی که در راه خدا با رغبت و میل تلاش می کنند که آنها را جهادگران نامند.
۸. ابن سبیل: (۱) مسافر درمانده؛ (۲) غریبی است که از اموال و شهر خود دور افتاده باشد.
۹. زکات به دسته های موجود هشتگانه مصرف کنندگان زکات پرداخت می شود.

۱. مراد از مستحقین زکات چیست؟
۲. مستحقین زکات را نام ببرید.
۳. فقیر با مسکین چه تفاوتی دارند؟
۴. مراد از عامل زکات چیست؟
۵. مؤلفه القلوب چند دسته اند؟ هر یک را توضیح دهید.
۶. مکاتب کیست؟
۷. غارم به چه معناست؟ چند دسته است؟
۸. مراد از «سبیل الله» چیست؟
۹. ابن سبیل را توضیح دهید.
۱۰. شرایط مستحقین زکات کدام است؟
۱۱. کیفیت توزیع زکات به مستحقین را توضیح دهید.

قال الله تعالى:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

تعالیم وحیانی اسلام هر انسانی را در برابر مسائل اجتماعی مسئول می داند. هر کسی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می پذیرد و کارهای نیک و پسندیده ای ترک می شود، مسئولیت دارد. از این رو، اگر کار واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و همه افراد جامعه برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند که این عمل را «امر به معروف» و «نهی از منکر» نامند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

از آیات و روایات اسلامی برمی آید که امر به معروف و نهی از منکر آثار فوق العاده ای دارد و جامعه مسلمانان این واجب الهی را باید مورد توجه قرار دهند. در برخی آیات و روایات چنین آمده است (۱):

ص: ۲۳۲

۱- (۱). برگرفته از «احیاء علوم الدین» امام محمد غزالی؛ ج ۲، ص ۳۰۶-۳۰۸.

-امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است؛

-سعادت و رستگاری برای کسانی است که امر به معروف و نهی از منکر را برپا می دارند؛

-قیام به امر به معروف و نهی از منکر، نشانه صلاح و موجب تکامل انسان مؤمن می باشد؛

-یکی از صفات مؤمنین واقعی، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر است؛

-بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و ترک آن گناه کبیره بوده و موجب لعنت خداوند است؛

-خیریت و نیکویی امت اسلام بسته به برپایی امر به معروف و نهی از منکر است؛

-امر به معروف و نهی از منکر در اهمیت کمتر از نماز و زکات نیست؛

-اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند: عذاب فراگیر خداوند همه را یکجا دربر خواهد گرفت؛ بدترین انسان ها بر مردم مسلط خواهند شد و دعا‌های نیکوترین انسان ها اجابت نخواهد شد...

تعریف معروف و منکر

تعریف معروف: هر گونه سخن و رفتاری که موجب رضایت و خوشنودی پروردگار باشد، «معروف» نامیده می شود.

بنابر این، می توان همه واجبات و مستحبات احکام دین را از مصادیق معروف دانست.

تعریف منکر: هر گونه سخن و رفتاری که بر خلاف رضایت و خوشنودی پروردگار باشد، «منکر» نامیده می شود.

از این رو، مصادیق منکر در احکام دین کلیه محرمات و مکروهات خواهد بود.

با توجه به تعاریف معروف و منکر، گفته اند:

-«امر به معروف» عبارت است از واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب؛

-«نهی از منکر» عبارت است از بازداشتن مردم از کارهای حرام و مکروه.

ارکان امر به معروف و نهی از منکر

در کتب فقهی اصطلاح کلی ای که تمام مسائل امر به معروف و نهی از منکر را شامل می شود، «حسبه» نام دارد. حسبه دارای چهار رکن است:

۱. المحتسب: کسی که قیام به امر به معروف و نهی از منکر می کند؛
۲. المحتسب علیه: کسی که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؛
۳. المحتسب فیه: کار و فعلی که باعث امر به معروف و نهی از منکر می گردد؛
۴. الاحتساب: امر به معروف و نهی از منکر و نحوه انجام دادن آن.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

برای هر کدام از ارکان های چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر شرایط خاصی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

شرایط محتسب

۱. بالغ و رشید و از اهل تکلیف باشد؛
۲. ایمان داشته باشد؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر برای یاری دین و تقویت احکام شریعت قرار داده شده است و چگونه کسی که خود به دین و احکام آن ایمان ندارد، دیگری را به آن فرا می خواند؟!؛
۳. عادل باشد؛ یعنی کسی که علناً گناه نکند، چرا که خداوند فرموده: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید!

البته برخی ها این شرط را لازم ندانسته اند.

۴. معروف و منکر را بشناسد و به آن علم داشته باشد.

ص: ۲۳۴

شرایط محتسب علیه

برای کسی که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد تنها یک شرط را لازم دانسته اند و آن عبارت است از این که او انسانی باشد که در حق او آن کار ممنوعه، منکر محسوب شود. بنابر این، سن بلوغ و شرایط تکلیف را برای او شرط نکرده اند، چرا که اگر کودک و یا مجنون مرتکب منکر شوند، مورد منع و نهی قرار می گیرند.

شرایط محتسب فیه

کار و فعلی که مورد نهی و منع قرار می گیرد و باعث امر به معروف و نهی از منکر می شود، دارای چهار شرط است:

۱. منکر باشد؛ یعنی فعلی است که از منظر شریعت هر کس باید از آن برحذر باشد و این اعم از گناه است. مثلاً اگر کودکی و یا مجنونی شراب مست کننده بنوشد، مورد منع و نهی قرار می گیرد، هر چند این عمل برای آن دو گناه محسوب نشود.

۲. منکر موجود باشد و یا مقدمات آن موجود باشد؛

۳. منکر بدون تجسس و تحقیق ظاهر و علنی باشد؛

۴. منکر اجتهادی نباشد؛ یعنی منکر بودن آن فعل قطعی باشد و از روی اجتهاد و رأی محکوم به منکر نباشد. بنابر این، اگر فعلی در یک مذهبی منکر محسوب شود و عین همان فعل در دیگر مذهب منکر محسوب نشود، در انجام امر به معروف و نهی از منکر مذهب مرتکب آن فعل در نظر گرفته می شود.

شرایط احتساب

برای احتساب که عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر و نحوه انجام آن، مراتب و آدابی است که در درس بعد به تفصیل برخی از آنها می پردازیم.

چکیده مطالب

۱. هر مسلمانی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می پذیرد و کارهای نیک و پسندیده ای ترک می شود، مسئولیت دارد.

۲. از آیات و روایات اسلامی برمی آید که امر به معروف و نهی از منکر آثار فوق العاده ای دارد و جامعه مسلمانان این واجب الهی را باید مورد توجه قرار دهند.

۳. معروف: هر گونه سخن و رفتاری که موجب رضایت و خوشنودی پروردگار باشد؛

۴. منکر: هر گونه سخن و رفتاری که بر خلاف رضایت و خوشنودی پروردگار باشد؛

۵. «امر به معروف» عبارت است از واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب؛ «نهی از منکر» عبارت است از بازداشتن مردم از کارهای حرام و مکروه.

۶. حسب دارای چهار رکن است: المحتسب؛ المحتسب علیه؛ المحتسب فیه؛ الاحتساب.

۷. برای هر کدام از ارکان های چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر شرایط خاصی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد.

پرسش ها

۱. این عبارت را توضیح دهید: «تعالیم و حیانی اسلام هر انسانی را در برابر مسائل اجتماعی مسئول می داند.»

۲. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی چه اهمیتی دارد؟

۳. معروف و منکر را تعریف کنید.

۴. مصادیق معروف و منکر در کدام امور خلاصه می شوند؟

۵. امر به معروف چیست؟

۶. نهی از منکر چیست؟

۷. مراد از حسب چیست؟

۸. ارکان حسب را نام ببرید.

۹. شرایط محتسب را بیان کنید.

درس چهل و هشتم: امر به معروف و نهی از منکر (۲)

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «من رأى منكم منكراً فليغيره بيده، فإن لم يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلبه و ذلك أضعف الإيمان». («صحيح مسلم»/ ۴۹؛ «سنن ترمذی»/ ۲۱۷۲؛ «سنن نسائی»/ ۱۱۱/۸-۱۱۲)

هر کسی از شما منکری را ببیند [اگر توانست] با دست آن را تغییر دهد؛ اگر نتوانست با زبان و اگر این را هم نتوانست با قلب و دل خویش تغییر دهد و آن [تغییر قلبی] ضعیف ترین ایمان است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که مراعات آنها واجب است. مهم ترین آن مراتب:

مرتبۀ اول: شناخت منکر

شناخت موارد منکر باید از طریق صحیح انجام گیرد. بنابر این، تجسس، استراق سمع و همانند این اعمال در شناخت منکر جایز نیست، مگر از جانب امام و رهبر جامعه اسلامی مجوز داشته باشد.

ص: ۲۳۷

مرتبۀ دوم: شناساندن منکر

گاهی اتفاق می افتد که شخصی به خاطر جهل و نادانی مرتکب فعل منکری می شود و اگر او بداند که آن فعل در شریعت منکر و ممنوع است، ترک خواهد کرد. بنابراین، شناساندن منکر بر مرتکب آن لازم و ضروری است.

مرتبۀ سوم: موعظه، نصیحت و انذار

نهی از منکر به وسیله موعظه، نصیحت و ترساندن از عذاب الهی برای کسی است که با عمد و علم مرتکب گناه شده و بر آن اصرار می ورزد.

باید توجه کرد امر و نهی زبانی همواره به مهربانی و لطف استوار باشد و هرگز از خشم و غضب سرچشمه نگیرد. از این رو، به گناهکار باید دلسوزانه نگرست و مصیبت وارده بر گناهکار را، مصیبت خویش دانست.

مرتبۀ چهارم: امر و نهی خشن

امر و نهی شفاهی همراه با خشونت برای کسی است که از روش قبلی اصلاح نشود و بر گناه خود اصرار نماید. در این مرتبه از هر نوع دشنام، فحش، نسبت های ناروا و دروغ و تهمت جداً بر حذر باشد و از الفاظی استفاده نماید که مؤثر واقع شوند و گناهکار را از ادامه گناه بازدارند.

البته، اگر بداند که این روش او را از ادامه گناه باز نخواهد داشت، سزاوار است که هیچ حرفی به زبان نیاورد و تنها بر اظهار ناراحتی، اخمف چهره عبوس و امثال آن اکتفا کند.

مرتبۀ پنجم: اقدام عملی و تغییر فیزیکی

زمانی که گناهکار به وعظ و نصیحت و حتی الفاظ شدید و زننده دست از گناه خویش برندارد و بر ادامه گناه خود اصرار ورزد- مثلاً بر شرب خمر ادامه دهد- محتسب به اقدام عملی روی می آورد و با دستان خویش وضع را تغییر

می دهد(در مثال بالا، شیشه خمر را می شکند).

در اقدام عملی سه امر متصور است:

۱. زجر و بازداشت؛ این امر جهت جلوگیری از ادامه ارتکاب گناه کاربرد دارد؛

۲. مجازات و عقوبت؛ این امر به خاطر کنهانی که در گذشته انجام گرفته است، به کار گرفته می شود؛

۳. دفع و منع؛ این امر جهت جلوگیری از گناه در حال انجام آن کاربرد دارد.

باید توجه داشت که برای عموم افراد جامعه مسلمانان، تنها امر سوم (دفع و منع) جایز است، ولی امر اول (زجر و بازداشت) و امر دوم (مجازات و عقوبت) بر دوش حکومت و حاکمان است.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است کسی که به معروفی امر و یا از منکری جلوگیری می کند:

-مانند طیبی دلسوز و پدری مهربان باشد؛

-اخلاص داشته باشد و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و در عمل خویش از هر گونه تفاخر، اظهار فضل و برتری جویی پرهیز نماید؛

-به این امر مهم عالمانه و با شناخت کامل وارد شود و همواره حدود شرع را مراعات نماید؛

-سعی کند بر حد اقل اکتفا نماید و اگر با کاربرد مرتبه پایین تر مقصود حاصل می شود، به اعمال مرتبه بالاتر روی نیاورد؛

-همواره بر حسن خلق و رفتار شایسته توجه کند و طرف را تحت تأثیر رفتار نیکوی خود قرار دهد...

برخی احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱. فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است، تا در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.

۲. قبل از انجام امر و نهی باور داشته باشد که امر یا نهی او تأثیر دارد؛ بنابراین، اگر می داند تأثیر ندارد، امر و نهی واجب نیست.

۳. امر و نهی، سبب ضرر جانی یا ابرویی و یا ضرر مالی قابل توجه به خودش، نزدیکان، یاران، همراهان و یا سایر مؤمنان نباشد.

ص: ۲۴۰

۱. امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که مراعات آنها واجب است.
۲. مهم ترین آن مراتب: شناخت منکر، شناساندن منکر بر مرتکب آن، موعظه، نصیحت و انذار، امر و نهی شفاهی همراه با خشونت و اقدام عملی و تغییر فیزیکی.
۳. سزاوار است کسی که به معروفی امر و یا از منکری جلوگیری می کند: دلسوز و مهربان باشد؛ اخلاص داشته باشد؛ دارای شناخت کامل باشد؛ حدود شرع را مراعات نماید؛ بر حد اقل اکتفا نماید؛ بر حسن خلق و رفتار شایسته توجه کند.
۴. فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است.
۵. قبل از انجام امر و نهی باور داشته باشد که امر یا نهی او تأثیر دارد.
۶. امر و نهی، سبب ضرر به خودش و سایر مؤمنان نباشد.

پرسش ها

۱. مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.
۲. مراد از شناخت منکر چیست؟
۳. آیا در امر به معروف و نهی از منکر شناساندن منکر بر مرتکب آن ضرورت دارد؟ توضیح دهید.
۴. موعظه، نصیحت و انذار در امر به معروف و نهی از منکر بر چه امری باید استوار باشد؟
۵. امر و نهی خشن را توضیح دهید.
۶. مراد از اقدام عملی در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
۷. امر به معروف و نهی از منکر چه آدابی را مراعات نماید؟ توضیح دهید.
۸. حکم فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
۹. اگر بداند که امر به معروف و نهی از منکر او تأثیری نخواهد داشت، تکلیفش چیست؟
۱۰. در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر سبب ضرر جانی یا مالی بر خودش باشد، تکلیفش چیست؟

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «يا أيها الناس، لا تتمنوا لقاء العدو و أسألوا الله العافيه؛ فإذا لقيتموهم فاصبروا و اعلموا أن الجنة تحت ظلال السيوف». («صحيح بخاری»/ ۲۸۶۱؛ «صحيح مسلم»/ ۱۷۴۲)

«ای مردم، هرگز رو در رو شدن با دشمن را آرزو نکنید و همواره از خداوند عافیت بخواهید؛ اما اگر با دشمن رو در رو شدید شکیبایی پیشه کنید و بدانید که بهشت زیر سایه شمشیرهاست!»

جهاد

با طلوع خورشید اسلام، تمام مذاهب و مکاتب باطل و غیر قابل قبول است و همه افراد بشر باید برای پذیرش برنامه های آن آماده باشند؛ گرچه در تحقیق و پذیرش آگاهانه آن آزادند.

در صدر اسلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین برنامه های نجات بخش اسلام را برای مردم بازگو کرده و آنان را به پذیرش این آیین فرا خوانده اند. در این میان کسانی که از برنامه ها و دستورات اسلام سرپیچی نمودند و از رسیدن پیام الهی به گوش مردم مانع می شدند و با لجاجت و سرسختی سر از دشمنی و توطئه بر علیه اسلام و مسلمین درمی آوردند، دچار خشم و غضب الهی و شمشیر قهر مسلمانان شده اند.

تلاش و پشتکار برای پیشبرد اسلام و توسعه جامعه مسلمانان-و از آن جمله، مبارزه با کسانی که با خودداری از پذیرش اسلام، مانع گسترش آن می شوند-«جهاد» نام دارد.

باید توجه داشت که معنای لغوی جهاد، مطلق کوشش و تلاش است، هر چند در عرف از این واژه برداشت محدود-یعنی مبارزه مسلحانه-شده است و به نظر می رسد، این برداشت ناتمام و اشتباه است.

دفاع

نوع دیگر مبارزه با دشمنان، «دفاع» نام دارد. حقّ مسلّم هر انسان ازاده ای و به ویژه حقّ مسلّم هر مسلمانی است که در هر زمان و در هر جای عالم که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند و یا آیین و مذهبشان در خطر بود، برای حفظ جان و پاسداری از آیین خود، با دشمنان بجنگند و آنان را از بین ببرند.

اقسام دفاع

اشاره

دفاع بر دو قسم است:

۱. دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی؛

۲. دفاع از جان و حقوق شخصی.

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن:

۱. بر کشورهای اسلامی هجوم آورد؛

۲. نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد؛

۳. نقشه تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد

بر همه مسلمانان واجب است هر گونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه های آنان مخالفت کنند.

۱. جان، مال و آبروی مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسانی حمله آورد یا به افرادی که وابسته به وی هستند-مانند پدر، مادر، همسر، دختر، پسر، برادر، خواهر و...-هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است.

۲. اگر دزدی برای ربودن اموال انسانی اقدام کند، دفاع از اموال و جلوگیری از او واجب است.

۳. اگر کسی به ناموس مردم به هر وسیله ای مزاحمت ایجاد کند-همانند نگاه کردن به خانه و حریم شخصی دیگران، سد راه و اذیت زبانی و دستی و...-جلوگیری او از آن کار زشت واجب است، هرچند با اعمال خشونت باشد.

چکیده مطالب

۱. تلاش و پشتکار برای پیشبرد اسلام و توسعه جامعه مسلمانان- و از آن جمله، مبارزه با کسانی که با خودداری از پذیرش اسلام، مانع گسترش آن می شوند- «جهاد» نام دارد.
۲. نوع دیگر مبارزه با دشمنان، «دفاع» نام دارد.
۳. دفاع بر دو قسم است: (۱) دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی؛ (۲) دفاع از جان و حقوق شخصی.

پرسش ها

۱. چه کسانی دچار خشم و غضب الهی و شمشیر قهر مسلمانان شده اند؟
 ۲. جهاد در لغت به چه معناست؟
 ۳. تعریف اصطلاحی جهاد را بازگو نمایید.
 ۴. آیا برداشت امروزه از کلمه جهاد صحیح است/ توضیح دهید.
 ۵. دفاع به چه معناست؟ توضیح دهید.
 ۶. اقسام دفاع را نام ببرید.
 ۷. مراد از دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی چیست؟
 ۸. اگر دزدی برای ربودن اموال انسانی اقدام کند، تکلیف انسان چیست؟
- برای تفکر بیشتر: آیا دفاع با بخشودن و گذشت در تضاد است؟ توضیح دهید.

قال الله تعالى:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (سوره بقره، آیه ۱۶۸)

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست!

درآمد

خداوند بزرگ و عطابخش نعمت‌ها، برای بهره‌برداری انسان، طبیعت زیبا و انواع خوردنی‌ها - از حیوانات، میوه‌ها و سبزیجات - را در اختیار او قرار داده است. خداوند از انسان خواسته که از نعمت‌های آفریده او برای خوردن و آشامیدن، پوشاک و مسکن و سایر نیازهای مادی و معنوی خویش به کار گیرد. در این میان، برای حفظ جان و سلامتی جسم و روح، بقا و تداوم نسل‌ها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که التزام عملی بر آن قوانین و مقررات، ضامن خوشبختی و سعادت او در دنیا و آخرت خواهد بود.

در این درس آنچه در مورد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها مهم و لازم است، ارائه خواهد شد.

انواع خوراکی ها

خوراکی ها بر دو قسم است:

۱. خوراکی های گیاهی؛

۲. خوراکی های حیوانی.

خوراکی های گیاهی بر دو نوع است:

۱. میوه ها؛

۲. سبزیجات.

خوراکی های حیوانی بر سه نوع است:

۱. چهارپایان (که خود به اهلی و وحشی تقسیم می شود)؛

۲. پرندگان؛

۳. آبزیان.

احکام خوراکی ها

۱. تمام میوه ها و سبزیجات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.

۲. احکام خوراکی های حیوانی به شرح زیر است:

حیوانات حلال گوشت

۱. هر حیوانی که در عرف عرب و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پاک شمرده

ص: ۲۴۷

می شد، حلال است:

- حیوانات آبی؛

- چهار پایان: شتر، گاو، انواع گوسفندان، اسب، گاو وحشی، الاغ وحشی، آهو، خرگوش...؛

۲. هر حیوانی که ناخن های ضعیف دارد و امکان شکار با آنها نیست: کفتار و روباه؛

۳. برخی حشرات: ملخ، خارپشت، موش دشتی (یربوع)، سوسمار؛

۴. انواع پرندگان: شتر مرغ، مرغابی، غاز، مرغ خانگی، کلاغ کشتزار (غراب الزرع)، مرغ سنگخوار (قطا)، کبک، کیوتر، گنجشکسان ها....

حیوانات حرام گوشت

۱. اهلی: قاطر و الاغ؛

۲. هر حیوانی که ناخن ها و چنگال قوی جهت شکار دارد: سگ، خنزیر، گرگ، خرس، گربه، فیل، پلنگ، شیر، میمون و...؛

۳. برخی پرندگان:

- دارای چنگال های شکاری: کرکس، باز، شاهین، عقاب...؛

- طوطی، طاوس، رخمه (از رسته کرکس ها و گوشتخوار)، بغاث (کوچک تر از کرکس و کند پرواز)، خُطاف (سیاه رنگ و دارای دو بال دراز و دو پای کوتاه)، خفاش (شب پره).

۴. هر حیوان ضرررسانی که کشتن آن مستحب است: مار، عقرب، موش...؛

۵. انواع حشرات: مورچه، مگس، سیاه سوسک بدبوی، کرم، پشه، کنه، شپش....

ص: ۲۴۸

چکیده مطالب

۱. خوراکی‌ها بر دو قسم گیاهی و حیوانی بوده، میوه‌ها و سبزیجات از نوع گیاهی و چهارپایان، پرندگان و آبزیان از نوع حیوانی می‌باشند.

۲. میوه‌ها و سبزیجات همه حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.

۳. هر حیوانی که در عرف عرب و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پاک شمرده می‌شد، حلال است؛ از جمله: حیوانات آبی؛ چهارپایان؛ هر حیوانی که دارای ناخن‌های ضعیف بوده و امکان شکار با آنها را ندارد؛ برخی حشرات و انواع پرندگان.

۴. برخی حیوانات اهلی و همچنین هر حیوانی که ناخن‌ها و چنگال قوی جهت شکار دارد؛ برخی پرندگان که دارای چنگال‌های شکاری اند و هر حیوان ضرررسان و انواع حشرات حیوانات حرام گوشت به شمار می‌روند.

پرسش‌ها

۱. خداوند در قبال نعمت‌های بی‌شمار خویش از انسان چه خواسته است؟

۲. اقسام و انواع خوراکی‌ها را توضیح دهید.

۳. در میوه‌ها و سبزیجات کدام اصل حاکم است؟

۴. در کل کدام حیوانات حلال و پاک محسوب می‌شوند؟

۵. انواع حیوانات حلال گوشت را بیان کنید.

۶. انواع حیوانات حرام گوشت را بازگو نمایید.

ص: ۲۴۹

اشاره

قال الله تعالى:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره مائده، آیه ۹۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

انواع آشامیدنی ها

اصل در آشامیدنی ها- همانند خوراکی ها- مباح و حلال بودن است.

هر گونه مایعی که از آسمان فرود بیاید، از زمین بجوشد، از میوه و یا گیاهی گرفته شود و... حلال و پاکیزه است. البته، از عموم آشامیدنی ها، چند گروه هستند که به دلایلی، حرام محسوب می شوند.

بنابر این، آشامیدنی ها به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

۱. آشامیدنی های حلال و مباح؛

۲. آشامیدنی های حرام.

آشامیدنی های حرام پنج نوعند:

۱. آشامیدنی های مضر و خطرناک که باعث فساد و نابودی جسم می شوند، همانند زهر و...؛

۲. آشامیدنی هایی که نجس هستند، همانند خون جهنده، بول، شیر حیوان حرام گوشت و...؛

۳. آشامیدنی هایی که نجاست آلود شده اند، مثل آب قلیلی که در آن نجاستی واقع شده است.

۴. آشامیدنی های مست کننده چه خمر باشد- و آن شراب مست کننده ای که از انگور درست شده است- و چه غیر خمر که شرابی است مست کننده و از میوه های دیگر همچون خرما، گندم، سیب و... آماده شده است.

۵. انواع مواد مخدر و آن موادی است که باعث سستی، گرانی و خللدار شدن فعالیت عقل می شود؛ همچون بنگ، افیون، حشیش و غیره.

احکام آشامیدن مسکرات

۱. هر گونه مایع مست کننده- چه خمر باشد و چه غیر خمر حرام است؛

۲. خمر و هر گونه مایع مست کننده، نجس است.

۳. احکام زیر مترتب بر نوشیدن خمر می باشد:

- حکم قضائی؛ مراد از حکم قضایی آن است که شارب خمر، محکوم به حد شرعی می شود.

- حد شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده، چهل ضربه و شلاق است با وجود شرایط زیر:

- وجود بینة کامل و آن شهادت دو مرد عادل؛

- اقرار شارب.

- حکم دیانتی؛ مراد از حکم دیانتی آن است که شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده باعث گناه و عصیان می شود و در جهان دیگر مرتکب این گناه با قضا و قدر الهی مستوجب عقوبت خواهد شد.

۴. هر گونه استفاده مواد مخدر حرام بوده و کسی که آن را استفاده کند، مستحق تعزیر و تنبیه قضایی می شود.

در موارد ذیل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:

۱. حفظ جان متوقف بر حرام باشد؛ مثلاً- در موقعیتی قرار گرفته است که بجز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد از گرسنگی می میرد.

۲. پزشک مجربى مداوای مرضی را به دوائی دستور داده است که با مایع مسکری مخلوط می باشد و اگر صفت مست کنندگی آن مایع مسکر از بین رفته باشد، مداوا نمودن با آن اشکالی ندارد.

۱. اصل در آشامیدنی ها مباح و حلال بودن است.
۲. آشامیدنی ها به دو دسته کلی تقسیم می شوند: (۱) آشامیدنی های حلال و مباح؛ (۲) آشامیدنی های حرام.
۳. آشامیدنی های حرام پنج نوعند: (۱) آشامیدنی های مضر و خطرناک؛ (۲) آشامیدنی هایی که نجاست آلود شده اند؛ (۳) آشامیدنی هایی که نجس هستند؛ (۴) آشامیدنی های مست کننده چه خمر باشد و چه غیر خمر؛ (۵) انواع مواد مخدر.
۴. خمر و هر گونه مایع مست کننده، نجس است.
۵. برخی از احکام مترتب بر نوشیدن خمر: شارب خمر، مستحق حد شرعی می شود؛ حد شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده، چهل ضربه و شلاق است؛ شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده باعث گناه و عصیان می شود.
۶. استفاده مواد مخدر حرام بوده و موجب تعزیر و تنبیه قضایی می شود.
۷. اگر حفظ جان متوقف بر استفاده از حرام باشد و یا مداوای مرضی با دستور پزشک مجرّبی متوقف بر استعمال شیء ناپاک باشد، فقهاء قایل به استثنا شده اند.

پرسش ها

۱. در آشامیدنی ها کدام اصل حاکم است؟
۲. آشامیدنی های حرام را بیان کنید.
۳. آیا در پی نوشیدن خمر احکامی جاری می شود؟ توضیح دهید.
۴. حکم مواد مخدر چیست؟
۵. آیا در استفاده آشامیدنی های حرام استثنایی وجود دارد؟ توضیح دهید.

اشاره

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الْوَضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ بَعْدَهُ يَنْفِي اللَّيْمَ». («مسند الشهاب»؛ ج: ۳۰۰/«إحياء علوم الدين»؛ ج ۲ ص ۳)

«شستن دست قبل از غذا فقر و نداری را از بین می برد و بعد از آن، جنون را خنثا می کند»

آداب غذا خوردن

مراعات نمودن آداب غذا خوردن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود.

مستحبات غذا خوردن

(۱)

۱. دست ها را قبل از غذا و پس از آن بشوید.

۲. در اول غذا خوردن «بسم الله الرحمن الرحيم» و در پایان، «الحمد لله رب العالمين» بگویند.

۳. با دست راست غذا بخورد.

۴. لقمه را کوچک بردارد.

۵. غذا را خوب بجود.

ص: ۲۵۴

۱.۶. اگر چند نفر سر سفره نشسته اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.

۱.۷. میزبان بعد از همه از غذا دست بکشد.

مکروهات غذا خوردن (۱)

۱. در حال سیری غذا خوردن.

۲. پرخوری کردن.

۳. نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن.

۴. خوردن غذای داغ.

۵. فوت کردن به غذا.

۶. پاره کردن نام با کارد.

۷. گذاستن نان زیر ظرف.

۸. دور انداختن میوه قبل از آن که کاملاً آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

مراعات نمودن آداب آب نوشیدن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود.

مستحبات آب نوشیدن

(۲)

۱. نشسته بیاشامد، مگر آب زمزم را که آن را ایستاده بخورد.

۲. با دست راست بیاشامد.

۳. در اول آشامیدن آب «بسم الله الرحمن الرحيم» و در پایان، «الحمد لله رب العالمین» بگوید.

۴. به سه نفس آب بیاشامد.

١- (١) .ر.ك به «احياء علوم الدين»، ج ٢، ص ٢-١٧.

٢- (٢) .ر.ك به «احياء علوم الدين»، ج ٢، ص ٥-٦.

(۱)

۱. زیاد آشامیدن.

۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

۳. با دست چپ آب نوشیدن.

۴. هنگام نوشیدن آب روی ظرف نفس نفس کشیدن.

ص: ۲۵۶

۱- (۱). ر. ک به «احیاء علوم الدین»، ج ۲، ص ۵-۶.

چکیده مطالب

۱. مراعات آداب غذا خوردن و آشامیدن مساوی است با مراعات مستحبات و مکروهات آن دو.
۲. مستحبات غذا خوردن در هفت مورد و مستحبات آشامیدن در چهار مورد خلاصه شده است.
۳. مکروهات غذا خوردن در هشت مورد و مکروهات آشامیدن در چهار مورد خلاصه می شود.

پرسش ها

۱. آداب غذا خوردن در مراعات چه اموری نهفته است؟
۲. مستحبات غذا خوردن را بیان کنید.
۳. مکروهات غذا خوردن چند مورد است؟ بازگو نمایید.
۴. مستحبات آشامیدن را نام ببرید.
۵. مکروهات آشامیدن کدام است؟

اشاره

قال الله تعالى: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْبُسَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (سوره نور/ ۳۰)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است!

درآمد

قدرت بینایی و نگاه کردن، از نعمت های بزرگ الهی برای انسان است و او باید از این نعمت در راه کمال و ترقی خود و جامعه خویش استفاده کند.

نگاه به طبیعت و زیبایی های آن - اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد - اشکال ندارد. خودداری از نگاه به نامحرمان و حفظ خود از نگاه افراد غریبه، احکام خاصی دارد که در این بخش با برخی از آنها آشنا خواهیم شد.

محرم و نامحرم

محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست، نمی باشد.

نامحرم کسی است که ازدواج با او حرام نیست و در نگاه به او محدودیت هایی وجود دارد.

افرادی که بر پسرها و مردان محرمند

افرادی که بر پسرها و مردان محرمند، به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

دسته اول: کسانی که به سبب خویشاوندی نسبی با هم محرمند و عبارتند از:

۱. مادر و مادر بزرگ؛

۲. دختر و دختر فرزندان؛

۳. خواهر؛

۴. خواهرزاده (دختر خواهر)؛

۵. برادرزاده (دختر برادر)؛

۶. عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش)؛

۷. خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).

دسته دوم: افرادی که به سبب ازدواج، بر پسرها و مردها محرم می شوند که عبارتند از:

۱. مادر زن و مادر بزرگ او؛

۲. دختر زن، هر چند دختر خودش نباشد اگر با آن زن آمیزش کرده باشد؛

۳. زن پدر (نامادری)؛

۴. زن پسر (عروس).

به جز افرادی که در دو دسته یاد شد، دیگر زن ها برای پسرها و مردها نامحرمند؛ حتی زن برادر و خواهر زن که البته ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست، حرام می باشد.

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند، به سه دسته کلی تقسیم می شوند:

دسته اول: کسانی که به سبب خویشاوندی نسبی با هم محرمند و عبارتند از:

۱. پدر و پدر بزرگ؛

۲. پسر و پسر فرزند (نوه)؛

۳. برادر؛

۴. خواهرزاده (پسر خواهر)؛

۵. برادرزاده (پسر برادر)؛

۶. عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش)؛

۷. دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش)؛

دسته دوم: افرادی که به سبب ازدواج، بر دخترها و زن ها محرم می شوند که عبارتند از:

۱. شوهر؛

۲. پدر شوهر و پدر بزرگ او؛

۳. پسر شوهر، هر چند فرزند خودش نباشد؛

۴. شوهر مادر (به شرط آن که با هم آمیزش کرده باشند)؛

۵. شوهر دختر (داماد).

دسته سوم: اگر زنی با شرائطی (که خواهد آمد)، بچه ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افرادی دیگر محرم می شود. این گونه محرمیت را «محرمیت رضاعی» گویند.

شرایط شیرده: زن باشد، بیش از نه سال سن داشته باشد، در حال شیر دادن زنده باشد.

شرایط شیرخواره: زنده باشد، کمتر از دو سال سن داشته باشد، پنج نوبت جداگانه شیر خورده باشد، شیر به شکمش رسیده باشد.

به جز افرادی که ذکر شد، دیگر مردها برای دخترها و زنان نامحرمند، حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.

نگاه به دیگران و احکام آن

۱. زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می توانند نگاه کنند، هرچند برای لذت بردن باشد.

۲. به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فر دیگر، اگر برای لذت بردن باشد، حرام است؛ خواه همجنس باشد-مانند نگاه مرد به مرد دیگر-و یا غیر همجنس-مانند نگاه مرد به زن-؛ خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

۳. نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد، احکام خاصی دارد که عمده آن احکام:

ص: ۲۶۱

چکیده مطالب

۱. محرم کسی است که ازدواج با او حرام است.
۲. نامحرم کسی است که ازدواج با او حرام نیست.
۳. افرادی که بر پسرها و مردان محرمند، به دو دسته کلی تقسیم می شوند: (۱) نسبی: محرمیت به سبب خویشاوندی نسبی که در هفت مورد خلاصه می شود؛ (۲) سببی: محرمیت به سبب ازدواج که در چهار مورد خلاصه می شود.
۴. افرادی که بر دخترها و زنان محرمند، به سه دسته کلی تقسیم می شوند: (۱) نسبی: محرمیت به سبب خویشاوندی نسبی که در هفت مورد خلاصه می شود؛ (۲) سببی: محرمیت به سبب ازدواج که در پنج مورد خلاصه می شود؛ (۳) رضاعی: محرمیت به سبب شیر دادن.
۵. زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می توانند نگاه کنند، هر چند برای لذت بردن باشد. به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فر دیگر، اگر برای لذت بردن باشد، حرام است؛
۶. نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد، احکام خاصی دارد.

پرسش ها

۱. محرم چه کسی است؟
۲. نامحرم را تعریف کنید.
۳. کسانی که بر پسرها و مردان محرمند بر چند دسته کلی تقسیم می شوند؟
۴. دسته اول کسانی که بر پسرها و مردان محرمند، نام ببرید.
۵. دسته دوم کسانی که بر پسرها و مردان محرمند، نام ببرید.
۶. افرادی که به سبب محرمیت نسبی بر دختران و زنان محرمند، نام ببرید.
۷. محرمیت رضاعی را بیان کنید.
۸. نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد چه حکمی دارد؟

اشاره

قال الله تعالى:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره روم/۲۱)

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند!

درآمد

دین مبین اسلام به ازدواج ترغیب و به امور و احکام آن توجه ویژه ای نموده است؛ چرا که ازدواج دارای مصالح و فوایدی است که هم عاید افراد و هم عاید جامعه خواهد شد. از جمله:

۱. پاسخ به نیاز فطری ای که خداوند در نهاد افراد بشر قرار داده است؛

۲. تقویت جامعه اسلامی به وسیله نسل صالح و کارآمد و گسترش عفت؛

۳. ایجاد آرامش روحی و امنیت روانی؛

۴. جلوگیری از هلاکت اخلاقی و سقوط معنوی؛

۵. حفاظت از نوع صحیح و سالم بشری؛

۶. توسعه دایره خویش آوندی و استحکام بنیه همیاری و تعاون. (۱)

حکم ازدواج

حکم ازدواج به نسبت تفاوت افراد و شرایط آنان متفاوت است:

۱. واجب: کسی که توانایی مالی و غیر مالی برای ازدواج را دارد و به سبب نداشتن همسر به احتمال دارد حرام افتد و نتواند خودداری نماید، واجب است ازدواج کند. (۲)

۲. مستحب: کسی که توانایی مالی و غیر مالی و همچنین میل و رغبت برای ازدواج دارد، ولی مطمئن است که به سبب نداشتن همسر به حرام نخواهد افتاد، مستحب و پسندیده است که ازدواج کند. (۳)

همسر شایسته

سزاوار است که انسان به ویژگی ها و صفات کسی که می خواهد با او ازدواج کند، توجه داشته باشد و تنها به زیبایی و مال و مقام اکتفا نکند. برخی از صفات همسر شایسته از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدین قرار است:

۱. متدین و خوش اخلاق باشد؛

۲. با محبت باشد؛

۳. عقیف و پاکدامن باشد؛

۴. در میان خانواده خود عزیز باشد؛

۵. نسبت به شوهرش متواضع باشد؛

۶. تنها برای شوهر خود زینت و آرایش کند؛

ص: ۲۶۴

۱- (۱). برای آشنایی تفصیلی ر. ک. به «الفقه المنهجي»؛ ج ۲، ص ۹-۱۲.

۲- (۲). «قفه السنه»؛ ص ۴۴۱.

۳- (۳). «قفه السنه»؛ ص ۴۴۱؛ «الفقه المنهجي»؛ ج ۲، ص ۱۳.

۷. باکره و ولود باشد؛

۸. از شوهر خود اطاعت کند؛

۹. از جهت سنی، موقعیت اجتماعی، سطح فرهنگی و اقتصادی با هم نزدیک باشند. (۱)

همسر ناشایسته

برخی از صفات همسر ناشایسته در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

۱. بی تقوا باشد؛

۲. در میان خانواده خود خوار باشد؛

۳. حسود و کینه توز باشد؛

۴. برای دیگران آرایش کند؛

۵. از شوهرش اطاعت نکند... (۲)

ارکان ازدواج

ازدواج دارای پنج رکن است:

۱. صیغه نکاح؛

۲. زوج (شوهر)؛

۳. زوجه (زن)؛

۴. ولی زوجه؛

۵. دو شاهد.

عقد ازدواج

در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست. بنابراین این، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج

١- (١). «قفه السنه»؛ ص ٤٤٣-٤٤٥.

٢- (٢). «قفه السنه»؛ ص ٤٤٣-٤٤٥.

خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و آن دو نسبت به هم نامحرمند و هیچ تفاوتی با دیگر نامحرمان ندارند.

عقد ازدواج که با جاری شدن صیغه نکاح منعقد می شود، دارای دو رکن اصلی: ایجاب و قبول است.

ایجاب: از جانب ولی زوجه صورت می پذیرد و با الفاظی همچون «زَوَّجْتُكَ» و یا «أَنْكَحْتُكَ ابْنَتِي» حاصل می شود.

قبول: از جانب زوج بوده و با الفاظی همچون «تَزَوَّجْتُ» و یا «نَكَحْتُ ابْنَتَكَ» انجام می شود.

ایجاب و قبول به غیر لغت عربی برای عاقدین و یا یکی از آنها که با لغت عربی آشنا نیستند، جایز است و اشکالی ندارد. (۱)

ص: ۲۶۶

۱- (۱). «قفه السنه»؛ ص ۴۵۲؛ «الفقه المنهجي»؛ ج ۲، ص ۵۲.

چکیده مطالب

۱. ازدواج دارای مصالح و فوایدی است که هم عاید افراد و هم عاید جامعه خواهد شد.
۲. حکم ازدواج به نسبت تفاوت افراد و شرایط آنان متفاوت است: (۱) واجب: (۲) مستحب:
۳. برخی از صفات همسر شایسته: تدین و خوش اخلاقی؛ عفت و پاکدامنی؛ عزت در میان خانواده خود؛ تواضع و اطاعت نسبت به شوهر...
۴. برخی از صفات همسر ناشایسته: بی تقوایی؛ خواری در میان خانواده خود؛ حسودی و کینه توزی؛ عدم اطاعت از شوهر...
۵. ازدواج دارای پنج رکن است: صیغه نکاح؛ زوج؛ زوجه؛ ولی زوجه و دو شاهد.
۶. عقد ازدواج که با جاری شدن صیغه نکاح منعقد می شود، دارای دو رکن اصلی: ایجاب و قبول است.

پرسش ها

۱. مصالح و حکمت های ازدواج را بیان کنید.
۲. ازدواج واجب را بیان کنید.
۳. چه زمانی ازدواج مستحب است؟
۴. صفات همسر شایسته را بازگو نمایید.
۵. صفات ناشایست برای همسران را بیان کنید.
۶. ارکان عقد ازدواج کدام است؟
۷. ایجاب چگونه انجام می شود؟
۸. قبول در عقد ازدواج با چه الفاظی تحقق می یابد؟

١. قرآن كريم ١. ابن حبان، ابو حاتم محمد، صحيح ابن حبان، قاهره: دار المعارف، ١٣٧٢هـ-ق.
٢. ابو داود، سليمان بن الاشعث، سنن ابى داود، قاهره: دار الحديث، بى تا.
٣. احمد بن محمد، ابو عبدالله، مسند الامام احمد، قاهره: دار المعارف، ١٣٩٤هـ-ق.
٤. البخارى، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح (صحيح البخارى)، الرياض: مكتبة النهضه، ١٤٠٤هـ-ق.
٥. الترمذى، ابو عيسى محمد، سنن الترمذى، قاهره: مطبعه بولاق، ١٢٩٢هـ-ق.
٦. الجزيرى، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، بيروت: دار الثقلين، ١٤١٩هـ-ق-١٩٩٨م.
٧. الحاكم، ابو عبد الله محمد، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١١هـ-ق.
٨. الخن، مصطفى و البغا، مصطفى و الشربجى، على؛ الفقه المنهجى على مذهب الامام الشافعى، دمشق: دار العلوم الانسانيه، ١٤١٧هـ-ق-١٩٩٦م.
٩. الدار قطنى، ابو الحسن على بن عمر، سنن الدار قطنى، دهلى: مطبعه الانصار، ١٣٠٦هـ-ق.
١٠. السيد سابق، فقه السنه، بيروت: مؤسسه الريان، ١٤٢٦هـ-ق-٢٠٠٥م، الطبعة الثانيه.
١١. الشافعى، محمد بن ادريس، الرساله، بيروت: المكتبة العلميه، ١٣٠٩هـ-ق.
١٢. الغزالى، ابو حامد محمد، الوجيز فى فقه مذهب الامام الشافعى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٢٥هـ-ق-٢٠٠٤م.

١٣. -، احياء علوم الدين، بيروت: دار المعرفه، بي تا، نسخه ٥ جلدى.

١٤. القرطبى، ابو الوليد محمد بن احمد بن رشد، بدايه المجتهد و نهايه المقتصد، تهران: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ١٤٣٢هـ - ق - ٢٠١١م، الثانيه.

١٥. القضاعى، ابو عبدالله محمد بن سلامه، مسند الشهاب، بيروت: دار الرساله، ١٤٠٥هـ - ق.

١٦. مالك بن انس، ابو عبدالله، الموطأ، قاهره: دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧١هـ - ق.

١٧. مسلم بن حجاج، ابو الحسين، صحيح مسلم، قاهره: دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧٤هـ - ق.

ص: ٢٧٠

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

